

تحلیل موج الیوت یک روش اثبات شده برای درک حرکات بازار از طریق روان شناسی جمعی و الگوهای فراکتال است. این راهنمای جامع و آسان، شما را با تحلیل موجی همراه با نمونه های دقیق آشنا می کند و تمام جنبه های از این نظریه را توضیح می دهد.

این راهنما به شما می آموزد که چگونه موج های ایمپالسی و اصلاحی را تشخیص دهید، قوانین کلیدی را به کار ببرید، و از استراتژی ها برای ترسیم دقیق نمودار استفاده کنید. شما یاد خواهید گرفت که چگونه پیش بینی کنید و بهترین نقاط ورود را شناسایی نمایید. نظریه موج الیوت را برای انجام معامله موثر و در عین حال کم ریسک تر و سودده تر در فارکس، رمزارزها و سهام، بررسی کنید. این دقیق ترین و آموزنده ترین راهنمای موجود است.

مقاله شامل موضوعات زیر می باشد:

محتوای

..... مبانی نظریه ی امواج الیوت	3
..... مزایای امواج الیوت	4
..... چگونگی کارکرد امواج الیوت	5
..... موج چیست؟	5
..... موج های کنشی و واکنشی	9
..... چرخه کامل قیمتی. موج های جنبشی (موتیو) و اصلاحی (کارکتیو)	13
..... درجه بندی موج ها	18
..... اعداد فیبوناچی	20
..... موج های جنبشی	23
..... Impulse(موج تکانه ای (ایمپالس -	23
..... قواعد مرتبط با تکانه-ایمپالس نزولی	29
..... دیاگنال پیشرو	29
..... دیاگنال پایانی	33
..... موج های اصلاحی	36
..... زیگ زاگ	36
..... حرکت افقی یا فلت	40
..... زیگ زاگ دوگانه	43
..... زیگ زاگ سه گانه	47
..... زیگ زاگ سه گانه	50
..... الگوی تریپل تری	54
..... مثلث افقی	57
..... مثلث مورب	61
..... موج های الیوت و نسبت اعداد فیبوناچی	64
..... موج های جنبشی. تکانه-ایمپالس:	64

موج های جنبشی. دیاگنوال پیشرو:	65
موج های جنبشی - دیاگنوال پایانی:	65
موج های اصلاحی - زیگ زاگ:	65
موج های اصلاحی: موج افقی (فلت)	65
موج های اصلاحی - زیگ زاگ های دوگانه و سه گانه:	66
موج های اصلاحی: الگوهای دابل تری و تریپل تری	66
موج های اصلاحی: مثلث جمع شونده ی افقی	66
موج های اصلاحی: مثلث افقی انبساطی	66
موج های اصلاحی: مثلث مورب	66
الگوریتم شناسایی الگوهای موجی در چارت	66
مثال شماره ی ۱	67
مثال شماره ی ۲	68
پیشنهاد برای مطالعه ی بخش عملی تحلیل امواج الیوت	68
معامله با استفاده نظریه ی امواج الیوت	69
راهبردهای معاملاتی امواج الیوت	72
امواج الیوت در معاملات روزانه	72
پیش بینی بر اساس الگوهای موجی	72
اندیکاتورهای موج الیوت	73
MACD اندیکاتور	73
اوسیلاتور موج الیوت	74
اندیکاتور موج شمار الیوت (پروفت)	74
WATL اندیکاتور	75
چگونگی خوانش چارت امواج الیوت	75
نکات کلیدی استفاده از امواج الیوت	75
واژه نامه ی نظریه ی امواج الیوت	75
انتقاد به نظریه ی امواج الیوت	78
نتایج بحث: مزایا و معایب امواج الیوت	79
پرسش های متداول امواج الیوت	80

مبانی نظریه ی امواج الیوت

تحلیل موج الیوت یکی از روش های محبوب تحلیل بازارهای مالی است. پس از خواندن این مطلب شالوده ی این روش را خواهیم فهمید و با مفاهیم اصلی آن آشنا خواهیم شد. همچنین، با پیش بینی تحلیل گران و انواع موج ها در چارت آشنا خواهیم شد و پیش بینی خود را مطرح خواهیم کرد.



R. N. ELLIOTT, 1939

Photo: The Financial World

تصویر شماره ی ۱

نویسنده ی نظریه ی امواج الیوت یک حسابدار آمریکایی به نام رالف نلسون الیوت است که متوجه شد قیمت های بازار در قالب الگوهای تکراری با یکدیگر عوض می شوند. در سال ۱۹۳۸ و پس از ۹ سال مطالعه ی پیاپی بازارهای سهام، وی نخستین کتاب خود در مورد تحلیل امواج که نامش "نظریه ی موج" بود را منتشر کرد. تا کنون حدود ۸۰ سال از زمان کشف مبانی نظریه ی موج گذشته اما محبوبیت آن در بین معامله گران همچنان به شکلی جهانی در حال افزایش است. موفق ترین معامله گران تا حد مشخصی تحلیل موجی را در معاملات و راهبردهای خود اعمال می کنند: برخی از معامله گران تنها از بخشی از این نظریه استفاده کرده و برخی دیگر تمامی تصمیم های معاملاتی خود را بر اساس آن می گیرند. این نظریه تنها در بازار سهام کاربرد ندارد و می توان از آن برای معامله ی تمامی انواع مختلف ابزارهای مالی استفاده کرد.

ایده ی اصلی در نظریه ی موج های الیوت به شرح زیر است: ساختار بازار به وسیله ی یک جمع از شرکت کنندگانی که به یکدیگر تعامل دارند شکل می گیرد. رالف الیوت متوجه شد که جمعیت معامله گران به شکلی قابل پیش بینی رفتار و الگوهای قیمتی مشابهی را (=در قالب امواج مختلف) در چارت ایجاد می کنند. وی تمامی انواع موج هایی که اشخاص می توانند در بازار پیدا کنند را شرح داده و تقسیم بندی کرده است.

وظیفه ی معامله گر فهمیدن این است که کدام شکل از امواج در حال شکل گیری است و تا چه حدی این شکل گیری انجام شده است. در صورتی که معامله گر موفق شود انجام دادن پیش بینی صحیح و اتخاذ یک تصمیم معاملاتی سودده آسان خواهد بود.

نویسنده

Roman Onegin

درباره من: من یک تحلیلگر و معامله گر مستقل هستم

مزایای امواج الیوت

تحلیل امواج الیوت در مقایسه با سایر روش های تحلیل تکنیکال دارای چندین مزیت است.

تحلیل بازار بدون تاخیر زمانی

زمانی که یک چارت قیمتی را با استفاده از هر نوع اندیکاتور یا اوسیلاتور تحلیل می کنید یک تاخیر زمانی ایجاد می شود. منظورم این است که اندیکاتورها و اوسیلاتورها وضعیت بازار را با تاخیر نشان می دهند زیرا بر اساس داده های تاخیری محاسبه می گردند.

زمانی که در بازار یک روند جدید آغاز می شود، اندیکاتورها و اوسیلاتورها با تاخیر یک سیگنال مرتبط ایجاد می کنند. از آن سو، تحلیل موج الیوت کمک می کند تا از پیش یک روند جدید را پیش بینی کنیم.

این فرصت به معامله گران اجازه می دهد تا از قبل آماده ی تغییر روند شوند و تصمیم معاملاتی صحیح را بگیرند. به دلیل این ویژگی نظریه ی امواج می تواند قبل از شروع یک روند جدید وارد معامله شوید و سود احتمالی را افزایش دهید. گزینه ی دیگر این است که می توانید با حداکثر میزان سود از معامله خارج شوید (مثلاً: در نقطه ی کف روند در زمانی که میانگین حرکتی از قیمت فاصله ی زیادی دارد و سیگنال وجود روند قوی در بازار را نشان می دهد).

بیشتر معامله گران انتظار ندارند که روند نزولی به زودی تغییر پیدا کند و اینگونه فرض می کنند که بازیگران بازار همچنان منفی باقی خواهند ماند، اما یک کاربر پیشرفته ی نظریه ی امواج الیوت این را متوجه است که یک ایمپالس نزولی بیشتر ایجاد شده است. افزون بر این، پنجمین موج واقع در ایمپالس یک دیاگنال پایانی است که سیگنال معکوس شدن روند را از خود نشان می دهد. بنابراین، معامله گر آشنا با تحلیل امواج در سودمندترین سطح ممکن از معامله خارج می شود. بازار شروع به حرکت در جهت مخالف می کند و معامله گر در این حالت سود کسب کرده است.

میزان دقت الگوهای موجی

همچنین، از میان مزایای مبانی امواج الیوت می توان شرحی جزئی از ساختارهای موجی ارائه کرد. به طور مثال، همه در مورد الگوهای تحلیل تکنیکالی مثل الگوی معکوس سر و شانه شنیده ایم. می توانیم الگوهای بیشتر مختلفی در چارت قیمتی پیدا کنیم که "سر و شانه" نام می گیرند. برخی از این الگوها سریع شکل می گیرند و برخی دیگر در طی زمان گسترش پیدا می کنند. همچنین، در برخی از این الگوها، حرکات بازگشتی (پولبک ها) پرشیب هستند و در برخی دیگر این حرکات کم عمقتند. علاوه بر این باید اشاره داشت که در ساختار تمامی عوامل الگوی "سر و شانه" تفاوت هایی وجود دارد. اگرچه، بدون توجه به اینکه توصیف این الگو در تحلیل تکنیکال تا چه حد جزئی باشد شناسایی آن در چارت سخت خواهد بود.

اگر بر اساس تحلیل موجی به این الگو نگاهی بیندازیم خواهیم دید که الگوی سر و شانه در برخی موارد موج های ۴ و ۵ در ایمپالس قبلی را گسترش می دهد و موج های ۱ و ۲ در ایمپالس مخالف جدید را ایجاد می کند. در این حالت، باید منتظر ایجاد شدن موج ۳ باشیم و یک تصمیم معاملاتی مرتبط بگیریم.

اگرچه، در یک مورد دیگر می بینیم که بخشی از الگوی سر و شانه بر اساس نظریه ی امواج الیوت همان موج های پیوندی X و زیگ زاگ Y است و این در حالی است که بخش دیگر موج XX است که هنوز پایان نیافته است. در این حالت، تحلیلگر امواج الیوت منتظر پایان موج XX خواهد بود که پس از آن زیگ زاگ دیگری به نام Z ایجاد خواهد شد که با موج Y به شکلی هم جهت حرکت خواهد کرد.

یک تحلیلگر تکنیکال در این حالت ممکن است الگویی که ایجاد می شود را با الگوی سر و شانه اشتباه بگیرد و این انتظار برایش پیش آید که بازار می تواند در جهت مخالف حرکت کند و این در حالی است که یک تحلیلگر موج این را می داند که بخش پایانی زیگ زاگ

سه گانه در حال شکل گیری است. چندین مثال در این رابطه می توان مطرح کرد زیرا ساختارها و الگوهای موجی در تحلیل امواج با جزییات بسیار بیشتری در مقایسه با الگوهای تحلیل تکنیکال مطالعه می شوند.

همچنین، در اینجا می خواهیم یک مثال در مورد الگوی مثلثی مطرح کنیم. در تحلیل تکنیکال نکات زیادی در مورد مثلث ها گفته نشده و محدودیت های سفت و سختی در قواعد تحلیلی مرتبط با آن وجود ندارد، بلکه معمولاً تنها چند توصیه ی تقریبی در این رابطه بیان می شود. تحلیلگران تکنیکال باید خودشان مشخص کنند که الگوی ایجاد شده یک مثلث است یا خیر. اگرچه، اگر نگاهی به قواعد تحلیل موج در مورد مثلث ها بیندازیم چند قاعده ی قطعی و سفت و سخت می بینیم که باید در ۱۰۰٪ مواقع رعایت شوند. اگر حتی یکی از قواعد در الگوی ایجاد شونده رعایت نشود دیگر نمی توان ساختار ایجاد شده را مثلث دانست و در این خصوص هیچ استثنایی وجود ندارد.

چنین رویکردی ریسک تفسیر ناصحیح را محدود می کند و به معامله گران اجازه می دهد تا با قطعیت بیشتری قضاوت کنند که آیا الگوی ایجاد شده مثلث است یا نه. علاوه بر قواعد، تعدادی از نکات راهنما و مشاهدات در مورد ساختار موج ها و ویژگی هایشان وجود دارد که اغلب (و نه همیشه) می توان حضور آن ها را دید. به طور مثال، اگر این نکته که زیرموج های واقع در مثلث موج های اصلاحی درون مثلث را گسترش می دهند به حقیقت نپیوندانند این چیزی را تغییر نخواهد داد و همچنان موج نامبرده می تواند ساختار یک مثلث را به خود بگیرد.

در تحلیل موجی قواعد واضحی در مورد الگوی یک موج خاص وجود دارد که به معامله گر امکان آن را می دهد تا به شکلی دقیق یک الگو را تعریف کرده و بدینوسیله احتمال ارتکاب خطا کاهش پیدا می کند. البته در تحلیل تکنیکال متداول همه چیز مبهم تر است و مشاهدات اندکی در مورد الگوها انجام گرفته و به همین دلیل قواعد استاندارد شده ی کمتری وجود دارند. شاید به همین دلیل است که تحلیل امواج الیوت یک روش پیچیده محسوب می شود.

چگونگی کارکرد امواج الیوت

همه می دانیم که بازار در طی مرادده ی تعداد بسیار زیادی از شرکت کنندگان (از معامله گران خرد تا شکل دهندگان بازار و بانک های تجاری) در آن شکل می گیرد. این شرکت کنندگان بر اساس اهداف خود وارد معاملات می شوند. بنابراین، قیمت ابزارهای معاملاتی همواره تغییر پیدا می کند و این تغییر در چارت لحظه ای به نمایش گذاشته می شود. ما این چارت ها را در نرم افزارهای معاملاتی و تحلیلی مشاهده می کنیم - نرم افزارهایی که نشان دهنده ی همه ی تغییرات در بازار هستند.

به طور مثال فرض کنید یک کشور تصمیم گرفته تا با مبلغ پولی هنگفت ابزارآلات بخرد و به همین دلیل به مبادله ی ارز احتیاج دارد، یعنی باید یک ارز را بخرد و دیگری را بفروشد. این اتفاق به شکلی ناگزیر بر روی چارت قیمتی و به عبارتی دقیق تر احتمالاً در قالب یک حرکت تکانه ای بر روی چارت تاثیر خواهد گذاشت. معامله گران می توانند این حرکت جهت دارد را شناسایی کرده و به نحوی با ایجاد کردن یک حرکت تکانه ای دیگر به آن ملحق شوند. بنابراین، سرمایه گذاران خریداری که به وضعیت جدید ملحق می شوند می توانند از آخرین حرکت تکانه ای شاخص که بعد از آن یک حرکت اصلاحی ایجاد می شود سود کسب کنند.

الیوت به شکلی دقیق چارت قیمتی را مورد مشاهده قرار داد و متوجه شد که بدون توجه به آنچه در بازار اتفاق می افتد شکل موج ها ۱ نوع از مجموع ۱۰ نوع موج خواهد بود. وی تمامی انواع موج ها را شرح داد و طبقه بندی کرد، موج هایی که به لطف وجود آن ها و بر اساس آن ها قواعد و دستورالعمل های تحلیل موجی شکل گرفت.

معامله گر باید چگونگی اعمال کردن این قواعد و راهنماها را در چارت قیمتی یاد بگیرد و به شکلی صحیح موج های جدید را شناسایی کرده تا بتواند حرکت شاخص را به شکل صحیح پیش بینی کند. این پیش بینی بینی مبنای اتخاذ یک تصمیم معاملاتی است و نظریه ی امواج الیوت اینگونه کار می کند.

موج چیست؟

بباید در اینجا نخستین قدم های خود را در تسلط بر مبانی تحلیلی نظریه ی امواج الیوت برداریم.

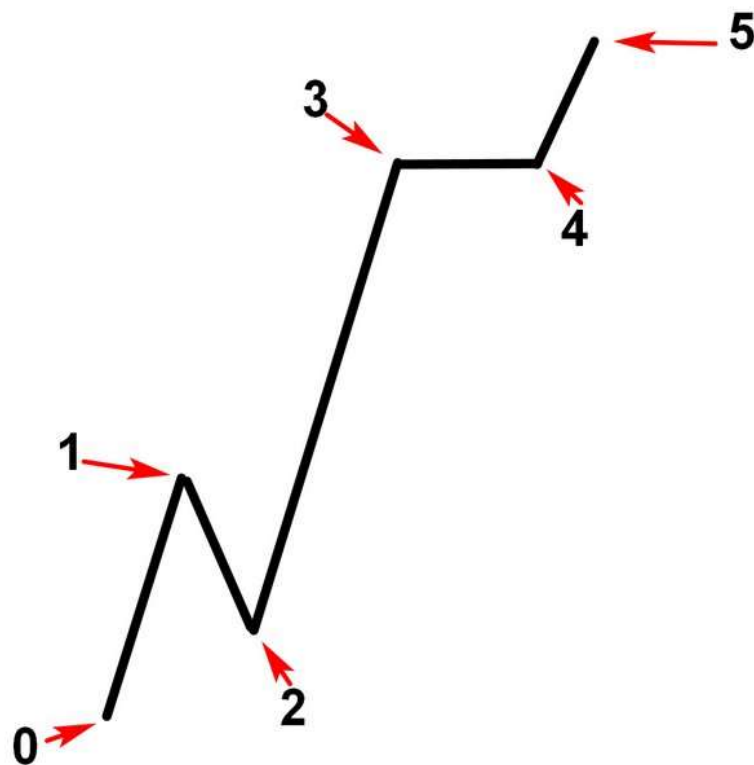
نویسنده

Roman Onegin

درباره من: من یک تحلیلگر و معامله گر مستقل هستم

اولاً، سوال این است که موج یعنی چه؟ موج یک اصطلاح پایه ای در نظریه ی تحلیل موجی است که با تغییرات ریز واحدی قیمت (که در اصطلاح به آن تیک می گویند) و بازه ی زمانی ۱ دقیقه ای شروع و با تایم فریم های ۱ ماهه و بالاتر به پایان می رسد. این بدین معنی است که چارت قیمت هر شکلی هم که داشته باشد ما موج ها را به شکلی مشابه مشاهده خواهیم کرد.

تعریف موج: موج بخشی از حرکت قیمتی از یک جهت به جهت دیگر است. برای واضح تر ساختن این مفهوم می خواهیم بخشی از یک روند صعودی را در تصویر شماره ۲ به نمایش درآوریم.



تصویر شماره ۲

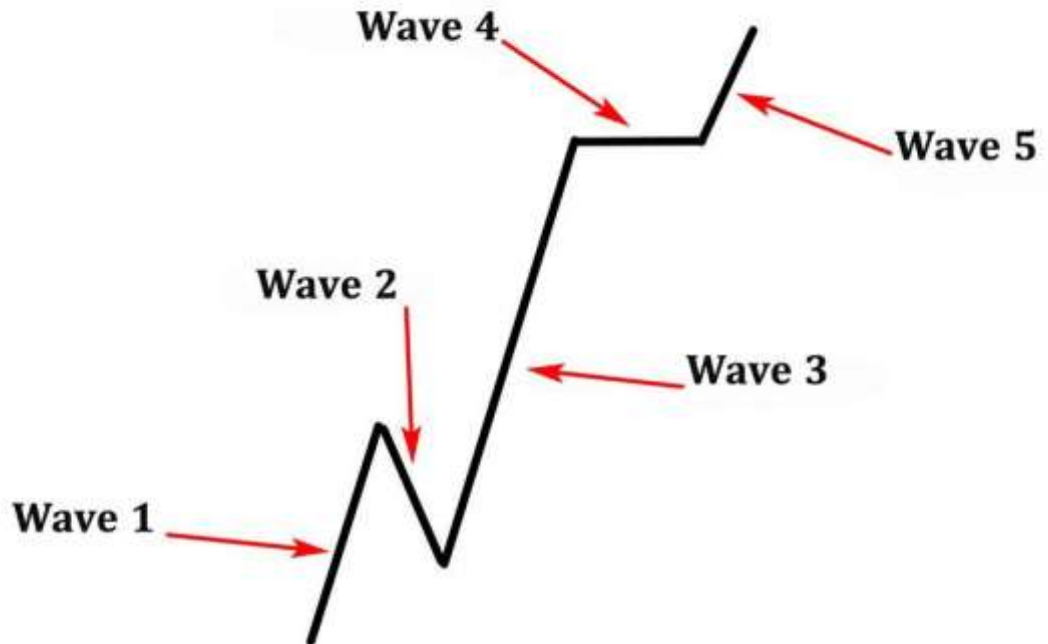
این تصویر نشان دهنده ی یک روند صعودی است که از ۵ موج تشکیل و با نقاط ۰ تا ۶ مشخص شده است. اولین تغییر جهت از صعودی به نزولی در نقطه ی ۱ ایجاد شده پس می توانیم بگوییم که اولین موج از نقطه ی ۰ تا ۱ ادامه دارد.

در نقطه ی شماره ۲ قیمت جهت خود را از نزولی به صعودی تغییر می دهد و یک روند صعودی همچنان در بازار فعال است. این بدین معنا است که دومین موج همان دومین حرکت قیمتی از نقطه ی ۱ به ۲ است. با انجام دادن یک قیاس به همین ترتیب می توانیم موج سوم تا پنجم را شناسایی کنیم. در تصویر شماره ۳ به شماره ی موج ها اشاره شده است.

نویسنده

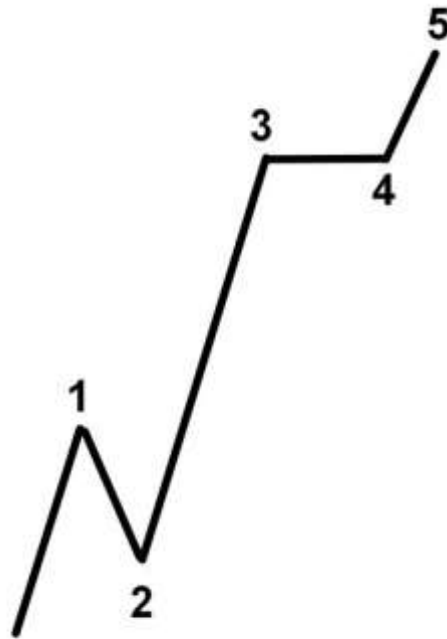
Roman Onegin

هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من: am درباره



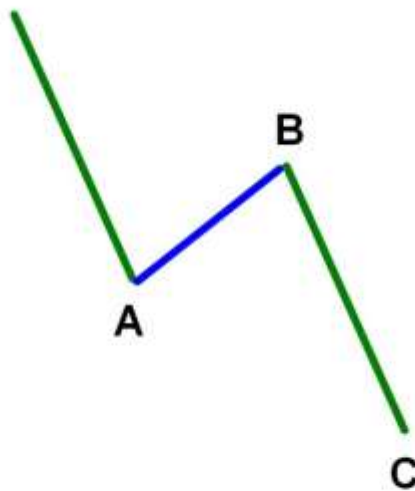
تصویر شماره ی ۳

لحظه ی بسیار مهمی باید در اینجا یادآوری شود: در تحلیل موج الیوت نام موج در نزدیکی نقطه ی پایانی آن نوشته می شود. نحوه ی صحیح نامگذاری موج ها در تصویر شماره ی ۴ به نمایش گذاشته شده است (تکانه ای را مشاهده می کنید که از ۵ موج تشکیل شده است).



تصویر شماره ی ۴

برای فهمی بهتر می خواهیم حرکت نزولی در تصویر شماره ی ۵ را مشاهده کنیم که از ۳ موج A و B و C تشکیل شده است.



نویسنده

Roman Onegin

هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من: ن:م درباره

تصویر شماره ۵

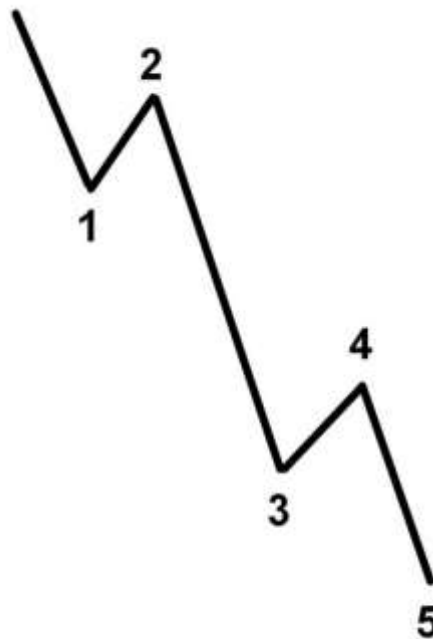
وقتی می گوییم موج A منظورمان اولین موج نزولی ای است که به رنگ سبز درآمده است. وقتی می گوییم موج B، منظورمان موج صعودی ای است که آبی شده است. وقتی می گوییم موج C منظورمان دومین موج نزولی ای است که سبز شده است. راستی این را هم باید اشاره کنیم که یک چرخه ی کامل در موج های الیوت از ۸ موج، ۱ حرکت تکانه ای (ایمپالس)، و یک حرکت اصلاحی تشکیل شده است.

پس تا الان فهمیدیم که موج چیست و می دانیم که چگونه باید موج ها را به شکل صحیح نشانه گذاری یا نام گذاری کنیم. در مرحله ی بعد می خواهیم سایر مبانی پایه ای نظریه ی امواج الیوت در فارکس را یاد بگیریم.

در بخش بعدی در طی یک هفته به موج های کنشی و واکنشی خواهیم پرداخت. ذخیره کردن لینک را به یاد داشته باشید و در یک هفته برگردید!

موج های کنشی و واکنشی

تمام موج ها را بر اساس عملکردی که دارند می توان به دو نوع تقسیم کرد: کنشی و واکنشی. برای فهم تفاوت های آن ها می خواهیم در تصویر شماره ۶ بخشی از یک روند نزولی را ترسیم کنیم.



تصویر شماره ۶

می بینیم که موج ۱ آهنگ بازار را به شکلی کنشی نزولی کرده و موج ۲ در تلاش برای ایجاد یک دنباله ی بازگشتی در جهتی مخالف است، یعنی موج ۲ می خواهد در برابر حرکت کاهشی قدرتمند واکنش نشان دهد. پس از آن می بینیم که موج ۳ حرکت کنشی دیگر را در بازار ایجاد کرده و در تلاش است تا آن را تا جای ممکن کاهشی کند و از آن سو، موج ۴ در برابر موج ۳ به وسیله ی یک دنباله ی بازگشتی واکنش نشان می دهد. در مرحله ی بعد موج ۵ را دوباره می بینیم که دوباره به شکل کنشی بازار را کاهشی کرده است.

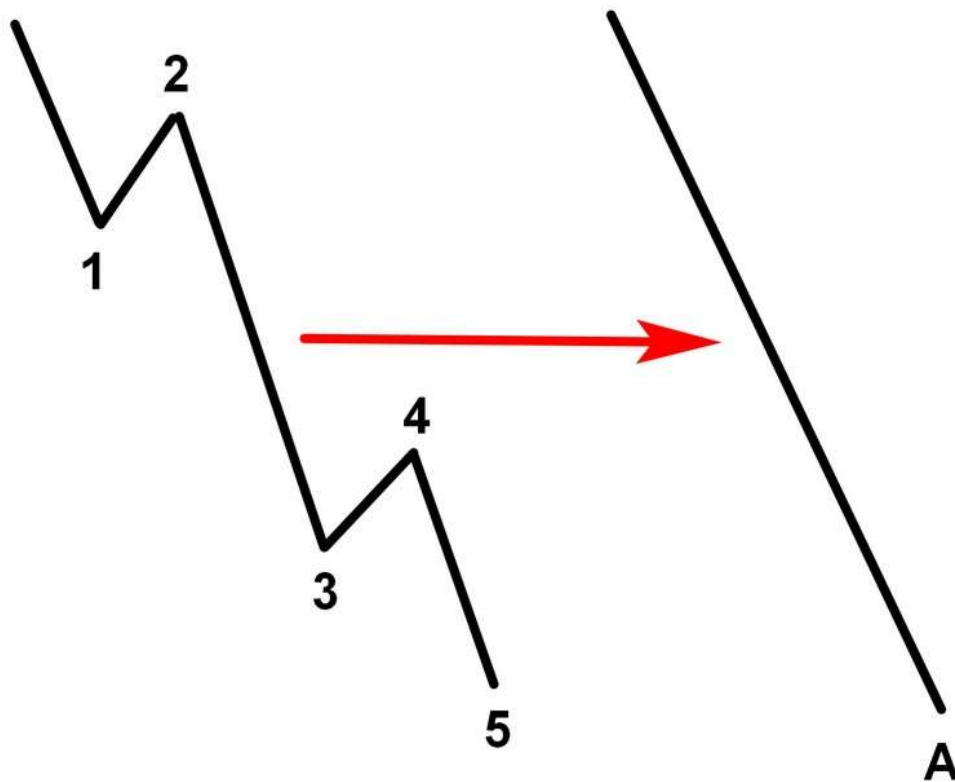
نویسنده

Roman Onegin

درباره من: من یک تحلیلگر و معامله گر مستقل هستم

بنابراین، در تکانه (ایمپالس) ی ۵ موجی می توانیم ۳ موج کنشی ۱ و ۳ و ۵ و ۲ موج واکنشی ۲ و ۴ را مشاهده کنیم.

حال زمان اشاره کردن به چند اصطلاح فرا رسیده است. موج کنشی موجی است که در جهتی مشابه با یک موج در سطح بالاتر حرکت می کند. برای فهم اینکه "یک سطح بالاتر" چیست لطفا نگاهی به تصویر شماره ۷ بیندازید.

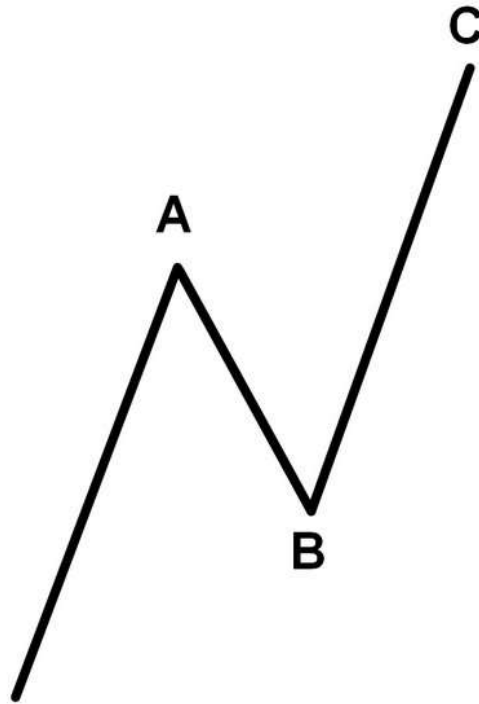


تصویر شماره ۷

اگر بخواهیم در تصویر شماره ۷ همه ی ۵ موج یعنی سه موج تکانه ای و ۲ موج اصلاحی را در یک موج واحد جمع کنیم، یک موج نزولی (موج A) را در سمت راست خواهیم داشت. در این حالت، موج A یک موج در مقیاس بزرگ (سینیور یا روند بزرگتر) خواهد بود. این بدین معنا است که تمامی موج های کنشی در سمت چپ تصویر ۷ همان موج هایی هستند که مثل موج A آهنگ کاهشی دارند. موج های واکنشی همان موج هایی هستند که بر خلاف موج اصلاحی و در واقع به سمت بالا جهت گیری کرده اند.

موج واکنشی را به این ترتیب می توان تعریف و مشخص کرد: موج واکنشی موجی است که در جهتی مخالف با جهت موجی که در سطح بالاتر قرار دارد حرکت می کند. در مثال ما موج های ۲ و ۴ واکنشی هستند.

برای فهم بهتر می خواهیم بخش A-B-C در روند صعودی را ترسیم کنیم (لطفا به تصویر شماره ۸ نگاه کنید).



تصویر شماره ی ۸

به راحتی می توانیم حدس بزنیم که این بخش از ۳ موج تشکیل شده و موج سینیور (روند بزرگتر) به سمت بالا حرکت کرده زیرا کل آن بخش آهنگ افزایشی دارد. بنابراین، زمانی که بازار صعودی شروع شده موج های کنشی در اینجا همان موج های A و C هستند و موج واکنشی همان موج B است.

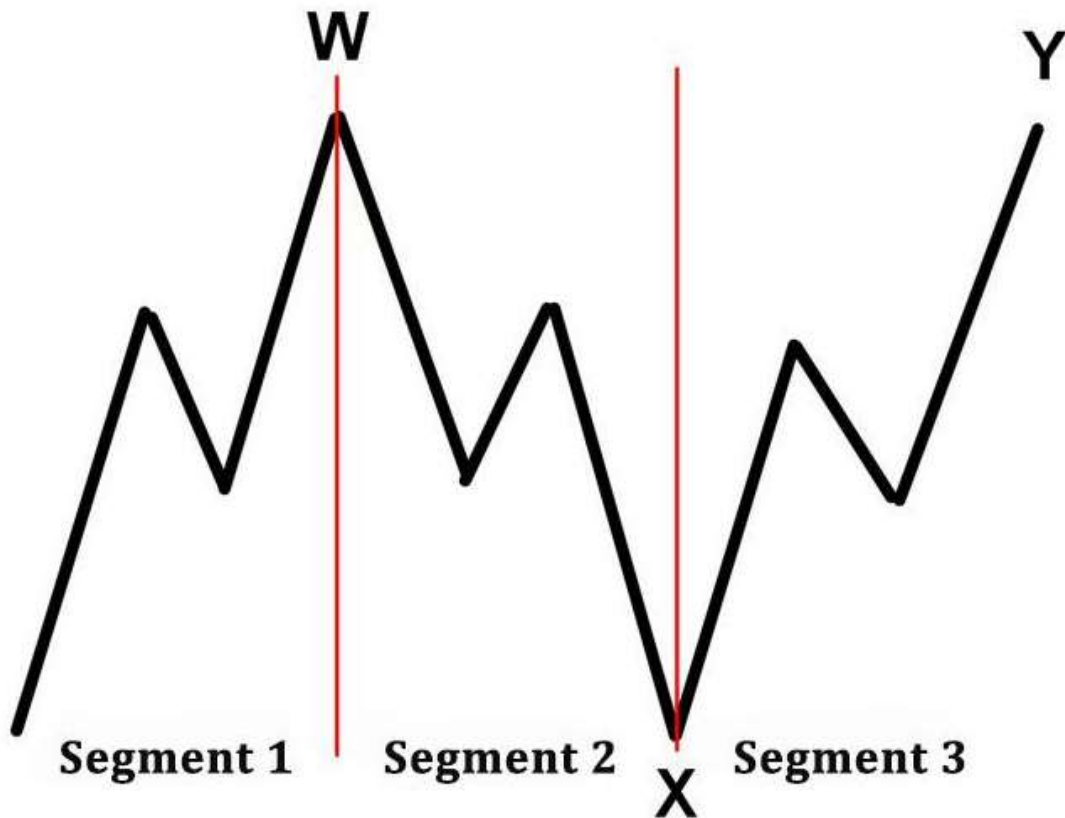
حال مشخص شده که موج های کنشی و واکنشی در روند های صعودی و نزولی چگونه معین می شوند. اما سوال اینجاست که روند های افقی را چگونه تحلیل کنیم؟ ببینیم!

در پایین یک روند افقی را به تصویر کشیده ایم.

نویسنده

Roman Onegin

درباره من: من یک تحلیلگر و معامله گر مستقل هستم



تصویر شماره ۹

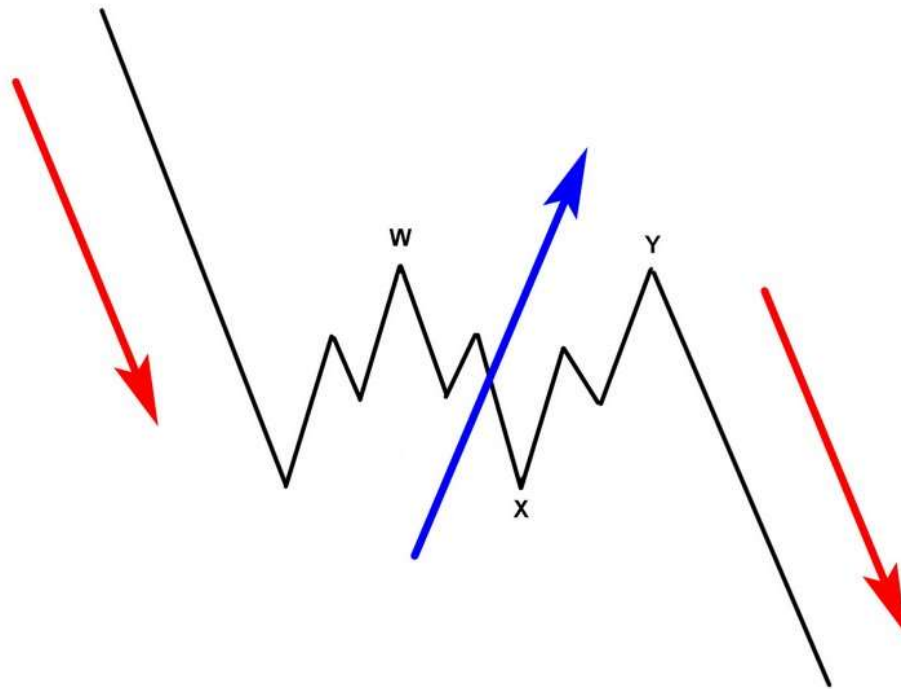
در اینجا چگونه موج های کنشی و واکنشی را شناسایی می کنیم؟ در وهله ی اول باید گفت که هر گونه بخش افقی پیچیده ای را می توان به بخش های کوچک تر تقسیم کرد. در اینجا موج افقی را با استفاده از ترسیم خطوط عمودی بین نقاط اوج موج های W و X به ۳ بخش تقسیم کرده ایم. حال که به این ۳ بخش نگاه می کنیم به راحتی می توانیم تصمیم بگیریم که کدام موج ها کنشی و واکنشی هستند. نخستین بخش حالت افزایشی داشته و به این معنی است که موج های داخل این بخش و بخش هایی که افزایشی شده اند کنشی هستند و این در حالی است که موج هایی که آهنگ کاهشی دارند واکنشی اند. به همین منوال در دومین و سومین بخش ها موج ها را به کنشی و واکنشی تقسیم می کنیم. در دومین بخش موج های کنشی به سمت پایین جهت گیری کرده اند و این در حالی است که موج واکنشی در مرکز قرار داشته و به سمت بالا جهت گیری کرده است. در سومین بخش موج های کنشی صعودی هستند و موج واکنشی آهنگ نزولی دارد.

اگرچه، پرسش این است که اگر تمامی بخش ها در تصویر شماره ۹ به یک موج واحد تبدیل کنیم برآیند آن یک موج کنشی خواهد بود یا واکنشی؟ همانطور که پیشتر فهمیدیم این موضوع به جهت موج بزرگ تر بستگی دارد. در تصویر شماره ۱۰ موج به نمایش گذاشته شده در تصویر شماره ۹ و موج بزرگ تر را می بینیم.

نویسنده

Roman Onegin

هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من: nام درباره



تصویر شماره ی ۱۰

می بینیم که موج $W-X-Y$ بخشی از یک روند بزرگ تر است که به سمت پایین جهت گیری کرده (و با فلش قرمز مشخص شده است) و تلاش دارد تا یک دنباله ی بازگشتی را در جهت مخالف (به سمت بالا که با فلش آبی مشخص شده) ایجاد کند. بنابراین، موج $W-X-Y$ در مقایسه با موج یک سطح بزرگتر حالت واکنشی دارد.

بر اساس مطالب بالا یاد گرفتیم که برای شناسایی موج های کنشی و واکنشی باید جهت آن را با موج سطح بالاتر مقایسه کنیم.

حال که این ایده های مهم را بررسی کرده ایم به راحتی متوجه خواهید شد که منظور تحلیلگران از عبارت "نگاهی به موج واکنشی این روند بیندازید" چیست. مفهوم موج های کنشی و واکنشی برای شناسایی راحت تر بخش های مشخصی از چارت ها مورد نیاز هستند.

چرخه کامل قیمتی. موج های جنبشی (موتیو) و اصلاحی (کارکتیو)

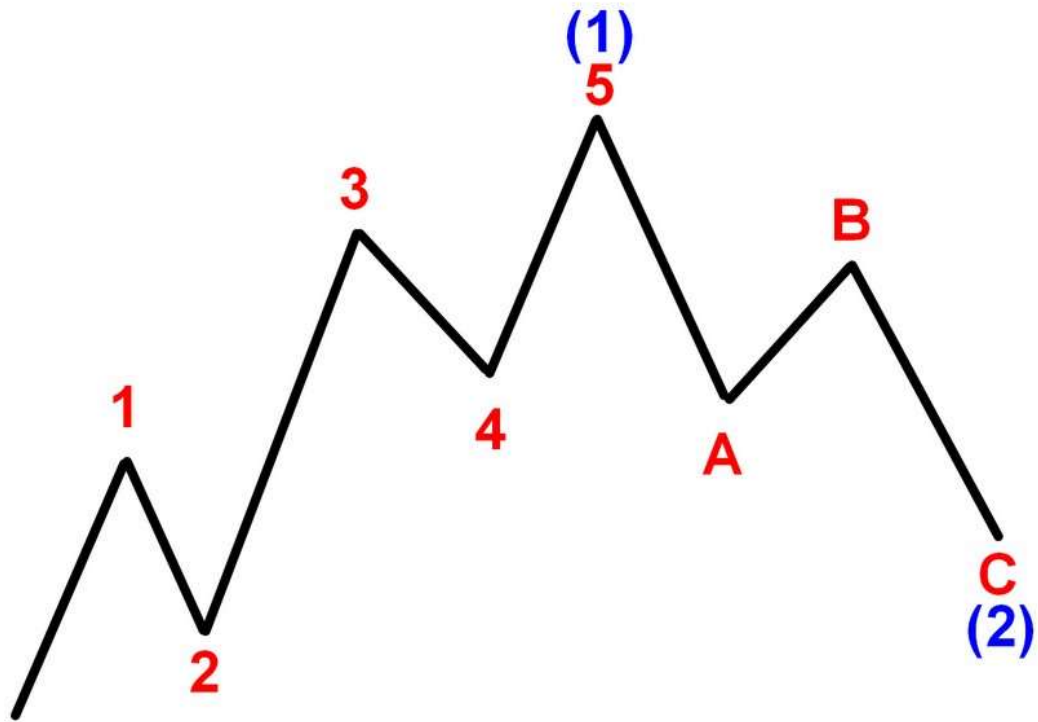
پیشتر فهمیدیم که تمامی موج های بازار بر اساس عملکردی که دارند به دو بخش کنشی و واکنشی تقسیم می شوند. اگرچه، موج ها را می توان بر اساس مشخصات دیگر نیز دسته بندی کرد. رشد موج ها را می توان به دو سبک تقسیم بندی کرد: مرحله ی جنبشی (موتیو) و اصلاحی (کارکتیو). موج جنبشی همواره از ۵ بخش تشکیل می شود و موج های اصلاحی یا از ۳ قسمت و یا از چندین قسمت تشکیل شده اند که هر کدام خود ۳ قسمت را تشکیل داده اما با یک موج پیوندی ترکیب شده اند. برای سادگی بیان موج اصلاحی ای که در مرحله ی حاضر بررسی می کنیم تنها به ۳ بخش تقسیم خواهد شد.

حال می خواهیم نگاهی به آنچه که چرخه ی کامل قیمتی نامیده می شود نگاهی بیندازیم. چرخه ی کامل قیمتی ترکیبی از موج های کنشی و اصلاحی است (به تصویر شماره ی ۱۱ نگاه بیندازید):

نویسنده

Roman Onegin

درباره من: من یک تحلیلگر و معامله گر مستقل هستم



تصویر شماره ی ۱۱

می بینیم که موج افزایشی که یک موج جنبشی است از ۵ زیرموج تشکیل شده و این در حالی است که موج نزولی (که یک موج اصلاحی است) از ۳ زیرموج تشکیل شده است. این موج جنبشی را موج شماره ی (1) و موج اصلاحی را موج (2) نامگذاری می کنیم.

موج جنبشی همواره با اعداد 1-2-3-4-5 و موج های اصلاحی با حروف A-B-C و W-X-Y مشخص می شود. بر اساس نوع موجی که ایجاد شده از حروف XX یا Z یا D یا E نیز استفاده می شود. بر اساس موارد بالا زیرموج های واقع در موج های کنشی و اصلاحی در تصویر شماره ی 11 با حروف و اعداد قرمز به نمایش درآمده اند.

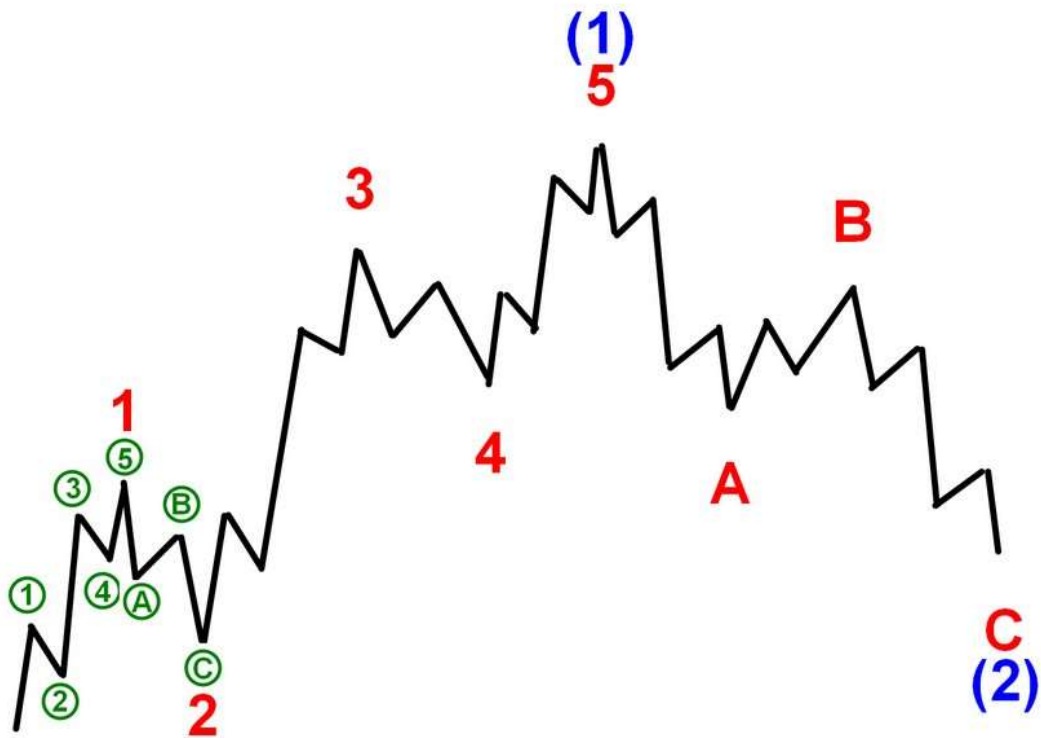
توجه داشته باشید که بخش اولیه ی الگوی ما یعنی موج های کوتاه 1 و 2 یک کپی کوچک تر از موج های بزرگ تر (1) و (2) است. به همین دلیل است که موج کوچک 1 مثل موج بزرگ (1) نیز از ۵ زیرموج کوچک تشکیل شده و باید با اعداد 1 تا 5 مشخص گردد.

موج کوچک 2 یک کپی کوچک تر از موج بزرگ (2) بوده و به همین ماهیت آن اصلاحی است که با حروف A-B-C مشخص شده است (تصویر شماره ی ۱۲).

نویسنده

Roman Onegin

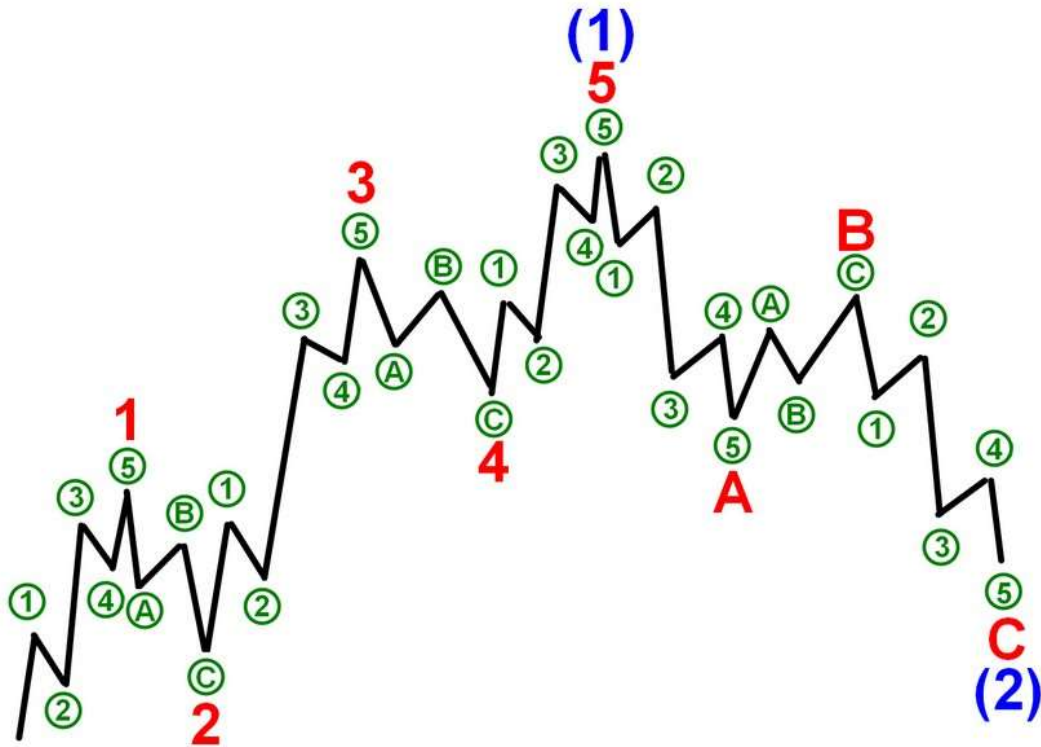
هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من: am درباره



تصویر شماره ی ۱۲

با همین روش می توانیم سایر موج های واقع در این الگو را به موج های کنشی و اصلاحی تقسیم کنیم. این بدین معنا است که موج 3 یک موج کنشی بوده که از 5 زیرموج تشکیل شده است. موج 4 نیز یک موج اصلاحی است که از 3 بخش تشکیل شده و موج 5 یک موج کنشی متشکل از 5 زیرموج است.

در خصوص ساختار کاهشی A-B-C که همان موج (2) است شماره بندی موج ها را از اول شروع می کنیم. موج A یک موج کنشی است که از 5 بخش تشکیل شده و موج B یک موج اصلاحی است که 3 بخش آن را شکل داده است. موج C هم یک موج کنشی است (به تصویر شماره ی ۱۳ نگاه کنید).



تصویر شماره ی ۱۳

اگر نگاهی به ساختار کوچک ترین موج یعنی 1 که در گوشه ی پایینی و سمت چپ چارت قرار داشته و با اعداد سبز مشخص شده بیندازیم می بینیم که این موج از 5 زیرموج تشکیل شده و در حالت کنشی حرکت می کند. کوچک ترین موج یعنی 2 از 3 زیرموج تشکیل شده و ماهیت آن یک موج اصلاحی است.

الگوی کامل چرخه ی قیمتی به شکل کامل ماهیت فراکتالی امواج را نشان می دهد. با نگاهی به این الگو می بینیم که موج های کوچک دقیقاً همان موج های بزرگ را با ملحق شدن به یکدیگر تشکیل می دهند، و جالب ترین موضوع این است که تمامی این امواج کپی هایی دقیق از یکدیگرند و تنها اندازه ی آن ها با همدیگر فرق دارد. بنابراین، چنین موج هایی را می توان مشابه هم دانست. الگویی که در تصویر شماره ی ۱۳ به نمایش درآمده حالت فراکتالی دارد زیرا امواج کوچک شبیه به موج های بزرگ هستند (و برعکس).

اصل فراکتالی بودن را باید فهمید و به یاد داشت زیرا در تایم فریم های مختلفی مثل ۱ دقیقه ای و ۱ روزه با امواج دارای ساختارهایی یکسان رو به رو هستیم. این اصل به ما اجازه می دهد تا چارت را بر اساس مبانی امواج الیوت در هر تایم فریمی تحلیل کنیم و قادر خواهیم بود که برای نزدیک ترین ۱۰ دقیقه و یا حتی ۱۰ سال آتی پیش بینی هایی را مطرح کنیم.

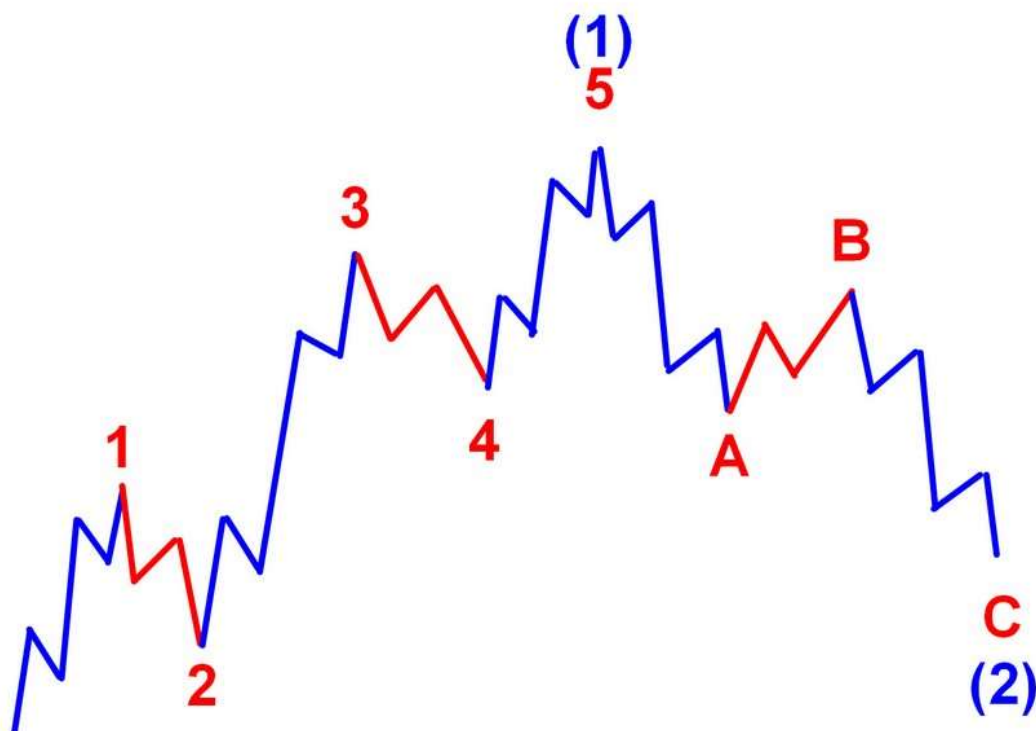
حال دوباره به سراغ چرخه ی کامل قیمتی می رویم و ساختار درونی آن را به طور کوتاه بررسی می کنیم. تمامی موج های کنشی ای که قابل مشاهده هستند حالت جنبشی (موتیو) دارند و تمامی موج های واکنشی ماهیت اصلاحی دارند.

برای تایید این موضوع می خواهیم نگاهی به تصویر شماره ی ۱۴ بیندازیم.

نویسنده

Roman Onegin

هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من:نم درباره



تصویر شماره ی ۱۴

موج شماره ی (1) را در نظر بگیریم که از ۵ بخش تشکیل شده و بنابراین یک موج جنبشی است. تمامی موج های واقع در آن یعنی موج های 1 و 3 و 5 موج های کنشی هستند و از ۵ بخش تشکیل شده اند (این موج ها در تصویر شماره ی ۱۵ به رنگ آبی درآمده اند).

تمامی موج های واکنشی درون موج (1) از ۳ زیرموج تشکیل شده اند و به رنگ قرمز درآمده اند. همین مورد را می توان به موج (2) نیز اعمال کرد: موج های کنشی ماهیت موتیو (جنبشی) دارند و از ۵ بخش (به رنگ آبی) تشکیل شده اند و این در حالی است که ماهیت موج های واکنشی اصلاحی است و از ۳ بخش (به رنگ قرمز) تشکیل شده است.

بنابراین، تا کنون در بالا این گفته را تایید کرده ایم که تمامی موج های کنشی در این الگو ماهیتی جنبشی (موتیو) داشته و از سویی دیگر موج های واکنشی همه اصلاحی هستند.

یک مورد دیگر را باید به یاد داشته باشیم: اگر موج های کنشی همواره موتیو (جنبشی) و موج های واکنشی اصلاحی باشند نیازی به استفاده از ۴ نوع اصطلاح برای توصیف آن ها نداریم و تنها دو اصطلاح (مثلاً، موتیو یا جنبشی و کارکتیو یا اصلاحی) در این خصوص کافی خواهد بود. این در حالی است که ما در عمل به ۴ اصطلاح توصیفی نیاز داریم چون برخی از موج های کنشی ممکن است هم جنبشی باشند و هم اصلاحی. فهم اینکه چرا این اتفاق می افتد در این مرحله سخت است زیرا هنوز موج های اصلاحی را مورد بررسی قرار نداده ایم.

چرخه ی کامل قیمتی، اصل فراکتالی بودن، و موج های کنشی/واکنشی را تا اینجا بررسی کرده ایم. همچنین، موج های جنبشی (موتیو) و اصلاحی (کارکتیور) را مورد مطالعه قرار دادیم.

نویسنده

Roman Onegin

درباره من: من یک تحلیلگر و معامله گر مستقل هستم

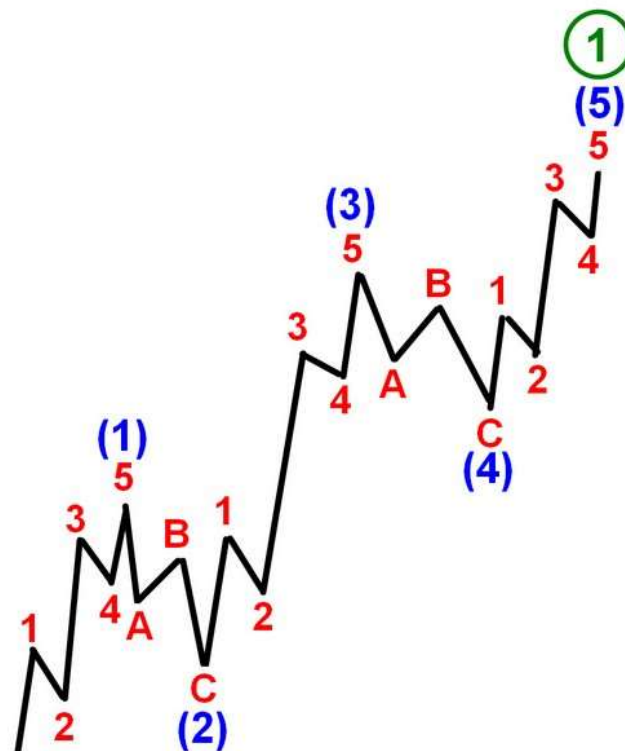
حال می خواهیم انواع موج را بررسی کنیم. موج های موتیو یا جنبشی از ۳ نوع تشکیل شده اند؛ موج های اصلاحی را می توان به ۷ بخش مختلف تقسیم کرد. بنابراین، در مجموع ۱۰ نوع موج در تحلیل موجی وجود دارد و در بخش پایین می خواهیم قواعد و دستور العمل تحلیلی هر یک از آن ها را ببینیم.

درجه بندی موج ها

پیشاپیش این را می دانیم که یک چارت می تواند حاوی چند موج با سایزهای مختلف باشد، برای تمایز قائل شدن برای موج های دارای اندازه و درجه بندی های مختلف یک ساز و کار نشانه گذاری مخصوص ایجاد شده است.

باید به یاد داشته باشیم که ارتباط سفت و سختی میان یک تایم فریم و درجه بندی یک موج وجود ندارد. موجی که دارای درجه ی "چرخه یا چرخه ای" است ممکن است هم به تایم فریم هفتگی و هم تایم فریم ساعتی ارتباط داشته باشد و این مورد به این بستگی دارد که موج دارای درجه ی بالاتر (موج بلند تر یا همان موج سینیور) و موج دارای درجه ی پایین تر (موج کوتاه تر یا همان موج جونیور) چگونه نامیده شده است. انتخاب نام و نقطه ی ارجاعی کاملاً به خودتان بستگی دارد. مثلاً، من اغلب موج های "اصلی" یا "نخستین" را در تایم فریم ۴ ساعته قرار می دهم و موج های دارای درجه های دیگر را بر مبنای این موج "اصلی" نامگذاری می کنم.

موج های دارای درجه ی "اصلی" با حروف سبز و اعداد واقع در یک دایره (یا گروه های مربع شکل) مشخص شده اند. بر اساس یک ترتیب نزولی بعد از موج "اصلی" شاهد موج درجه ی "میانمی" یا "Intermediate" هستیم. این موج با حروف آبی و اعداد واقع در گروه مشخص شده است. بعد از آن می بینیم که موج دارای درجه ی کوچک تر با حروف و اعداد قرمز معین شده است. در تصویر شماره ی ۱۵ یک ایمپالس-تکانه ی صعودی را که حاوی موج هایی در سه درجه است مشاهده می کنیم.



تصویر شماره ی ۱۵

نویسنده

Roman Onegin

هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من: am درباره

استفاده از رنگ های مختلف تمایز بخشی به موج ها در چارت را راحت تر می کند. به طور مثال می توانیم بگوییم چهارمین موج در درجه ی میانی (Intermediate) همان زیگ زاگ A-B-C است. اگرچه، عادت کردن به چنین تمایز بخشی رنگ امیزی شده ای نیازمند مقداری زمان است. یک جدول کامل که به درجات موجی مختلف اختصاص پیدا کرده را در پایین و تصویر شماره ی ۱۶ مشاهده می نمایید.

بازه ی زمانی یا تایم فریم Timeframe -	موج های اصلاحی یا کارکتیو - Corrective	موج های جنبشی یا موتیو - Motive	درجه بندی موج های
هزاره یا بیشتر	A, B, C, D, E, W, X, Y, Z	5, 4, 3, 2, 1	موج های هزاره ای
هزاره، قرن	[a][b][c][d][e][w][x][y][z]	I] [II] [III] [IV]] [[V	ابرچرخه های بزرگ (موج های گزند سوپر سایکل)
قرن، سالانه	(a)(b)(c)(d)(e)(w)(x)(y)(z)	I) (II) (III) (IV)) (V	ابرچرخه ها (سوپر سایکل ها)
سالانه، ۴ ماهه، ماهیانه	a, b, c, d, e, w, x, y, z	I, II, III, IV, V	چرخه ها
۴ ماهه، ماهانه، هفتگی، روزانه	[A][B][C][D][E][W][X][Y][Z]	[5] [4] [3] [2] [1]	اصلی، اولیه، یا پرایمری (Primary)
ماهان، هفتگی، روزانه	(A)(B)(C)(D)(E)(W)(X)(Y)(Z)	(4) (3) (2) (1) (5)	میانه - اینترمدیت (Intermediate)
ماهان، هفتگی، روزانه، ۲۴۰ دقیقه	A, B, C, D, E, W, X, Y, Z	5, 4, 3, 2, 1	موج های کوچک یا ماینور (Minor)
هفتگی، روزانه، ۴۸۰-۶۰ دقیقه	[a][b][c][d][e][w][x][y][z]	[i] [ii] [iii] [iv] [v]	موج های ریز یا مینت (Minute)
روزانه، ۴۸۰-۶۰ دقیقه	(a)(b)(c)(d)(e)(w)(x)(y)(z)	(i) (ii) (iii) (iv) (v)	موج های خرد ریز یا مینوت (Minuette)

بازه ی زمانی یا تایم فریم Timeframe -	موج های اصلاحی یا کارکتیو - Corrective	موج های جنبشی یا موتیو - Motive	درجه بندی موج های
۴۸۰-۶۰ دقیقه و پایین تر	aa, b, c, d, e, w, x, y, z	i, ii, iii, iv, v	موج های کوچک تر از خرد ریز یا ساب مینوت (Subminuette)

ترتیب رنگ ها همواره باید رعایت گردد. بعد از درجه ی موج که به رنگ قرمز مشخص شده موجی درجه ی بعدی که سبز رنگ است آمده است. بعد از آن موج آبی را می بینیم و این ترتیب تکرار می شود: قرمز، سبز، و آبی. و یک بار دیگر: قرمز، سبز، و آبی. دور موج های درجه ی سبز همواره دایره کشیده شده یا در اطراف آن ها گروه قرار گرفته است. موج های آبی نیز در گروه قرار دارند و موج های قرمز همواره در حالت بدون گروه مشخص شده اند. اگر مواردی که بالا نوشته شد را حفظ کنید پیدا کردن نمودهای درجه ای امواج برایتان حتی در اولین مراحل یادگیری ساده تر خواهد بود.

اعداد فیبوناچی

در تحلیل امواج الیوت در بازار فارکس به شکلی گسترده از امواج فیبوناچی برای پیش بینی اندازه ی های موج استفاده می شود.

ترتیب اعداد فیبوناچی توسط ریاضیدان ایتالیایی لئوناردو فیبوناچی که در قرن ۱۳ میلادی زندگی می کرد کشف شد. این ترتیب برای اولین بار در "کتاب محاسبات" در سال ۱۲۰۲ میلادی منتشر شد.

این ترتیب بر اساس راهکاری که برای "معمای خرگوش" ارائه شده تدوین شده است. صورت معما به این ترتیب است: "اگر یک جفت اولیه ی خرگوش بخواهد جفت دیگری را تولید کنند و در صورتی که فرض کنیم جفت های جدید تولید شده از ماه دومی که زنده هستند می توانند خود جفت دیگری را تولید کنند (زیرا فرض بر این است که یک ماه اولیه طول می کشد تا رشد کنند)، و در حالتی که هر جفت خرگوش تولید شده در هر ماه یک جفت خرگوش تولید کند، در یک سال چند جفت خرگوش خواهیم داشت؟".

در حال حاضر به نحوه ی پیدا کردن پاسخ به این معما نمی پردازیم و تنها جواب آن را در پایین می آوریم. پاسخ به این سوال در قالب ترتیبی از اعداد آورده شده است:

۱، ۱، ۲، ۳، ۳، ۵، ۸، ۱۳، ۲۱، ۳۴، ۵۵، ۸۹، ۱۴۴، و به همین ترتیب...

این ترتیب عددی چند برآیند درخورد توجه دارد. یکی از این برآیندها این است که اگر دو عدد همسایه در این ترتیب عددی را برداشته و عدد کوچک تر را تقسیم بر عدد بزرگ تر کنیم عدد ۰.۶۱۸ به دست می آید که در سطح دنیا به عنوان "نسبت طلایی" یا "بخش طلایی" نامیده می شود. به این عدد "فی" می گویند. به طور مثال، بیایید یازدهمین عدد در این ترتیب عددی را تقسیم بر دوازدهمین عدد کنیم و نتیجه ای که به دست می آید ۰.۶۱۸۰۵ خواهد بود.

همچنین، اگر اعداد همسایه ی بزرگ تر را تقسیم بر عدد همسایه ی کوچک تر از خود کنیم عدد به آمده ۱.۶۱۸ خواهد بود و به نحوی می توان گفت که در مقایسه با حالت قبلی عدد به دست آمده بر عکس می شود. مثلاً، اگر ۸۹ را تقسیم بر ۵۵ کنیم عددی که به دست می آید ۱.۶۱۸ خواهد بود.

عدد ۱.۶۱۹ (۰.۶۱۸) همان "نسبت طلایی" یا "بخش طلایی" ما است. توازی که این اعداد دارند به چشم خوشایند به نظر می رسد و مفهومی مهم را در موسیقی، هنر، معماری، و زیست شناسی تشکیل داده است.

نویسنده

Roman Onegin

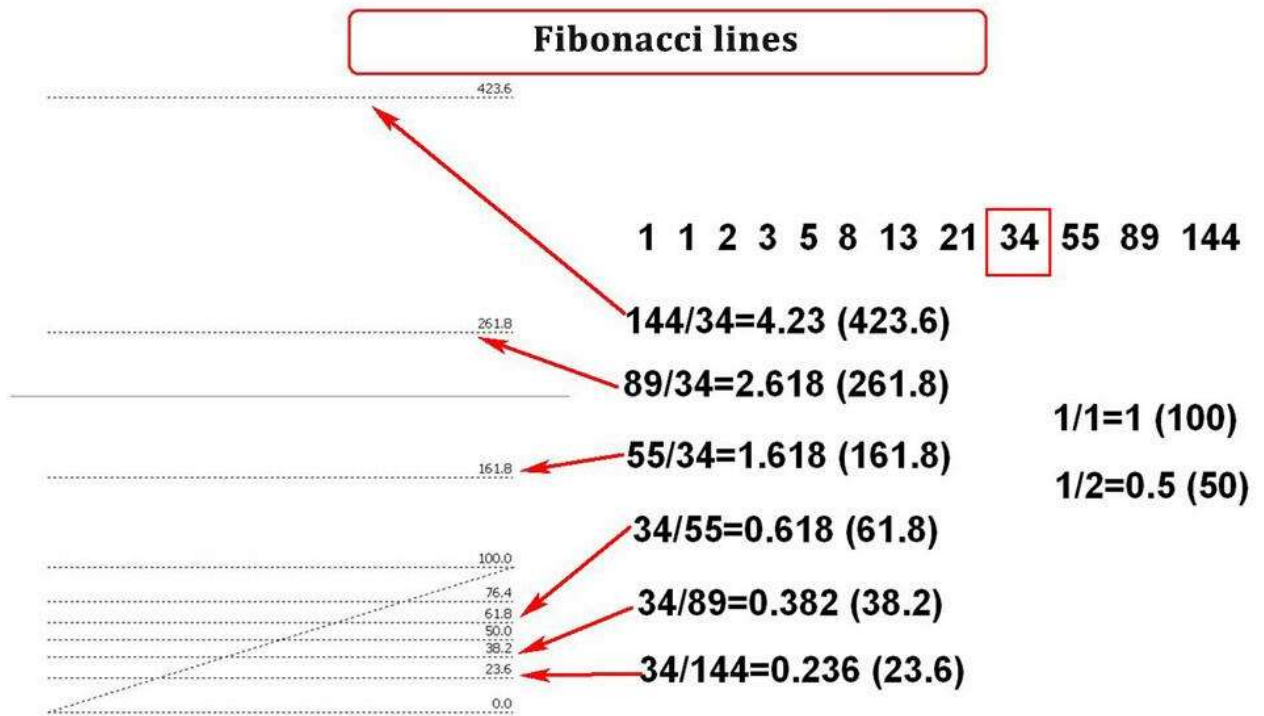
هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من: am درباره

همچنین، نسبت نامبرده یک ساختار طلایی ماریپچ شکل را ایجاد می کند که تصویر آن را در آفریده های طبیعی مختلف می توانیم مشاهده کنیم: در برگ سرخس، در پوست حلزون، و در کهکشان ها (به تصویر شماره ی ۱۷ نگاه کنید).



تصویر شماره ی ۱۷

یکی دیگر از ویژگی های خاص اعداد فیبوناچی این است که اگر هر عدد را به نزدیک ترین عدد خود تقسیم نکنیم، بلکه به عدد بعد از نزدیک ترین عدد تقسیم کنیم اعدادی کاملاً متفاوت را در نتیجه ی عملیات ریاضی به دست خواهیم آورد. مثلاً، با تقسیم ۳۴ به ۸۹ عدد ۰.۳۸۲ (۳۸.۲ درصد) و با تقسیم ۵۵ به ۳۴ عدد ۱.۶۱۸ (۱۶۱.۸ درصد) را به دست می آوریم. به این ترتیب است که تمامی ۸ عدد لازم برای ایجاد کردن دنباله های فیبوناچی ساخته می شود. لازم به ذکر است که خطوط فیبوناچی در تمامی انواع تحلیل تکنیکال (به تصویر ۱۸ نگاه کنید) وجود دارند.



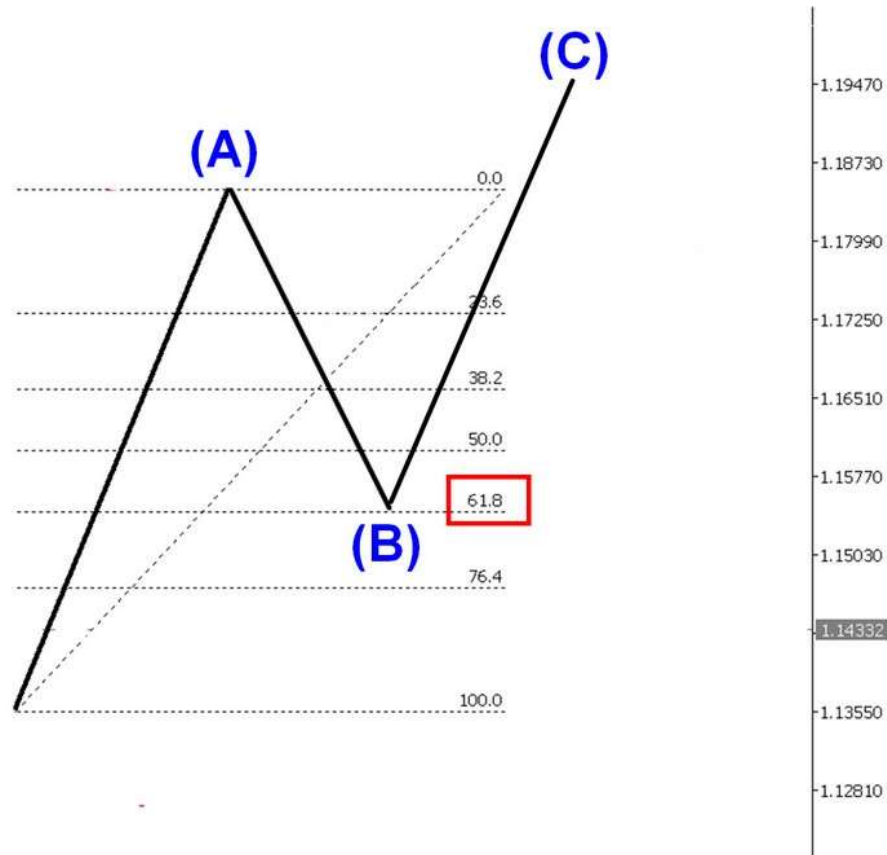
تصویر شماره ی ۱۸

این اعداد کمک می کنند تا اندازه ی یک موج را در نسبت با موج دیگر به درصد اندازه بگیریم. به طور مثال، موج (B) معمولاً معادل ۶۱.۸ درصد موج (A) در یک زیگ زاگ است. این وضعیت در تصویر شماره ی ۱۹ نمایش داده شده است. اندازه گیری ها با استفاده از ابزار فوق الذکر انجام شده است.

نویسنده

Roman Onegin

هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من: nم درباره



تصویر شماره ی ۱۹

حال می خواهیم درصد تمامی نسبت های مورد استفاده در تحلیل موجی را برای پیش بینی اندازه ی موج ها بنویسیم. ۲۳.۶ درصد، ۳۸.۲ درصد، ۵۰ درصد، ۶۱.۸ درصد، ۷۶.۴ درصد، ۱۰۰ درصد، ۱۶۱.۸ درصد، ۲۶۱.۸ درصد، ۴۲۳.۶ درصد. به طور مثال اندازه ی موج ۲ معمولا معادل ۵۰ درصد، ۶۱.۸ درصد، یا ۷۶.۴ درصد موج ۱ است. با دانستن این تناوب آماری و با توجه به ساختار درونی شکل گیری موج ۲ می توانیم تقریبا با دقت نقطه ی مورد انتظار پایان یافتن آن را پیش بینی کنیم. در نتیجه، معامله گر با قابلیت داشتن پیش بینی های دقیق شانس عالی برای باز کردن یک معامله به همراه سود و یا بستن معامله ای که پیشتر باز کرده دارد.

داده های آماری گسترده ای در مورد اندازه ی موج های جنبشی و اصلاحی وجود دارد. اگرچه، از آنجا که هنوز تمامی انواع موج را بررسی نکرده ایم بحث در مورد این موضوع را به بخش پایانی این مقاله واگذار می کنیم.

موج های جنبشی

همانطور که پیشتر دانستیم ۱۰ نوع موج در تحلیل تکنیکال وجود دارد: ۳ موج جنبشی (موتیو) و ۷ موج اصلاحی (کارکتیو - اصلاحی). نخستین موج جنبشی ای که می خواهیم بررسی آن را اکنون شروع کنیم موج "تکانه (ایمپالس - Impulse)" است.

موج تکانه ای (ایمپالس - Impulse)

تکانه یا ایمپالس معروف ترین و متداول ترین نوع از انواع موج ها در بازار است. هر ساختار پیچیده ی اصلاحی ای را می توان به چند تکانه یا ایمپالس تقسیم کرد و این بدین معنا است که تکانه یکی از سازه های ابتدایی در ساختار نامبرده است. این سازه که ترکیب

نویسنده

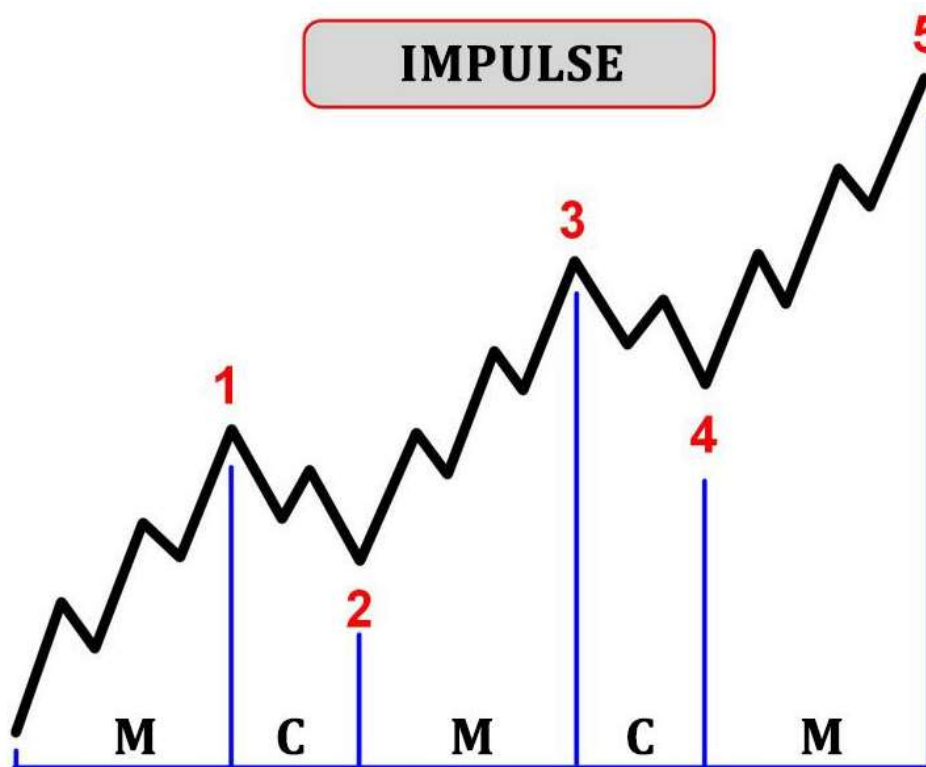
Roman Onegin

درباره من: من یک تحلیلگر و معامله گر مستقل هستم

های مختلفی دارد موج هایی با پیچیدگی های مختلفی را ایجاد می کند. از آن سو می توان اشاره داشت که هر چقدر هم که یک موج اصلاحی (کارکتیو) پیچیده باشد در نهایت می توان آن را به تکانه ها یا ایمپالس های ابتدایی تقلیل داد.

این کار دقیقا مثل فیزیک و صحبت کردن در مورد اتم ها است. اتم ها به یکدیگر متصل می شوند تا تمامی انواع مواد را در این دنیا ایجاد کنند. هرگونه ماده ای را می توان به اتم تقلیل داد. به همین صورت می توان گفت که یک تکانه یا ایمپالس یک اتم ابتدایی یا بنیادین است که تمامی موج های بازار را شکل می دهد.

پیش از نوشتن قواعد می خواهیم نگاهی به تصویر یک تکانه یا ایمپالس در تصویر شماره ی ۲۰ ببندازیم.



تصویر شماره ی ۲۰

حالا قواعد ایمپالس ها را بررسی می کنیم.

قواعد ایمپالس ها:

1. ایمپالس ها از ۵ موج تشکیل شده اند.

2. فرمول موج: M-C-M-C-M

3. موج 2 > موج 1

4. موج 3 فراتر از پایان موج 1 می رود

نویسنده

Roman Onegin

هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من: nم درباره

5. پایان موج 4 بالاتر از پایان موج ۱ است

6. موج 3 هرگز در مقایسه با موج های 1 و 5 کوتاه ترین نخواهد بود

نظرات

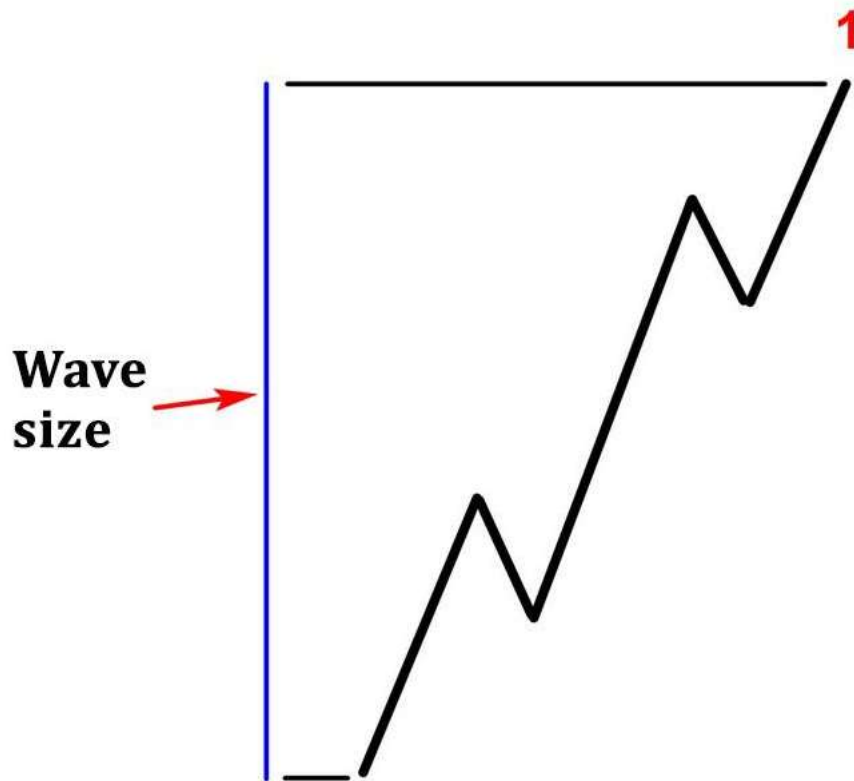
نظر بر روی قاعده ی شماره ی ۱:

- موج ایمپالسی همواره از ۵ موج تشکیل شده و با عدد مشخص گشته است، دقیقاً مثل هر موج جنبشی نظر بر روی قاعده ی شماره ی ۲:

- موج های ایمپالسی 1، 3، و 5 جنبشی هستند و موج های 2 و 4 اصلاحی می باشند. می توانیم از فرمول M-C-M-C-M برای نشان دادن آن به شکل تصویری استفاده کنیم. در وهله ی اول تصویر نشان می دهد که الگو از ۵ موج تشکیل شده است. دوماً، تصویر ماهیت موج ها را نشان می دهد (جنبشی و یا اصلاحی).
در مطالب تمرینی تحلیل موجی فرمول موج ها معمولاً دربر دارنده ی اعداد 5 و 3 و نه حروف M و C است. من ترجیح می دهم که از حروف استفاده کنم زیرا متوجه شده ام که بسیاری از افراد مبتدی با اعداد گیج می شوند. اگر از اعداد برای فرمول ایمپالس ها استفاده کرده باشیم به این ترتیب خواهند بود 5-3-5-3-5. با نگاهی به این فرمول افراد مبتدی تصور می کنند که شماره ی 3 در دومین و چهارمین موقعیت به این معنی است که دومین و چهارمین موج ایمپالس هایی هستند که ممکن است تنها سه عدد موج داشته باشند. این در حالی است که ممکن است ماهیت آن ها موج های اصلاحی ۵ موجی باشد. به طور مثال می توان به مثلث A-B-C-D-E یا ساختار سه گانه ی W-X-Y-XX-Z اشاره داشت. بنابراین، شماره ی 3 در فرمول تنها به این معنی است که موج حالت اصلاحی دارد و ربطی به تعداد بخش ها در الگو ندارد. به همین دلیل است که پیشنهاد می کنم که به جای شماره ی 3 از حرف C استفاده کنیم تا واضح تر شود که موج ماهیتی اصلاحی دارد. چنین تغییری برای افرادی مفید خواهد بود که شروع به مطالعه کردن تحلیل تکنیکال می کنند.

نظر در مورد قاعده ی شماره ی ۳:

- قاعده ی شماره ی 3 می گوید که اندازه ی موج شماره ی 2 کوچک تر از اندازه ی شماره ی 1 است. اندازه ی یک موج از طریق خط سیر آن در نمودار عمودی اندازه گیری می شود. این بدین معنی است که اندازه ی موج 1 همان طول بخش عمومی است که در تصویر شماره ی ۲۱ به رنگ آبی در آمده است.

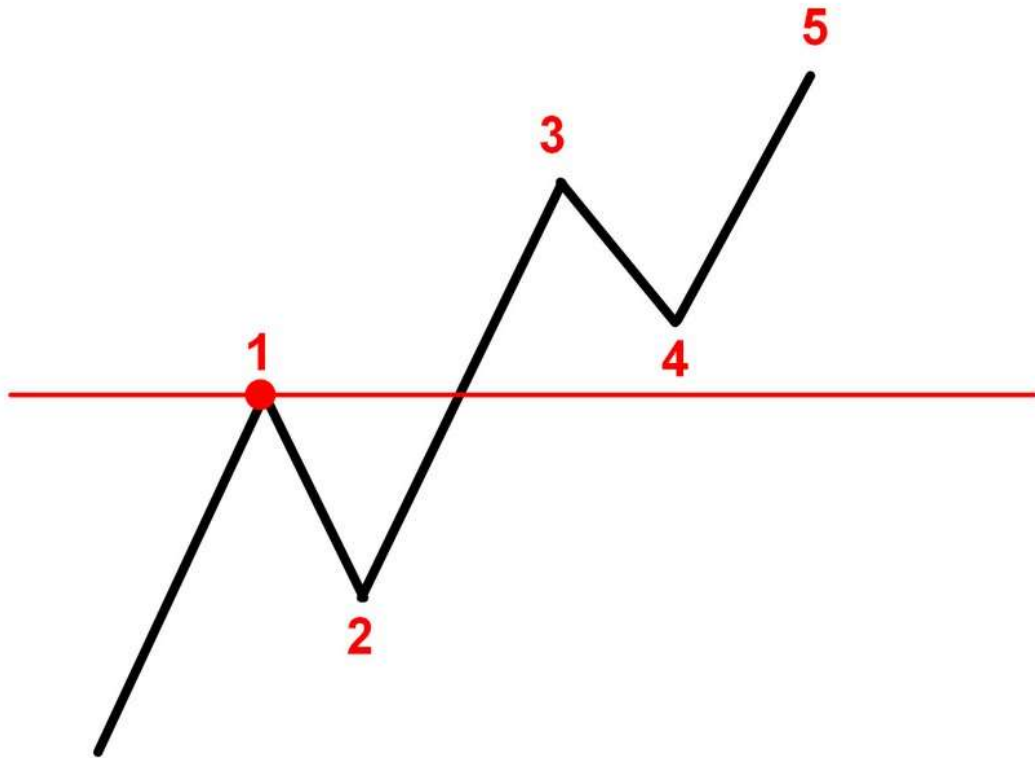


تصویر شماره ی ۲۱.

در وضعیتی که اندازه ی موج ۲ بزرگتر از اندازه ی موج ۱ است ایمپالس نخواهیم داشت بلکه ساختار موجی متفاوتی را شاهد خواهیم بود، در غیر این صورت این بدین معنا خواهد بود که ساختار موج را به شکلی صحیح مشخص نکرده ایم.

نظر بر روی قاعده ی ۴:

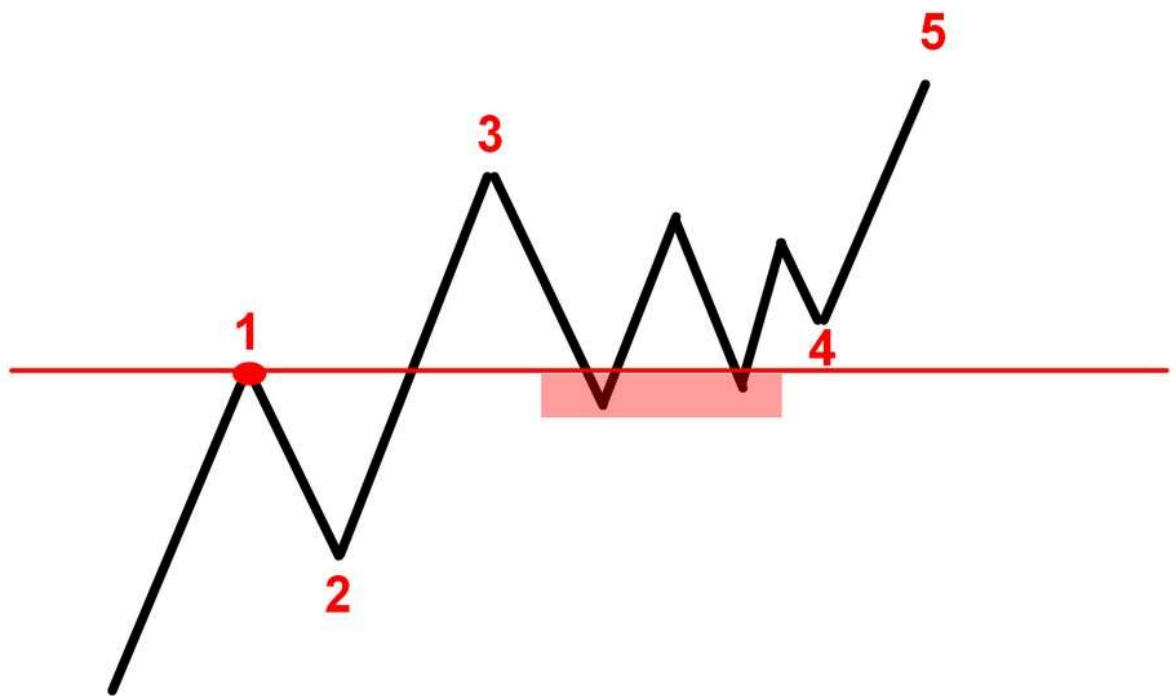
- موج شماره ی ۳ همواره فراتر از بخش پایانی موج ۱ می رود. این قاعده به این معنی است که موج شماره ی ۳ نمی تواند پایین تر از سطح مشخص شده با خط افقی قرمز در تصویر شماره ی ۲۲ به پایان برسد.



تصویر شماره ی ۲۲

نظر بر روی قاعده ی شماره ی ۵:

- بخش پایانی موج شماره ی 4 بالاتر از بخش پایانی موج شماره ی 1 است. این بدین معنا است که موج شماره ی 4 همواره بالاتر از بخش پایانی موج شماره ی 1 به پایان می رسد (در حالتی که در مورد یک ایمپالس صعودی سخن می گوئیم). همچنین، توجه داشته باشید که موج شماره ی 4 می تواند پایین تر از بخش پایانی موج شماره ی 1 در حال شکل گیری قرار بگیرد. لطفا به تصویر شماره ی 23 برای فهمی بهتر توجه داشته باشید.



تصویر شماره ی ۲۳.

می بینیم که موج 4 پایین تر از سطح خط افقی قرمز قرار گرفته که در نقطه ی اوج موج شماره ی 1 ترسیم شده، اما علیرغم آن موج 4 بالاتر از خط قرمز به پایان رسیده است. این بدین معنی است که قاعده رعایت شده است. چنین وضعیت هایی ممکن است در بازار ایجاد شوند و نباید اشتباه در نظر گرفته شوند.

نظر بر روی قاعده ی شماره ی ۶

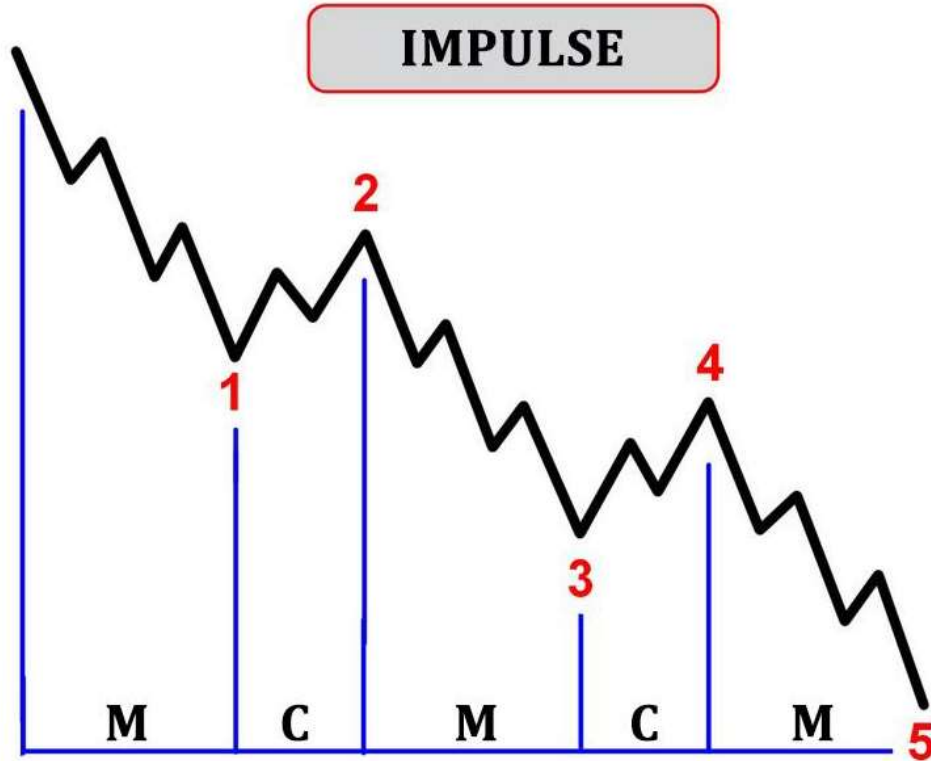
- قاعده ی شماره ی ۶ به ما می گوید که موج 3 هرگز در مقایسه با موج های 1 و 5 در حالت کوتاه ترین نیست. به بیانی دیگر، این موج هرگز نمی تواند کوتاه ترین موج کنشی (actionary) در یک ایمپالس باشد. این قاعده مانند سایر قواعد همواره باید رعایت گردد و نباید نادیده انگاشته شود. همچنین، توجه داشته باشید که از لحاظ آماری سومین موج اغلب بزرگترین موج و قدرتمند ترین موج کنشی واقع در یک ایمپالس است. بنابراین، مواردی مانند حجم بالاتر و حرکت قیمتی قوی اغلب به همراه موج 3 ایجاد می شوند. معامله کردن در سومین موج سودده ترین و نتیجه بخش ترین راهبرد معاملاتی است. بنابراین، اگر معامله گر یاد گرفته که سومین موج را در بازار شناسایی بکند به احتمال خیلی زیاد با سود معامله ی خود را انجام خواهد داد.

تمامی قواعد بالا در بازار نزولی نیز کاربرد دارند. تصویر شماره ی ۲۴ نشان دهنده ی شکل گیری یک تکانه-ایمپالس نزولی است.

نویسنده

Roman Onegin

هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من:نم درباره



تصویر شماره ی ۲۴

قواعد مرتبط با تکانه-ایمپالس نزولی

1. ایمپالسی است که از ۵ موج تشکیل شده است.
 2. فرمول موج: M-C-M-C-M
 3. موج شماره ی 2 باعث ایجاد حرکت اصلاحی در موج شماره ی 1 به میزان کمتر از ۱۰۰ درصد می شود.
 4. موج شماره ی 3 فراتر از بخش پایانی موج شماره ی 1 می رود.
 5. بخش پایانی موج شماره ی 4 پایین تر از بخش پایانی موج شماره ی 1 است.
 6. موج شماره ی 3 هرگز در مقایسه با موج های شماره ی 1 و 5 در کوتاه ترین حالت قرار ندارد.
- سایر قواعد مرتبط با موج-ایمپالس های صعودی و نزولی تقریباً یکسان هستند. تفاوت آن ها در جهت گیری رشد موج قرار دارد.

دیاگنال پیشرو

این بخش از مقاله به دیاگنال ها اختصاص دارد. دو نوع دیاگنال را می توان مطرح کرد: دیاگنال پیشرو و دیاگنال پایانی. توجه داشته باشید که از این الگوها در گذشته "مثلث های دیاگنال نامیده می شدند" و پس از آن رابرت پرچتر متخصص جهانی امواج الیوت

نویسنده

Roman Onegin

درباره من: من یک تحلیلگر و معامله گر مستقل هستم

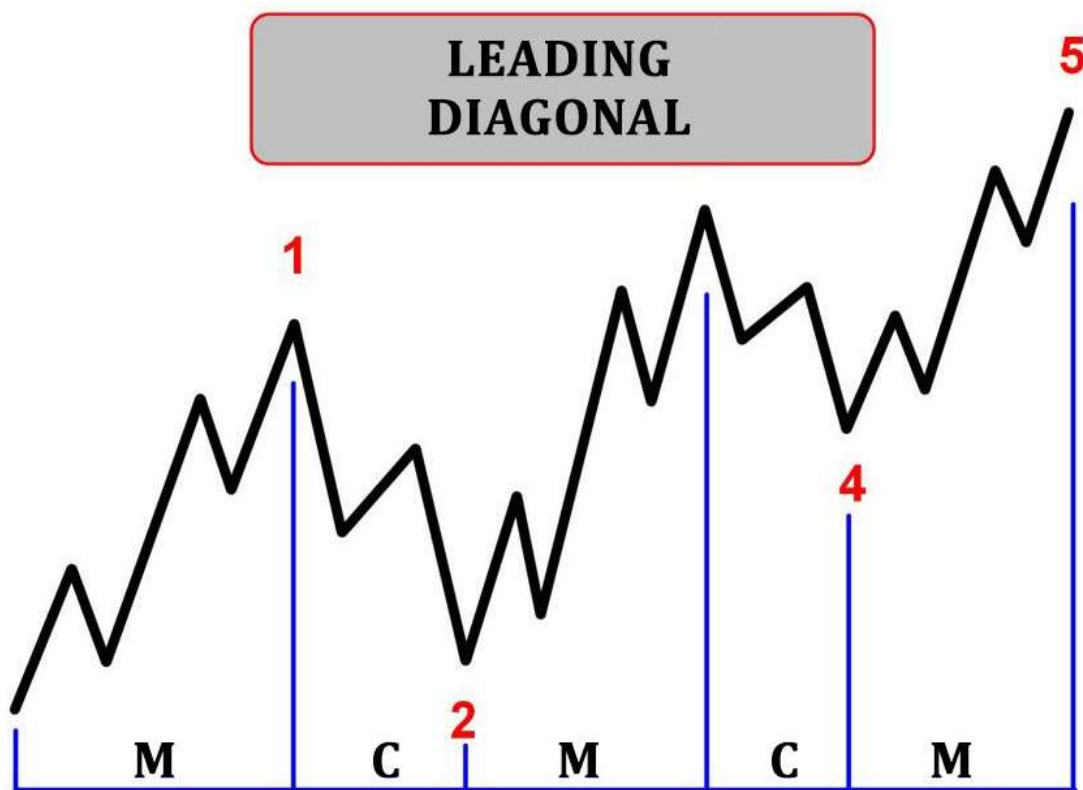
عبارت "مثلث" را از نام دیاگونال برداشت تا گمگشتگی ایجاد شده در بین معامله گران مبتدی ای که به اشتباه دیاگونال ها را در دسته ی مثلث ها قرار می دهند به پایان برسد. من کاملا با این تصمیم موافق هستم زیرا کاری صحیح برای ساده سازی تحلیل تکنیکال برای معامله گران مبتدی است.

در این بخش دیاگونال پیشرو را بررسی خواهیم کرد - این دیاگونال دومین نوع از امواج دارای ماهیت موتیو (جنبشی) است. نام دیگر دیاگونال پیشرو را می توان "گوه" دانست.

بنابراین، پرسشی که می توان مطرح کرد این است که دیاگونال پیشرو شبیه به چیست؟ در وهله ی اول، این الگو اغلب پیشرو یک حرکت قوی است و همواره در موقعیت ایمپالس-تکانه ی 1 یا موج A در یک زیگ زاگ ایجاد می گردد.

در صورتی که در چارت یک دیاگونال پیشرو را شناسایی کردید، این شاید نشانه ای از روند قوی باشد و بدین ترتیب فرصتی خوب را برای جستجوی موقعیت ورود به معامله ایجاد می کند.

در اینجا تصویری دیاگونال پیشرو را در تصویر شماره ی 25 مشاهده می کنید.



تصویر شماره ی ۲۵.

قواعد دیاگونال پیشرو:

1. از ۵ موج تشکیل شده است.

2. فرمول موج: M-C-M-C-M

نویسنده

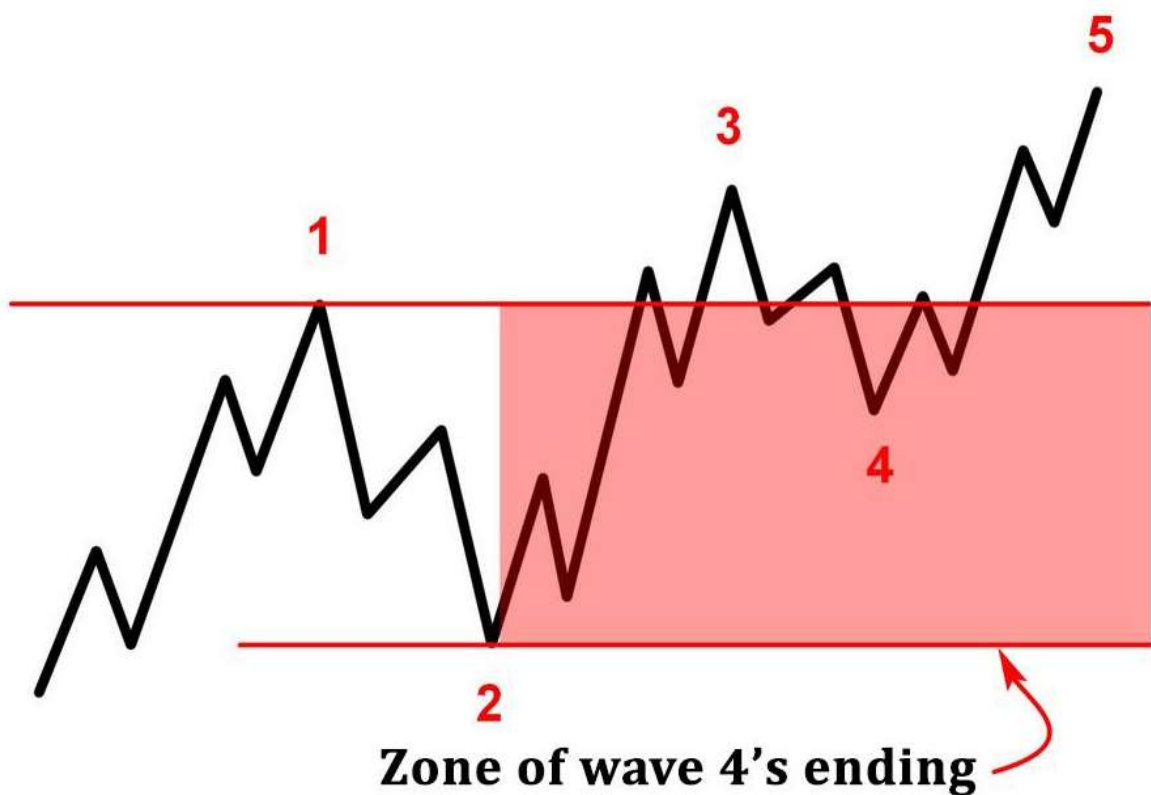
Roman Onegin

هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من: am درباره

3. موج 2 > موج 1
4. موج 3 همواره فراتر از بخش پایانی موج 1 می رود
5. موج 4 بین موج های 1 و 2 به پایان می رسد.
6. موج شماره ی 5 فراتر از بخش پایانی موج 3 است.
7. موج 3 هرگز در کوتاه ترین وضعیت نیست.
8. دیاگونال پیشرو در موقعیت موج-ایمپالس 1 یا موج A زیگ زاگ قرار دارد.

نظرات مرتبط با قواعد:

از لحاظ ساختاری دیاگونال پیشرو شبیه به یک ایمپالس است. این دیاگونال مثل ایمپالس از 5 موج دارای فرمول هایی یکسان تشکیل شده است. موج 3 همواره از بخش پایانی موج شماره ی 1 فراتر می رود. اگرچه، تفاوتی در پنجمین قاعده مشاهده می شود: موج شماره ی 4 در محلی بین بخش پایانی موج های 1 و 2 به پایان می رسد. پیشنهاد می کنم نگاهی به تصویر شماره ی ۲۶ ببندازید.



تصویر شماره ی ۲۶.

نویسنده

Roman Onegin

درباره من: من یک تحلیلگر و معامله گر مستقل هستم

تصویر شماره ی 26 نشان دهنده ی حوزه ای است که در آن انتظار می رود موج 4 به پایان برسد. اگر موج شماره ی 4 بیرون از حوزه ی نامبرده به پایان برسد به این معنی است که یک الگوی متفاوت را شناسایی کرده ایم و یا اینکه موج های به شکلی صحیح شناسایی نشده اند.

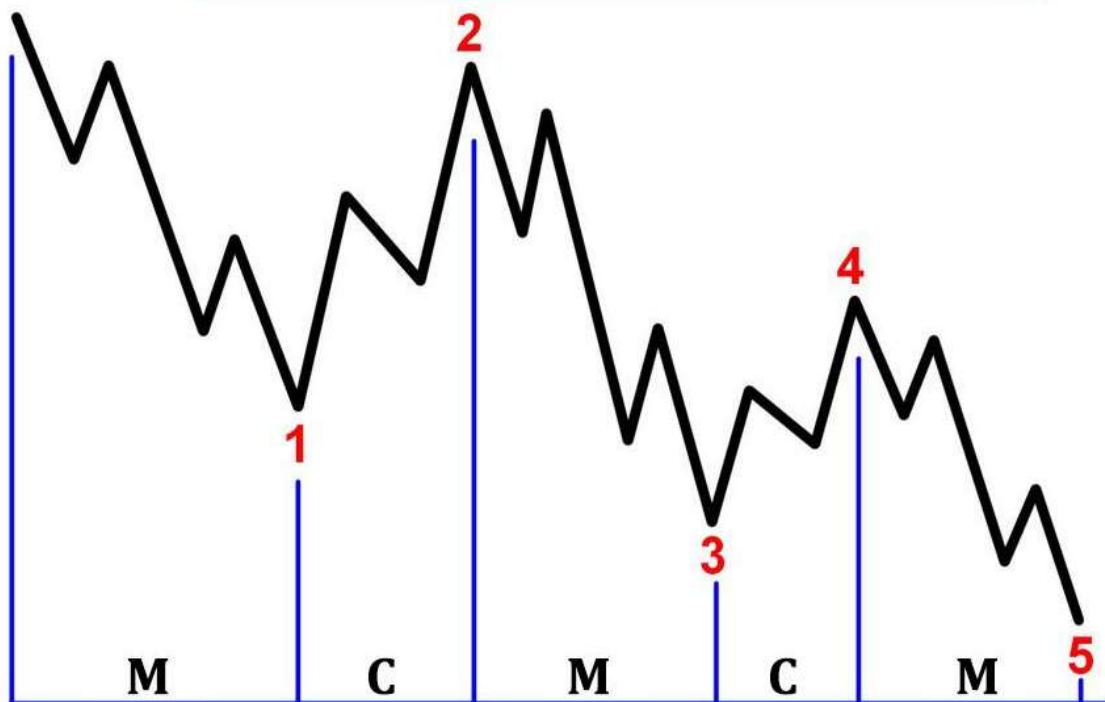
تفاوت دیگری که بین دیاگونال پیشرو و تکانه (ایمپالس) وجود دارد این است که موج 5 همواره بالاتر از بخش پایانی موج 3 واقع شده است و این بدین معنا است که موج 5 هرگز کوتاه نمی شود. قواعد مرتبط با ایمپالس ها این نقطه را هرگز در بر نمی گیرند زیرا پنجمین موج در آنجا محدودیتی برای رشد ندارد. هم ممکن است که این نقطه هم به بخش پایانی موج 3 نرسد (که در این حالت موج "کوتاه شده" نام می گیرد) و یا فراتر از بخش پایانی موج 3 برود.

در مرحله ی بعد، موج 3 در دیاگونال پیشرو همانند یک تکانه-ایمپالس هرگز در کوتاه ترین وضعیت قرار نمی گیرد. اگرچه، در مقایسه با یک تکانه-ایمپالس، گوه تنها می تواند در موقعیت موج-ایمپالس 1 و یا موج A در زیگ زاگ واقع شود و این همانطور که پیشتر به آن اشاره شد نشانگر آمدن یک روند قوی است.

بنابراین، دیاگونال پیشرو موجی است که محتویات و شکل آن ما را به یاد یک ایمپالس می اندازد. تفاوت اصلی ای که وجود دارد موقعیت الگو و محدوده ی به پایان رسیدن موج چهارم است.

حال می خواهیم یک دیاگونال پیشرو نزولی را بررسی کنیم. سری قواعدی که برای دیاگونال پیشرو نزولی وجود دارد به طور کامل با دیاگونال پیشرو صعودی منطبق است. یک دیاگونال پیشرو نزولی را تصویر شماره ی 27 نشان داده ایم.

LEADING DIAGONAL



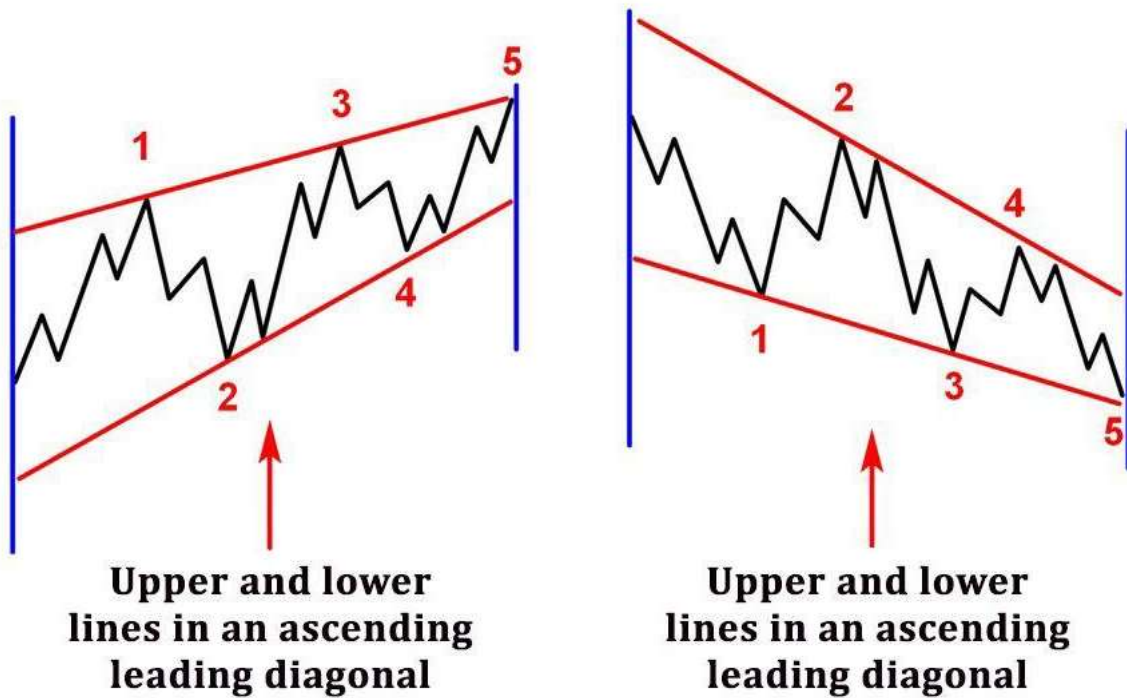
تصویر شماره ی 27

نویسنده

Roman Onegin

هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من: nم درباره

برای نتیجه گیری نگاه کنیم که یک دیاگونال پیشرو را در چارت چگونه باید به درستی مشخص کنیم. در وهله ی اول، دو خط را از بخش ابتدایی الگو تا پایان آن می کشیم. خط بالایی از نقاط اوج امواج 1 و 3 ترسیم می شود و این در حالی است که خط پایینی از بین نقاط اوج موج های 2 و 4 رسم می شود. تصویر شماره ی 28 نشان می دهد که چگونه خطوط بالایی و پایینی در دیاگونال های صعودی و نزولی رسم می شوند.



تصویر شماره ی ۲۸

داشته باشند، دیاگونالی که با خطوط نشانه گذاری شده توجه را به خود جلب می کند و وضعیت را واضح تر می سازد.

دیاگونال پایانی

این بخش از مقاله به دیاگونال پایانی اختصاص دارد. این نوع آخرین مورد از ساختارهای سه موجی با ماهیت موتیو (جنبشی) است.

همانطور که به یاد داریم یک دیاگونال پیشرو تنها یا در موقعیت موج-ایمپالس 1 یا موج A در زیگ زاگ واقع می شود. این دیاگونال اغلب نشانگر ایجاد شدن یک روند قوی است.

بر خلاف دیاگونال های پیشرو، دیاگونال پایانی تنها در پایان یک روند و در موقعیت موج پنجم (ایمپالس) و یا در موقعیت موج C (زیگ زاگ) ایجاد می شود. دیاگونال پایانی به ندرت در موقعیت موج C در یک حرکت افقی ایجاد می شود. در خصوص این الگوهای اصلاحی کمی بعد توضیح خواهیم داد.

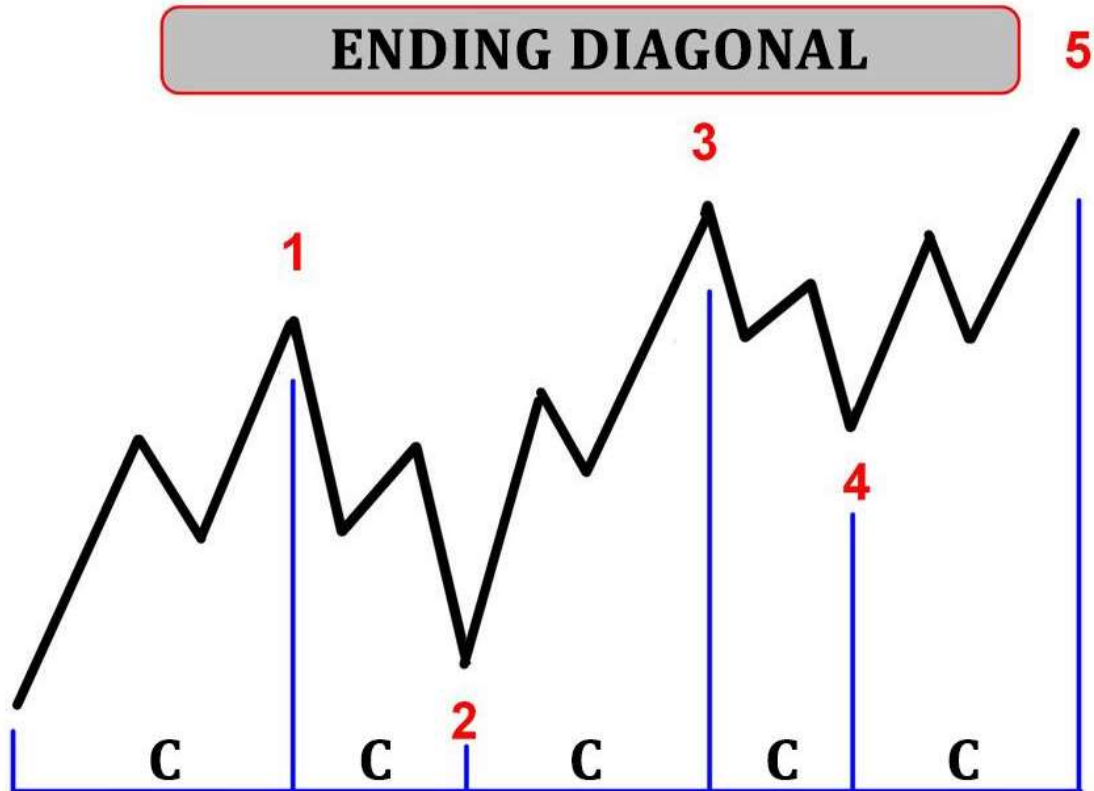
زمانی که یک دیاگونال پایانی را در بازار شناسایی کردید ممکن است به این نتیجه برسید که روند قبلی به پایان خود می رسد و یا موج اصلاحی و یا یک روند دارای جهت مخالف (کانترتروند) در آستانه ی ایجاد شدن است. از آنجا که شناسایی دیاگونال ها در چارت به طور معمول ساده است می توانیم تقریباً با دقت نقطه ی پایانی روند را پیش بینی کنیم، موضوعی که می تواند و باید در معامله کردن مورد توجه قرار بگیرد.

نویسنده

Roman Onegin

درباره من: من یک تحلیلگر و معامله گر مستقل هستم

حال نگاهی به تصویر انداخته و سری قواعدی که مرتبط با دیاگونال های پایانی هستند را می نویسیم.



تصویر شماره ی ۲۹

قواعد دیاگونال پایانی:

1. فرمول موجی: C-C-C-C-C (موج های 1 و 3 و 5 همواره زیگ زاگ هستند).
2. موج 2 > موج 1
3. موج 3 فراتر از بخش پایانی موج 1 می رود
4. موج 4 بین بخش پایانی موج های 1 و 2 قرار دارد.
5. موج 3 در کوتاه ترین نیست
6. می تواند در موقعیت ایمپالس-تکانه ی 5 یا موج C زیگ زاگ قرار داشته باشد. در صورت ایجاد حرکت افقی (به ندرت)، ممکن است در موج C ایجاد شود.

نظرات مرتبط با قواعد:

همانطور که می بینیم، دسته قواعد مرتبط با دیاگونال پایانی شبیه به دیاگونال پیشرو است و تفاوت اصلی در فرمول موج و موقعیت الگو نهفته است. فرمول موجی درر دیاگونال پایانی C-C-C-C-C نشان می دهد که الگو از ۵ موج دارای ماهیت اصلاحی تشکیل شده

نویسنده

Roman Onegin

هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من: nم دربارہ

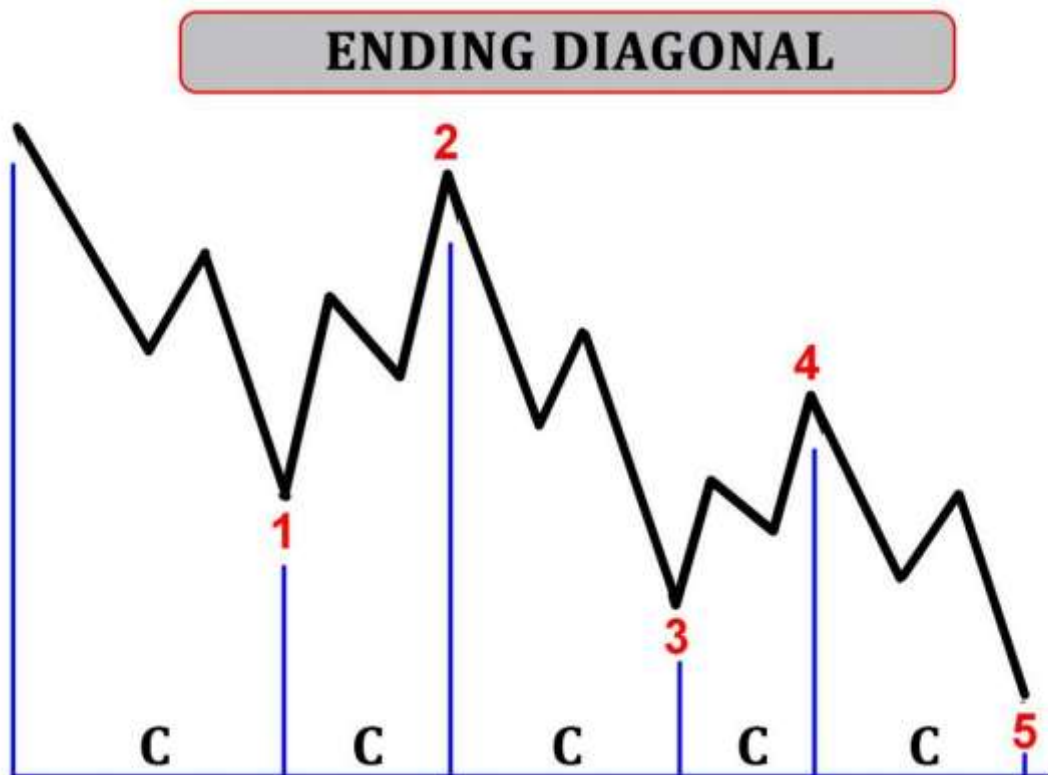
است. توجه داشته باشید که موج های 1 و 3 و 5 در دیاگونال پایانی همواره زیگ زاگ هستند. این بدین معنا است که تمامی موج های کنشی (actionary) در دیاگونال پایانی ساختار زیگ زاگی دارند.

تفاوت دیگری که بین دیاگونال پایانی و پیشرو وجود دارد موقعیت الگو است. دیاگونال پایانی به عنوان یک موج پایانی تنها ممکن است در موقعیت یک تکانه-موج شماره ی 1 و یا موج C در زیگ زاگ ایجاد شود. همچنین، دیاگونال های پایانی گاهی اوقات می توانند درون موج C در یک حرکت افقی واقع شوند.

یک تفاوت دیگر: موج 5 در دیاگونال پایانی ممکن است کوتاه شود، و این بدین معنا است که این موج همواره به خط افقی ای که از نقطه ی اوج موج 3 کشیده می شود نمی رسد.

زمانی که یک دیاگونال پیشرو را در چارت قیمتی مشاهده می کنم معمولاً موقعیت های معاملاتی ای که زودتر باز کرده ام را می بندم یا آماده می شوم تا در جهتی مخالف جهت روند قبلی موقعیت جدید باز کنم، چون می دانم که زمانی که دیاگونال پایانی شکل گرفته باشد بازار حرکتی سریع به جهتی مخالف را شروع می کند.

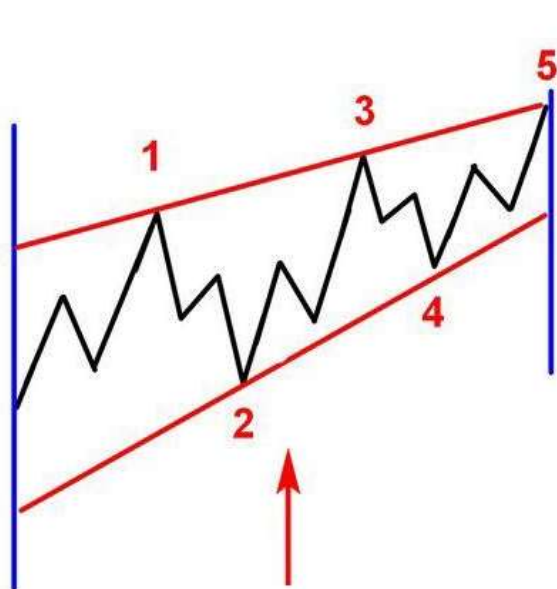
در تصویر شماره ی 30 یک دیاگونال پایانی کاهشی را مشاهده می کنیم.



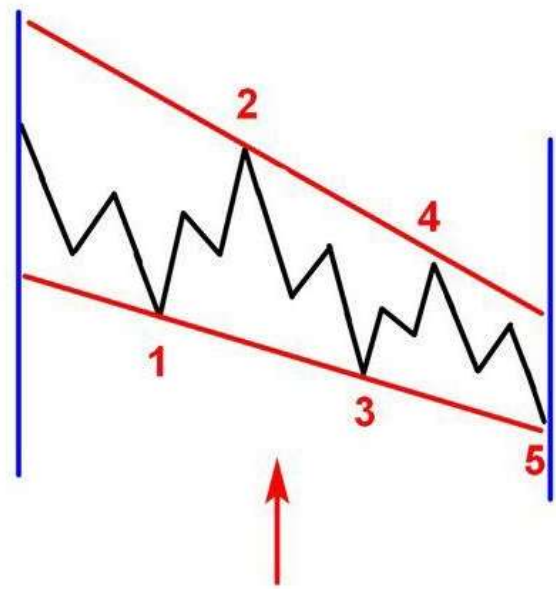
تصویر شماره ی ۳۰

سری قواعد مرتبط با دیاگونال پایانی کاهشی به طور کامل با قواعد مرتبط با دیاگونال پایانی افزایشی همخوانی دارد.

در خصوص نحوه ی نشانه گذاری دیاگونال پایانی در چارت باید گفت که با نشانه گذاری دیاگونال پیشرو دقیقاً یکسان است. دو خط وجود دارد که از نقاط اوج موج های 1 و 3 و موج های 2 و 4 کشیده می شوند. این خطوط در راستای طولی موج ترسیم می گردند. (به تصویر شماره ی ۳۱ توجه کنید).



Upper and lower lines in an ascending ending diagonal



Upper and lower lines in an ascending ending diagonal

تصویر شماره ی ۳۱

سه نوع از موج های موتیو (جنبشی) را بررسی کرده ایم و حال نوبت بررسی موج های اصلاحی است.

موج های اصلاحی

الگوهای موجی اصلاحی متنوع تر هستند و مطالعه ی آن ها در مقایسه با موج های موتیو (جنبشی) سخت تر است. الگوهای اصلاحی ساختار داخلی بسیار پیچیده تری دارند و قواعد و مطالب راهنمای مختلفی برای آن ها نوشته شده است.

در پایین به ۷ نوع از انواع موج های اصلاحی اشاره می کنم و قواعد و راهنمای هر یک از آن ها را شرح خواهم داد.

زیگ زاگ

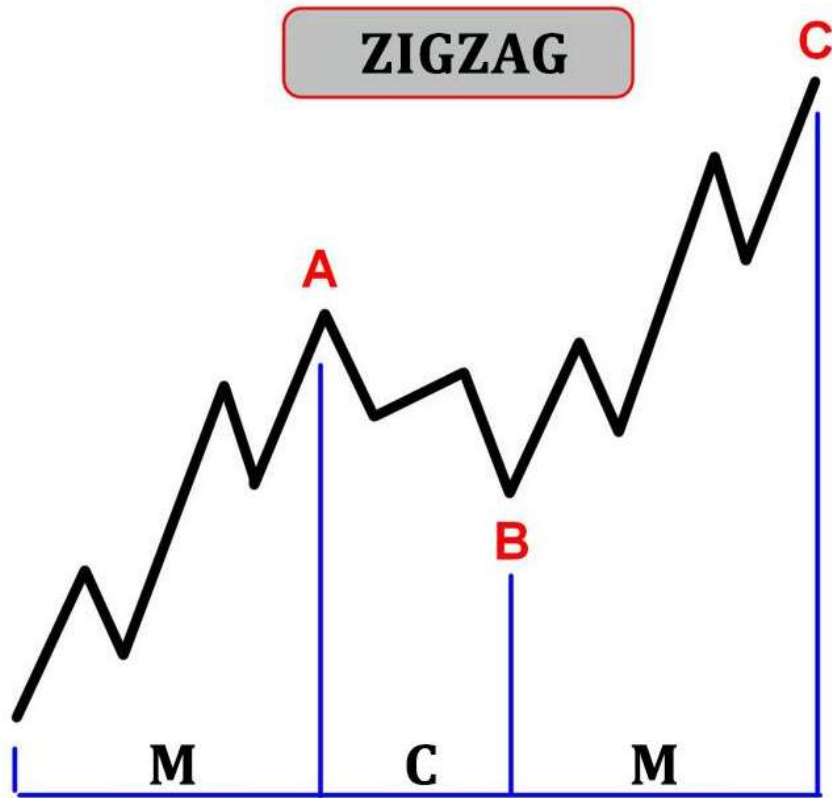
زیگ زاگ دومین الگوی پرتکرار در چارت بعد از ایمپالس یا تکانه است. تقریباً تمامی موج های اصلاحی را می توان به زیگ زاگ تقسیم کرد و سپس آن را در دسته ی تکانه ها (ایمپالس ها) قرار داد. به همین دلیل است که به یاد داشتن قواعد آن مهم است، زیرا می خواهیم به محبوب ترین و پرتکرار ترین موج های اصلاحی بپردازیم.

اول نگاهی به تصویر شماره ی 32 خواهیم انداخت.

نویسنده

Roman Onegin

هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من: nم درباره



تصویر شماره ی ۳۲

قواعد زیگ زاگ:

1. زیگ زاگ از ۳ موج تشکیل شده است
2. فرمول موجی: M-C-M
3. موج B > موج A
4. به عنوان قاعده، موج C فراتر از بخش پایانی موج A می رود

راهنمای مطالعاتی زیگ زاگ ها:

1. زیگ زاگ اغلب یک الگوی سه موجی پر شیب یا حرکت اصلاحی است.
2. موج A در زیگ زاگ اغلب به طور تقریبی برابر با موج C است.
3. زیگ زاگ های A به خوبی در کانال حرکتی جای می گیرد

نویسنده

Roman Onegin

درباره من: من یک تحلیلگر و معامله گر مستقل هستم

این دستور العمل های متفاوتی از چه لحاظ با قواعدی که در خصوص زیگ زاگ ها بیان کردیم با یکدیگر متفاوت هستند؟ قواعد را باید در ۱۰۰ درصد موارد رعایت کرد و این در حالی است که دستور العمل های مطالعاتی ای که به آن ها اشاره کردیم تنها اموری متناوب هستند. می توانیم بگوییم که دستور العمل ها در بیشتر موارد به حقیقت می پیوندند اما اگر در موردی خاص اینگونه نشد به این معنی نیست که ساختار موجی به درستی شناسایی نشده است.

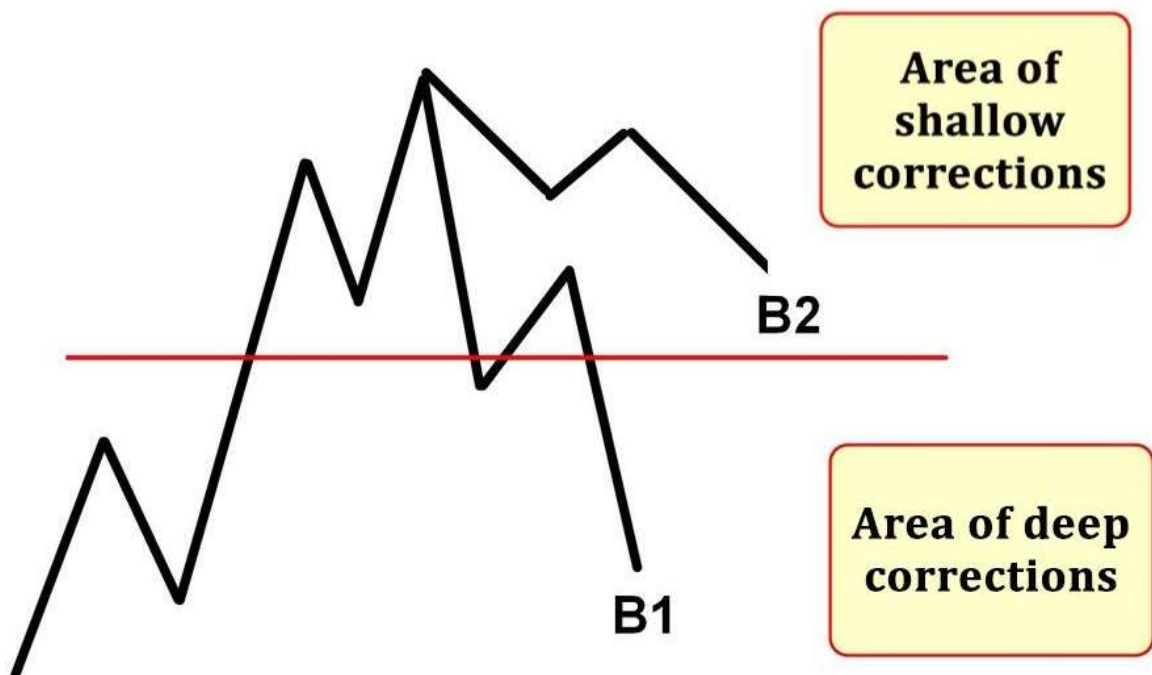
نظرات در مورد قواعد و دستور العمل های مطالعاتی زیگ زاگ ها:

قاعده ی اول می گوید که زیگ زاگ از ۳ زیرموج تشکیل شده است. زیگ زاگ ها مثل همه ی انواع دیگر موج های اصلاحی با حروف نامگذاری می شوند. موج A در زیگ زاگ ماهیتی جنبشی دارد و اغلب در قالب یک تکانه-ایمپالس شکل می گیرد. البته این امکان نیز وجود دارد که شکل یک دیاگونال پیشرو را به خود بگیرد. موج B همواره ماهیتی اصلاحی دارد و موج C اغلب به شکل یک ایمپالس ایجاد می گردد و گاهی اوقات نیز می تواند یک دیاگونال پایانی باشد.

از آنجا که موج B ماهیتی اصلاحی دارد ممکن است در قالب زیگزاگ شکل بگیرد.

از قاعده ی شماره ی ۴ این را می دانیم که موج C معمولا فراتر از بخش پایانی موج A می رود. "معمولا" در اینجا یعنی موج C در بیشتر مواقع در سطحی فراتر از بخش پایانی موج A واقع می گردد، اما برخی اوقات نیز ممکن است کوتاه تر شود.

حال می خواهیم دستور العمل های مطالعاتی را بررسی کنیم. بر اساس نخستین دستور العمل، در صورتی که با روند قبلی مقایسه شود، زیگ زاگ یک حرکت اصلاحی پرشیب است. یک حرکت اصلاحی پرشیب حرکتی اصلاحی است که اندازه ی آن بیشتر از ۵۰ درصد موج قبلی است. تصویر شماره ی ۳۳ نشان دهنده ی موج-ایمپالس A است و خط افقی کشیده شده از میان آن محدوده ی دارای حرکات اصلاحی پرشیب را از محدوده ی حرکات اصلاحی کم شیب جدا می سازد.



نویسنده

Roman Onegin

هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من: nم درباره

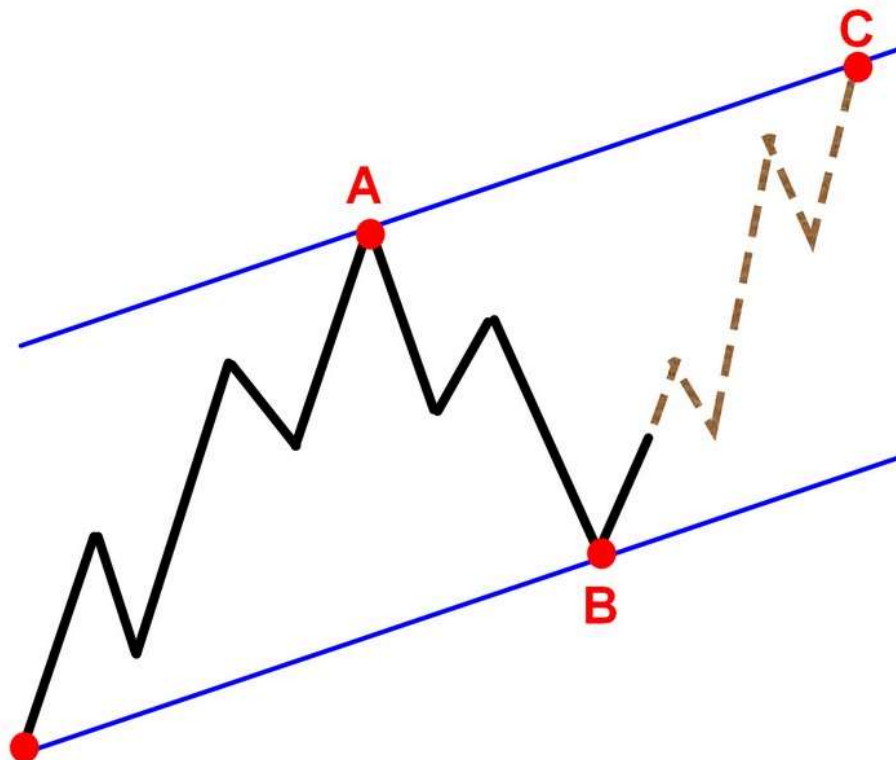
تصویر شماره ی ۳۳

در صورتی که موج اصلاحی پایین تر از خط افقی کشیده شود، حرکت اصلاحی عمیق در نظر گرفته می شود. به طور مثال، موج B1 در تصویر شماره ی 33 یک حرکت اصلاحی پرشیب است و موج B2 یک حرکت اصلاحی کم شیب در نسبت با موج صعودی قبلی یعنی A خواهد بود.

دستور العمل مطالعاتی بعدی ساده است. اندازه ی موج C اغلب معادل اندازه ی موج A است. این موج ها گاهی وقت ها بر اساس اعداد فیبوناچی برابر با یکدیگر می شوند. به بیانی دیگر، موج C می تواند، به طور مثال، ۷۶.۴ درصد و یا ۱۶۱.۸ درصد موج A باشد و یا امکان استفاده از اعدادی دیگر در ترتیب عددی فیبوناچی وجود خواهد داشت.

بر اساس آخرین دستور العمل، زیگ زاگ ها معمولا به خوبی درون کانال جای می گیرند. این بدین معنی است که به هنگام شکل گیری یک زیگ زاگ یک کانال را می توان ایجاد و نقطه ی پایانی موج C را پیش بینی کرد. در پایین مثالی را مشاهده می نمایید:

فرض کنید که در یک زیگ زاگ صعودی موج های A و B را داریم و موج C به تازگی شروع به شکل گیری کرده است (تصویر شماره ی 34)



تصویر شماره ی ۳۴

در این مرحله می توانیم خطی را از نقاط ابتدایی موج های A و C (خط آبی پایینی در تصویر) پیگیری کنیم. پس از آن این خط کپی شده و در بین نقطه ی پایانی موج A (خط بالایی پایینی) ترسیم می شود. یک کانال آبی را مشاهده می کنیم که درون آن زیگ زاگ در حال حرکت است. در صورتی که موج C را به سمت بالا با همان زاویه ی موج A تا نقطه ای ادامه بدهیم که از محدوده ی بالایی کانال

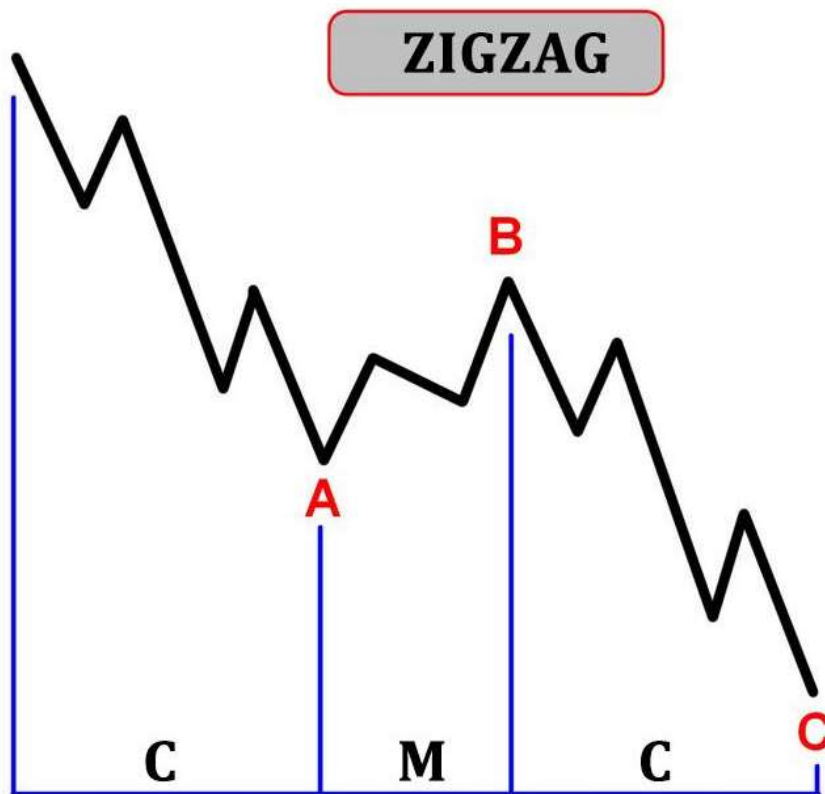
نویسنده

Roman Onegin

درباره من: من یک تحلیلگر و معامله گر مستقل هستم

آبی عبور کند می توانیم یک پیش بینی در خصوص اندازه ی موج C به دست بیاوریم. موج C اغلب دقیقاً در مرز چین کانالی به پایان می رسد. این ویژگی زیگ زاگ ها می تواند و باید برای کسب سود از بازار مبادلات ارز خارجی مورد استفاده قرار گیرد.

تصویر شماره ی ۳۵ نشان دهنده ی یک زیگ زاگ نزولی است.



تصویر شماره ی ۳۵

دسته قواعد و دستور العمل هایی که برای زیگ زاگ نزولی وجود دارند مشابه هستند.

حرکت افقی یا فلت

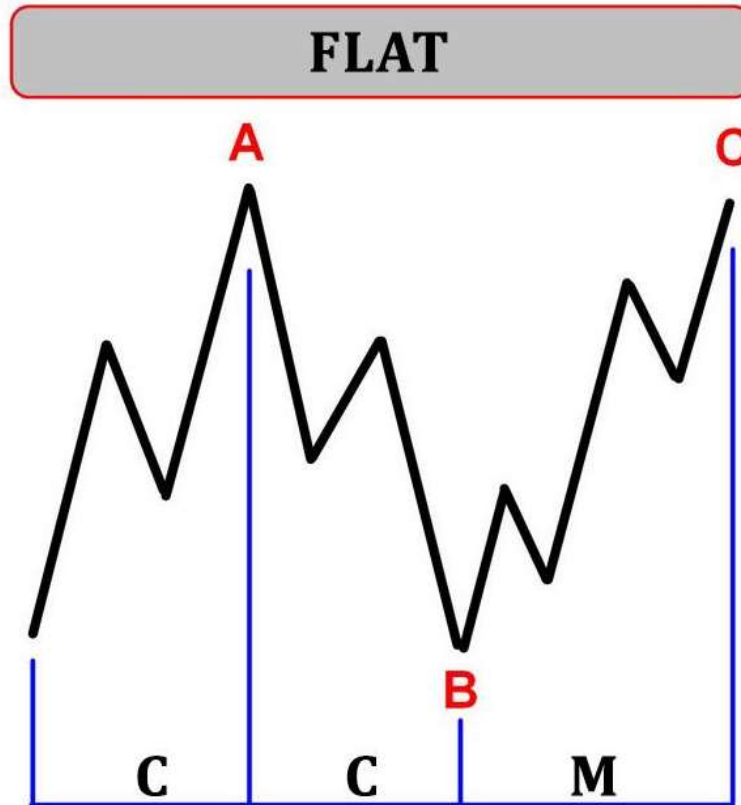
حرکت افقی مثل یک زیگ زاگ یک ساختار موجی ساده ی متشکل از ۳ زیر موج است، و به همین دلیل اغلب می توان آن ها را در چارت های قیمتی دید.

حال می خواهیم در تصویر شماره ی ۳۶ نگاهی به حرکت افقی بیندازیم.

نویسنده

Roman Onegin

هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من: nم درباره



تصویر شماره ی ۳۶

قواعد حرکت افقی (فلت)

1. از سه موج تشکیل شده است
2. فرمول موج: C-C-M
3. موج B تقریباً برابر با موج A است.

دستور العمل های مطالعاتی حرکت افقی:

1. حرکت افقی معمولاً یک حرکت اصلاحی افقی است
2. سه نوع حرکت اصلاحی وجود دارد: حرکت جمع شونده یا انقباضی، حرکت های گسترشی، و حرکات افقی فعال (رانینگ فلت)

نظر بر روی قواعد و دستور العمل ها:

نویسنده

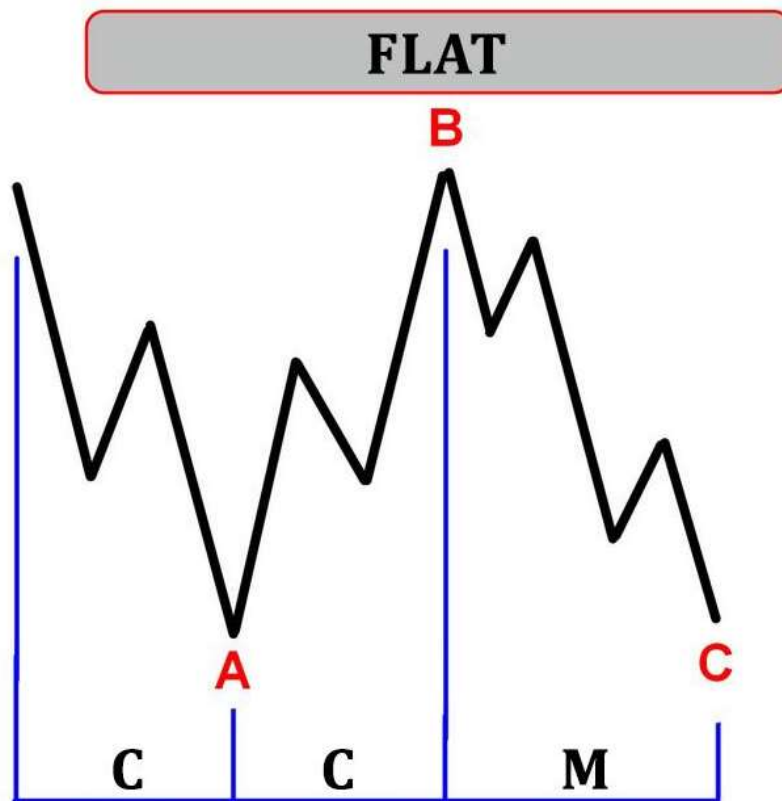
Roman Onegin

درباره من: من یک تحلیلگر و معامله گر مستقل هستم

موج A در حرکت افقی همواره شبیه موج B ماهیت اصلاحی دارد. موج C یک موج جنبشی است و اغلب به عنوان یک ایمپالس ساده شکل گرفته و به ندرت در قالب یک دیگوناال پایانی در می آید. این ویژگی های حرکت افقی در فرمول ساختاری موج به شکل زیر نوشته می شود: C-C-M

در خصوص قاعده ی سوم باید توجه داشته باشیم که موج B می تواند کمی بزرگتر و یا کوتاه تر از موج A باشد اما به طور کلی موج B تقریبا به شکلی برابر با موج A رشد می کند زیرا یک فلت معمولا یک حرکت اصلاحی افقی است.

قواعد و دستورالعمل های مطالعاتی تنظیم شده برای حرکت افقی نزولی معمولا یکسان هستند. حال می خواهیم نگاهی به حرکت فلت نزولی در تصویر شماره ی ۳۷ بیندازیم.



تصویر شماره ی ۳۷

رالف نلسون الیوت به ۲ نوع حرکت افقی (فلت) اشاره کرد: فلت های معمولی که در آن ها تمامی زیرموج ها تقریبا اندازه ای برابر دارند و فلت های بی قاعده که در آن تمامی زیرموج ها در نسبت با دیگری رشد می کنند.

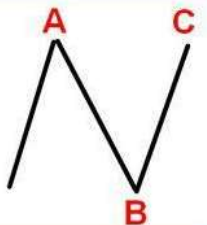
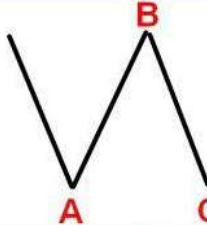
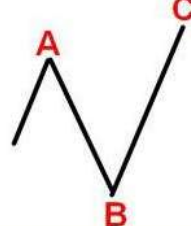
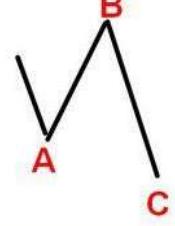
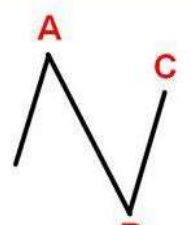

بعدها رابرت برچتر یکی دیگر از محققان در حوزه ی تحلیل موجی به نوع حرکت فلت بر مبنای مطالب تحلیلی عمده ی آماری اشاره کرد: ما در این مقاله بر اساس دسته بندی پرچتر توضیحات خود را ارائه خواهیم داد:

اولین نوع از حرکت فلت عبارت است از فلت جمع شونده. در این فلت تمامی موج ها تقریبا اندازه ای برابر دارند. تصویر شماره ی ۳۸ نشان دهنده ی فلت های جمع شونده در بازار صعودی و نزولی هستند.

نویسنده

Roman Onegin

هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من: nم درباره

	Bearish market	Bullish market
Contracting		
Expanding		
Running		

تصویر شماره ی ۳۸

دومین نوع از حرکت فلت: فلت گسترشی یا انبساطی. فلت انبساطی به حرکتی اصلاحی اطلاق می شود که در آن هر موج بعدی بزرگتر از موج قبلی است. این بدین معنی است که موج B بزرگ تر از موج A و موج C بزرگ تر از موج B است. به نظر می رسد که این الگو در هنگام شکل گیری به طرف بالا و پایین کشیده می شود. این نوع از الگو زمانی شکل می گیرد که حرکات صعودی و نزولی به شکلی برابر قدرتمند هستند و قیمت را بالا و پایین می کنند. همچنین، نوسانات افزایش پیدا می کنند و موج های بازار بزرگ تر و بزرگ تر می شوند. تصویر شماره ی ۳۸ نشان دهنده ی فلت های انبساطی در یک بازار صعودی و یک بازار نزولی است.

سومین نوع: حرکت فلت فعال یا جاری (رانینگ): در این فلت موج B از موج A بزرگتر و موج C از موج B کوچک تر است و به همین دلیل است که این الگو را فعال نامیده اند. این الگو زمانی شکل می گیرد که خریداران یا فروشندگان در بازار غلبه پیدا می کنند. نیروی غالب در بازار اجازه نمی دهد که موج حالت افقی (سایدوی) پیدا کند بلکه برعکس، باعث حرکت آن در حین شکل گیری می شود. در بخش پایینی تصویر شماره ی ۳۸ می توانیم شاهد شکل گیری فلت های فعال در روندهای صعودی و نزولی باشیم.

بنابراین، ۳ نوع حرکت فلت (افقی) وجود دارد: جمع شونده، گسترشی، و فعال. در دستورالعمل مطالعاتی شماره ی ۲ به این نکته اشاره شد.

می خواهیم مشخص تر کنیم که حرکت فلت از چه جهتی در مقایسه با زیگ زاگ متفاوت است. هم زیگ زاگ و هم فلت موج های اصلاحی هستند و از ۳ زیرموج تشکیل شده اند. تفاوت آن ها در این است که موج A در زیگ زاگ یک موج جنبشی (موتیو) است و موج A در فلت ماهیت اصلاحی دارد. همچنین، زیگ زاگ معمولاً یک حرکت اصلاحی پرشیب در روند قبلی است که در آن قیمت صعود یا سقوط می کند. حرکت افقی فلت یک الگوی افقی (سایدوی) است و قیمت در آن جهت گیری افقی دارد.

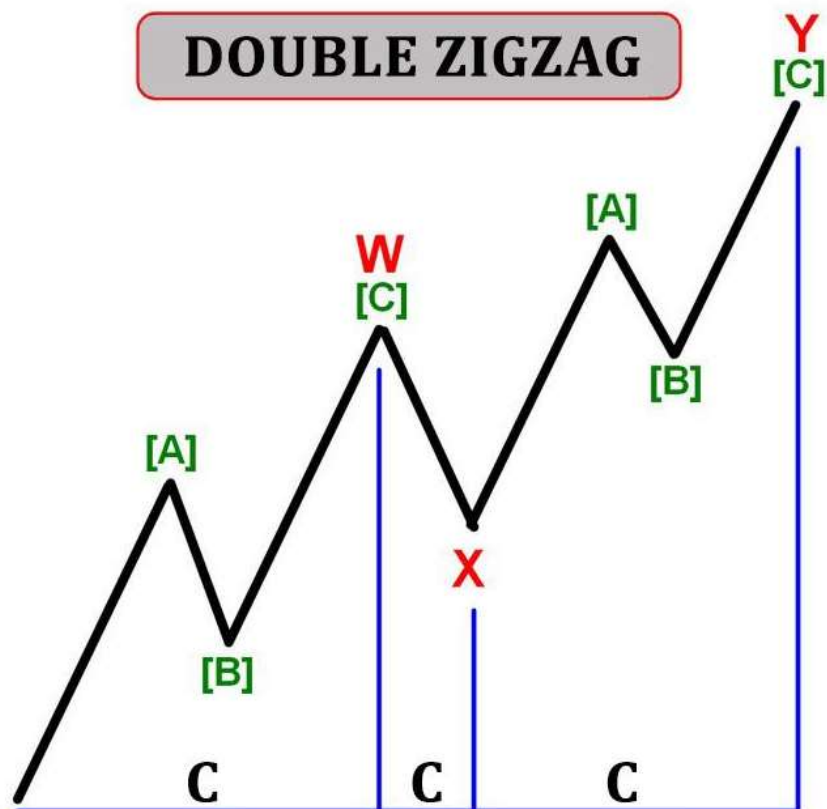
زیگ زاگ دوگانه

نویسنده

Roman Onegin

درباره من: من یک تحلیلگر و معامله گر مستقل هستم

پیشتر موج های جنبشی را بررسی و ارزیابی موج های اصلاحی را شروع کردیم. تا کنون الگوهای اصلاحی ساده را مورد مطالعه قرار داده ایم: زیگ زاگ ها و حرکت های اصلاحی. حال زمان آن فرا رسیده تا نگاهی به زیگ زاگ های دوگانه بیندازیم. همانطور که از نام آن پیداست، زیگ زاگ دوگانه از دو زیگ زاگ تشکیل شده که با موج های پیوندی ترکیب شده است (تصویر شماره ی ۳۹).



تصویر شماره ۳۹

نخستین زیگ زاگ با حرف W و دومین زیگ زاگ با حرف Y معین شده اند و این دو زیگ زاگ به وسیله ی موج X با یکدیگر پیوند خورده اند.

از حروف [A]-[B]-[C] برای مشخص ساختن موج ها در ساختار درونی زیگ زاگ هایی که در آن ها قرار دارند استفاده می شود. تصویر شماره ی 39 نشان می دهد که زیگ زاگ دوگانه از سه بخش با ماهیت اصلاحی تشکیل شده است. بنابراین، می خواهیم قواعد اصلی زیگ زاگ های دوگانه را بیان کنیم:

قواعد زیگ زاگ دوگانه:

1. از ۳ موج تشکیل شده است
2. فرمول موجی: C-C-C؛ موج های W و Y از زیگ زاگ تشکیل شده اند
3. موج X > موج W

نویسنده

Roman Onegin

هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من: am درباره

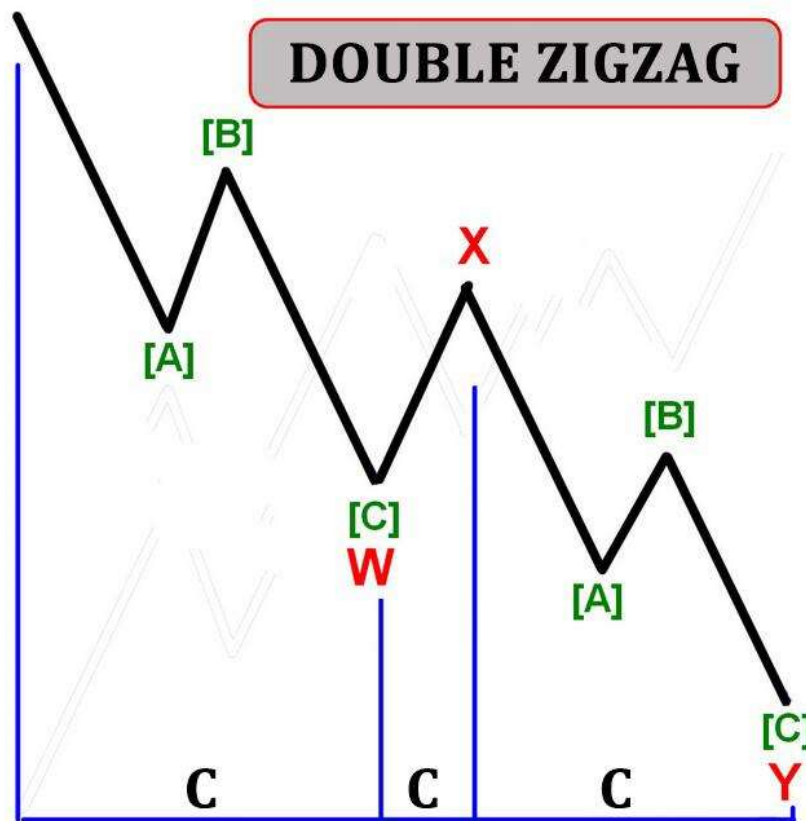
4. موج Y معمولا از موج X بزرگتر است

دستور العمل مطالعاتی زیگ زاگ های دوگانه:

1. زیگ زاگ دوگانه یک حرکت اصلاحی پرشیب است

2. کانال برگشت (رگرسیون) خطی

قواعد و دستور العمل های زیگ زاگ نزولی دوگانه شبیه به هم هستند (به تصویر شماره ی ۴۰ نگاه کنید)



تصویر شماره ی ۴۰

نظرات در مورد قواعد و دستور العمل های مطالعاتی:

زیگ زاگ دوگانه مثل زیگ زاگ ساده از سه زیرموج تشکیل شده است اما این زیگ زاگ و نه تکانه (ایمپالس) است که در جایگاه اولین و سومین موج ایجاد می شود. به همین دلیل است که فرمول موجی تنها از موج های اصلاحی تشکیل می شود. موج X همواره از نظر اندازه کوچک تر از موج W است اما موج Y گاهی اوقات می تواند کوتاه شود. اگرچه، در طی ۹ سال تجربه ای که در تحلیل موجی به دست آورده ام تنها چند ده مورد دیدم که زیگ زاگ دوگانه ای که صعودی شده کوتاه شود.

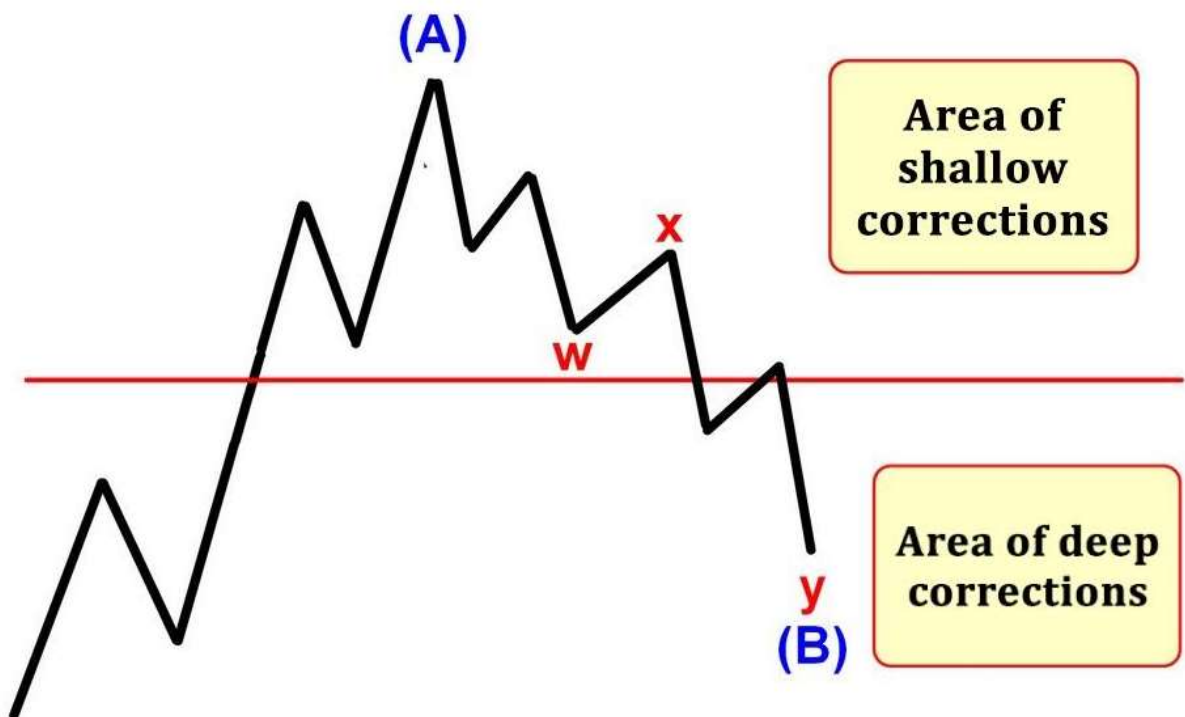
در رابطه با دستور العمل مطالعاتی پیشاپیش گفتیم که حرکت اصلاحی پرشیب در نسبت با روند قبلی چگونه است. بر اساس نخستین دستور معاملاتی، زیگ زاگ دوگانه یک حرکت اصلاحی پرشیب در روند قبلی است. لطفا توجه داشته باشید که زیگ زاگ دوگانه

نویسنده

Roman Onegin

درباره من: من یک تحلیلگر و معامله گر مستقل هستم

معمولاً زمانی در چارت ایجاد می شود که زیگ زاگ ساده نتواند حرکت اصلاحی با اندازه ی لازم را ایجاد کند. در پایین یک تصویر از چنین وضعیتی را مشاهده خواهید کرد:



تصویر شماره ی ۴۱

میبینیم که پس از به پایان رسیدن موج صعودی (A)، شاخص شروع به شکل دهی به حرکت اصلاحی (B) کرد که بخش نخست آن به شکل زیگ زاگ W درآمد. اگرچه، از آنجا که این زیگ زاگ به محدوده ی دارای حرکات اصلاحی پرشیب نرسید و بالاتر از خط افقی ای که محدوده ی حرکات اصلاحی پرشیب و کم عمق را تقسیم بندی می کند تمام شد. این بدین معنی است که موج پیوندی کوچک و صعودی X ایجاد شده و پس از آن شاخص دومین زیگ زاگ یعنی Y را ایجاد کرد و حرکت اصلاحی با اندازه ی لازم ایجاد شد.

بنابراین، یک زیگ زاگ دوگانه زمانی شکل می گیرد که زیگ زاگ ساده نتواند یک حرکت اصلاحی پرشیب را ایجاد کند. این ویژگی خاص زیگ زاگ های دوگانه در معاملات مورد استفاده قرار می گیرند. اگر بعد از یک روند حرکت اصلاحی ای ببینیم که شکل آن شبیه به یک زیگ زاگ ساده باشد و نتواند به معادل ۵۰ درصد موج قبلی برسد می توانیم انتظار داشته باشیم که یک موج پیوندی کوچک ایجاد خواهد شد و زیگ زاگ دیگری رشد خواهد کرد.

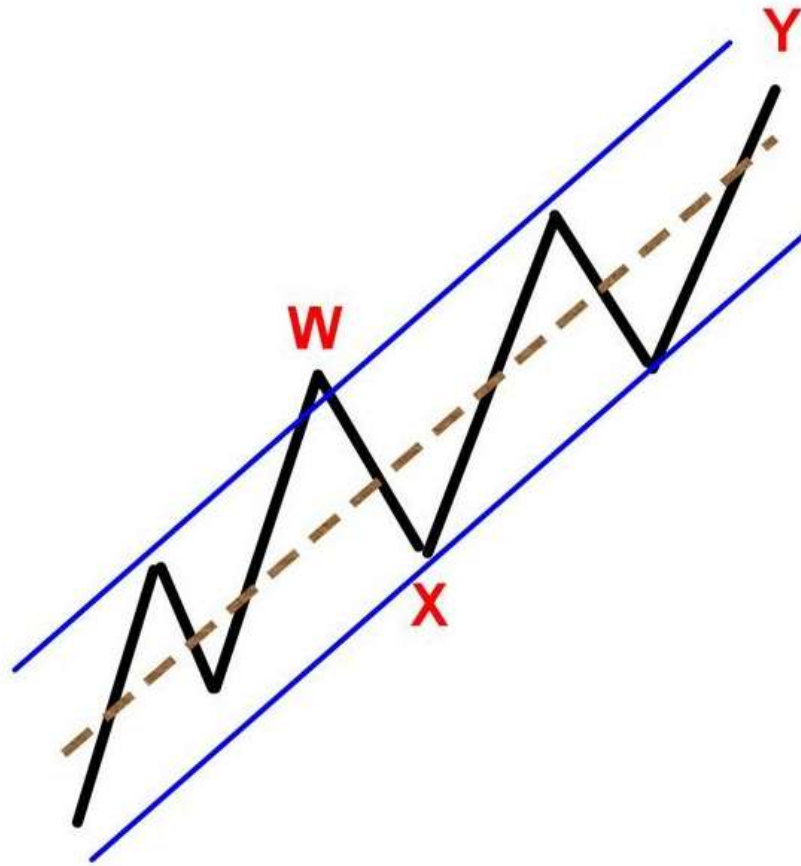
در مورد دومین دستور العمل مطالعاتی باید بگویم که این مورد چیزی است که با مشاهدات خود به دست آورده ام. نشان داده شده که زیگ زاگ های دوگانه به خوبی درون کانال های برگشتی (رگرسیون) خطی جای می گیرند. چنین کانالی را می توان در هر نوع تحلیل تکنیکالی جای داد زیرا از ابزارهای تحلیلی محبوب است. این کانال از سه خط تشکیل شده است: خط وسطی (محور) با استفاده از "روش کمترین توان های دوم" (که در اصطلاح انگلیسی Least Squares Method نام دارد) محاسبه می شود. در قدم بعدی دو خط موازی دیگر با همان فاصله از آن ترسیم می شوند. این خطوط به شکلی عالی نوع رفتار زیگ زاگ دوگانه را شرح می دهند.

نویسنده

Roman Onegin

هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من:نم درباره

اگر نخستین بخش زیگ زاگ دوگانه را در چارت شناسایی کرده اید (مثل موج های W و X در تصویر شماره ی ۴۲)، می توانید کانال های برگشتی خطی را در این بخش ترسیم کنید. همچنین، اگر خطوط را بیشتر گسترش دهیم قادر خواهیم بود تا چارچوب حرکتی موج Y را پیش بینی کنیم.



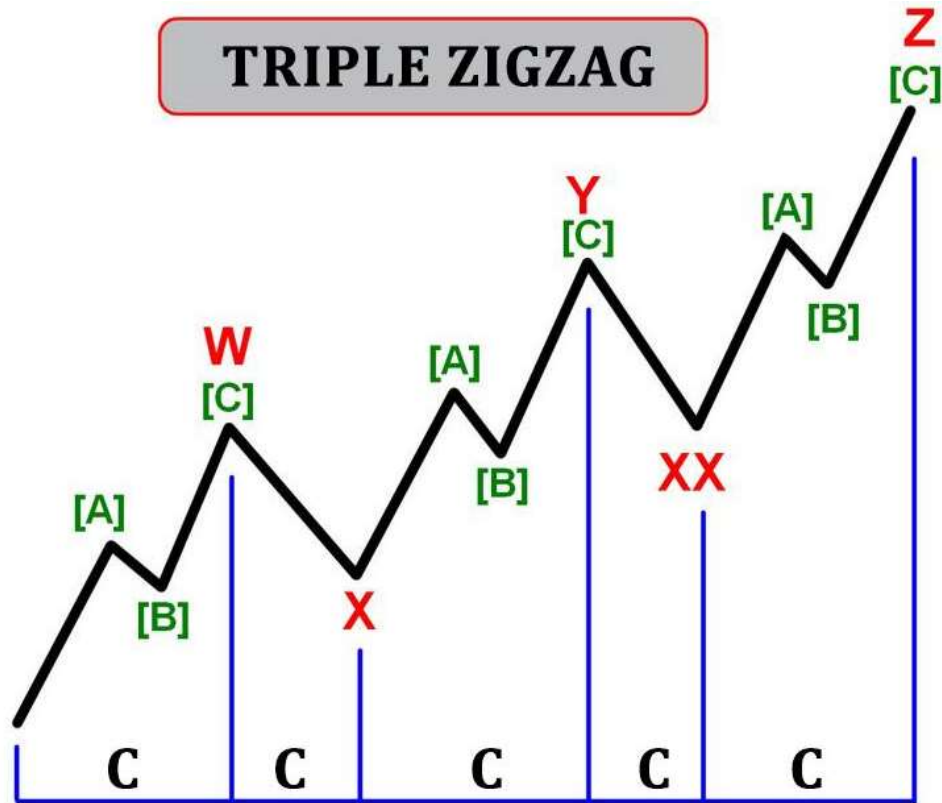
تصویر شماره ی ۴۲

استفاده از این ویژگی زیگ زاگ های دوگانه به هنگام معامله آسان است. به طور مثال، می توانید موقعیت معاملاتی خرید در نزدیکی محدوده ی پایینی کانال رگرسیون خطی باز کرده و در نزدیکی محدوده ی بالایی کانال آن را ببندید.

زیگ زاگ سه گانه

همانطور که از نام این الگو پیداست، زیگ زاگ سه گانه از سه زیگ زاگ تشکیل شده که به وسیله ی موج های پیوندی به هم متصل شده اند.

تصویر ۴۳ زیگ زاگ سه گانه را نشان می دهد.



تصویر ۴۳

می بینیم که نخستین زیگ زاگ یعنی W، دومین زیگ زاگ یعنی Y، و سومین زیگ زاگ یعنی Z با موج های پیوندی X و XX به هم متصل شده اند. موج های پیوندی با حروف مختلف X و XX مشخص شده اند تا سردرگمی ایجاد نشود. در عمل این اتفاق کار را بسیار آسان می کند. موج های W و Y و Z به شکل زیگ زاگ درآمده اند و همانطور که در تصویر شماره ی ۴۳ هم می بینیم به همین دلیل است که ساختار داخلی آن ها با حروف [A]-[B]-[C] مشخص می شود.

قواعد زیگ زاگ سه گانه:

1. از ۵ موج تشکیل شده است
2. فرمول موجی: C-C-C-C-C. موج های W و Y و Z اغلب زیگ زاگ هستند.
3. موج X > موج W
4. موج Y فراتر از بخش پایانی موج W می رود.
5. موج XX > موج Y
6. موج Z معمولاً بزرگ تر از موج XX است.

نویسنده

Roman Onegin

هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من: am درباره

دستور العمل مطالعاتی زیگ زاگ سه گانه:

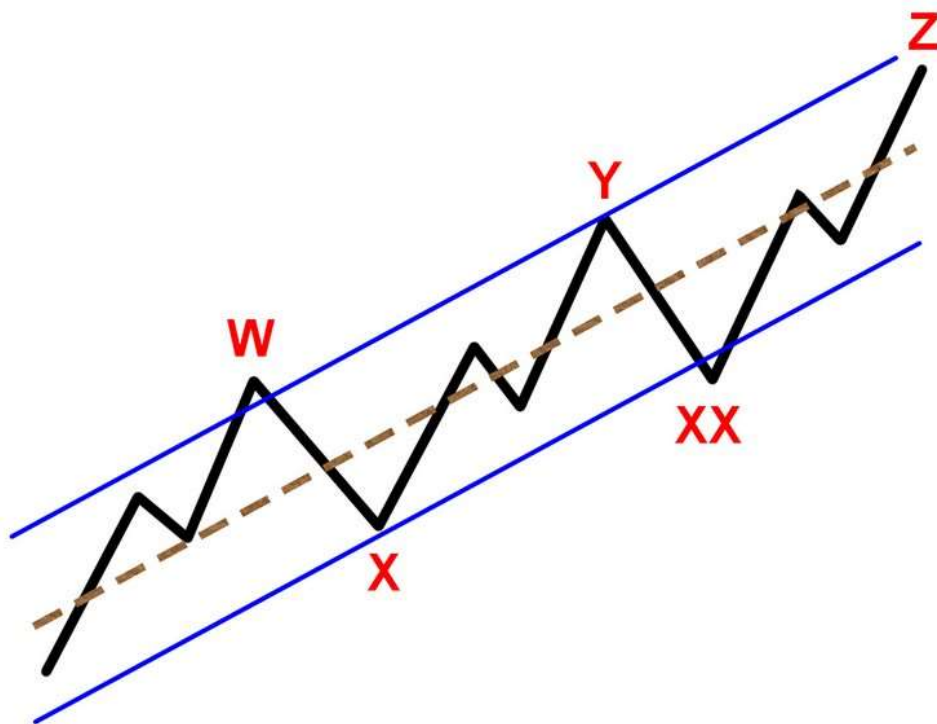
1. حرکت اصلاحی پرشیب
2. کانال رگرسیون خطی

نظر در مورد قواعد و دستور العمل مطالعاتی:

قواعد زیگ زاگ های سه گانه شبیه به زیگ زاگ های دوگانه است. تنها تفاوتی که وجود دارد این است که زیگ زاگ سه گانه یک موج پیوندی دیگر (همان XX) و یک زیگ زاگ دیگر (همان Z) را دارا است. همچنین، به یاد داشته باشید که موج های W و Y و Z در زیگ زاگ سه گانه معمولاً به شکل زیگ زاگ های ساده ساخته می شوند. عبارت "معمولاً" به این معنی است که در برخی موارد این موج ها می توانند زیگ زاگ هایی دوگانه یا سه گانه هم باشند، اما هرگز در قالب یک الگوی اصلاحی رشد نخواهند کرد. به بیانی دیگر، این موج ها تنها می توانند زیگ زاگ یا ترکیبی از آن ها باشند.

در مورد دستور العمل مطالعاتی، زیگ زاگ های سه گانه شبیه به زیگ زاگ های دوگانه هستند. زیگ زاگ های سه گانه حرکات اصلاحی پرشیب هستند و زمانی شکل می گیرند که زیگ زاگ های ساده و دوگانه نتوانسته اند یک حرکت بازگشتی پرشیب به روند قبلی را ایجاد کنند. به همین دلیل است که سومین زیگ یعنی Z به الگوی موجود با موج پیوندی XX متصل می شود.

رفتار زیگ زاگ سه گانه به خوبی با استفاده از کانال رگرسیون خطی شرح داده شده است. این رگرسیون خطی زمانی ترسیم می شود که موج های W و X و Y بیشتر شکل گرفته اند. در این صورت، پیش بینی نقطه ی پایانی موج پیوندی XX و زیگ زاگ پایانی Z آسان خواهد بود (به تصویر شماره ی ۴۴ نگاه کنید).



نویسنده

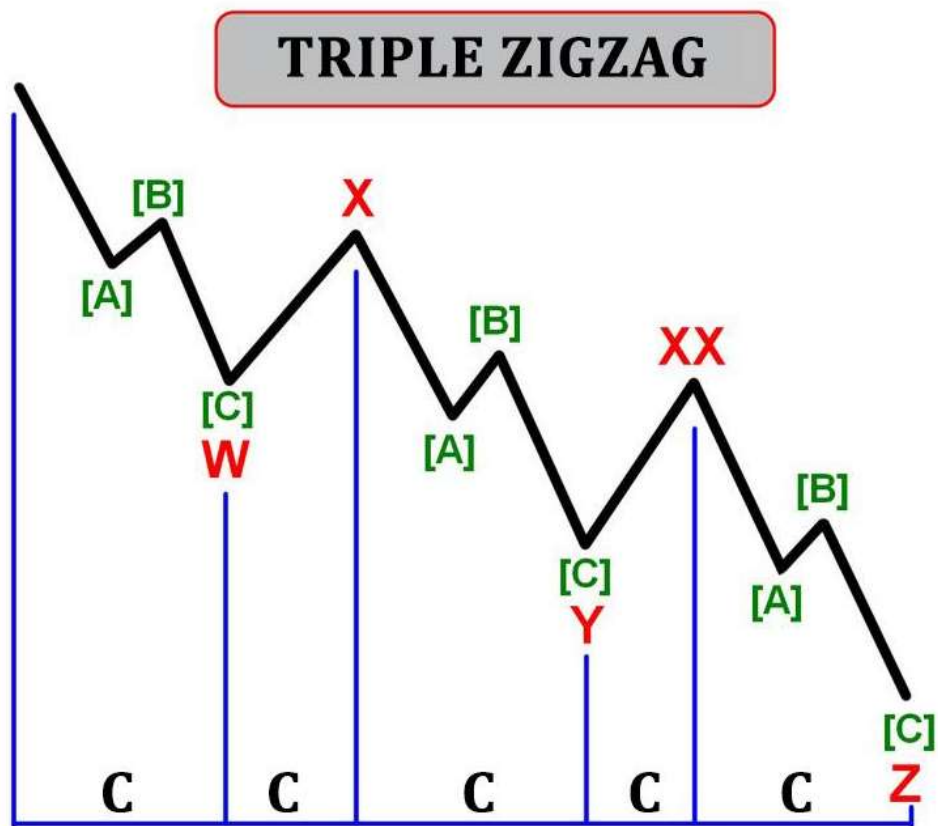
Roman Onegin

درباره من: من یک تحلیلگر و معامله گر مستقل هستم

تصویر شماره ی ۴۴

اگر واضح نباشد که چه الگویی در حال شکل گیری است اما ببینیم که به خوبی با یک کانال رگرسیون خطی تناسب دارد می توانیم فرض کنیم شاخص در حال شکل دهی به زیگ زاگ دوگانه یا سه گانه است. پس از آن می توانیم نتیجه گیری صحیحی داشته باشیم.

دسته قواعد و دستورالعمل های مطالعاتی زیگ زاگ سه گانه ی نزولی مشابه مورد قبلی است. زیگ زاگ سه گانه در تصویر شماره ی ۴۵ به نمایش درآمده است.



تصویر شماره ی ۴۵

زیگ زاگ سه گانه

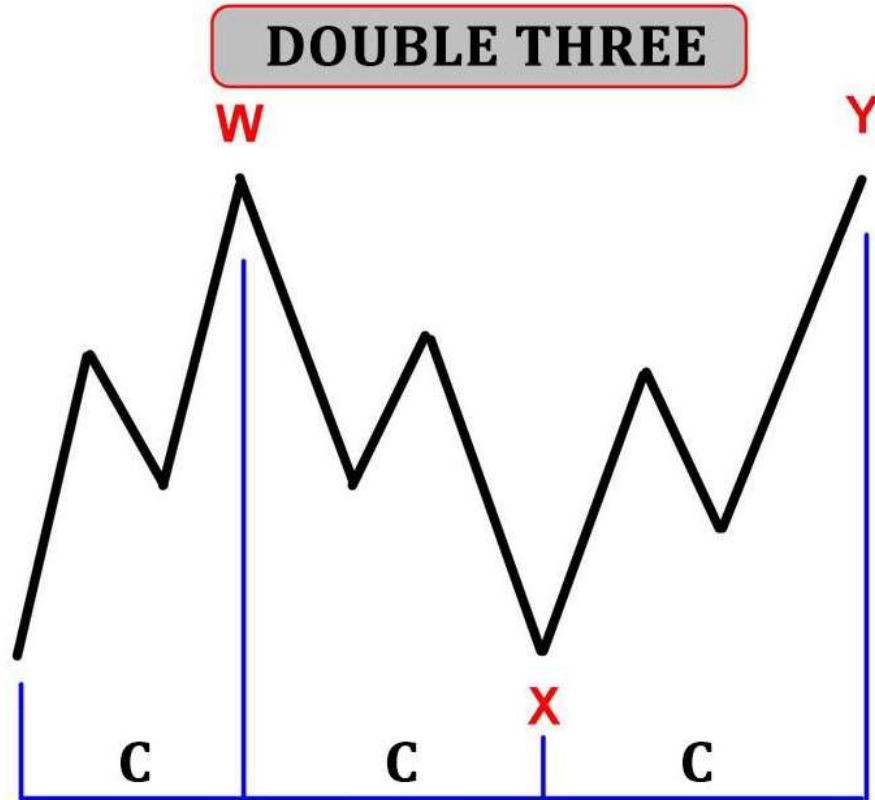
این بخش به موج های اصلاحی افقی اختصاص خواهد یافت. می خواهیم با الگوی دابل تری شروع کنیم.

در وهله ی اول می توانید نگاهی به تصویر شماره ی ۴۶ بیندازید.

نویسنده

Roman Onegin

هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من: am درباره



تصویر شماره ی ۴۶

همانطور که از نام ان پیداست، ساختار دابل تری از دو الگوی موجی سه تایی که با یک موج اصلاحی ترکیب شده تشکیل شده است. وقتی به "سه" اشاره می کنیم در واقع منظور ما نام موجی است که در قالب اصلاحی شکل گرفته است. اولین الگوی موجی سه تایی با حرف W و دومین آن با حرف Y مشخص شده است. همچنین، موج اصلاحی با حرف X به نمایش در آمده است. همانطور که می بینیم، این نوع نشانه گذاری با نشانه گذاری زیگ زاگ دوگانه هم پوشانی دارد اما نباید این دو الگو را با هم اشتباه بگیریم. در پایین به قواعد دابل تری اشاره می کنیم.

قواعد دابل تری:

1. از سه موج تشکیل شده
2. فرمول موجی: C-C-C
3. موج W مثلث نیست

دستورالعمل مطالعاتی الگوی دابل تری:

1. حرکت اصلاحی کم عمق
2. حرکت اصلاحی بلند

نویسنده

Roman Onegin

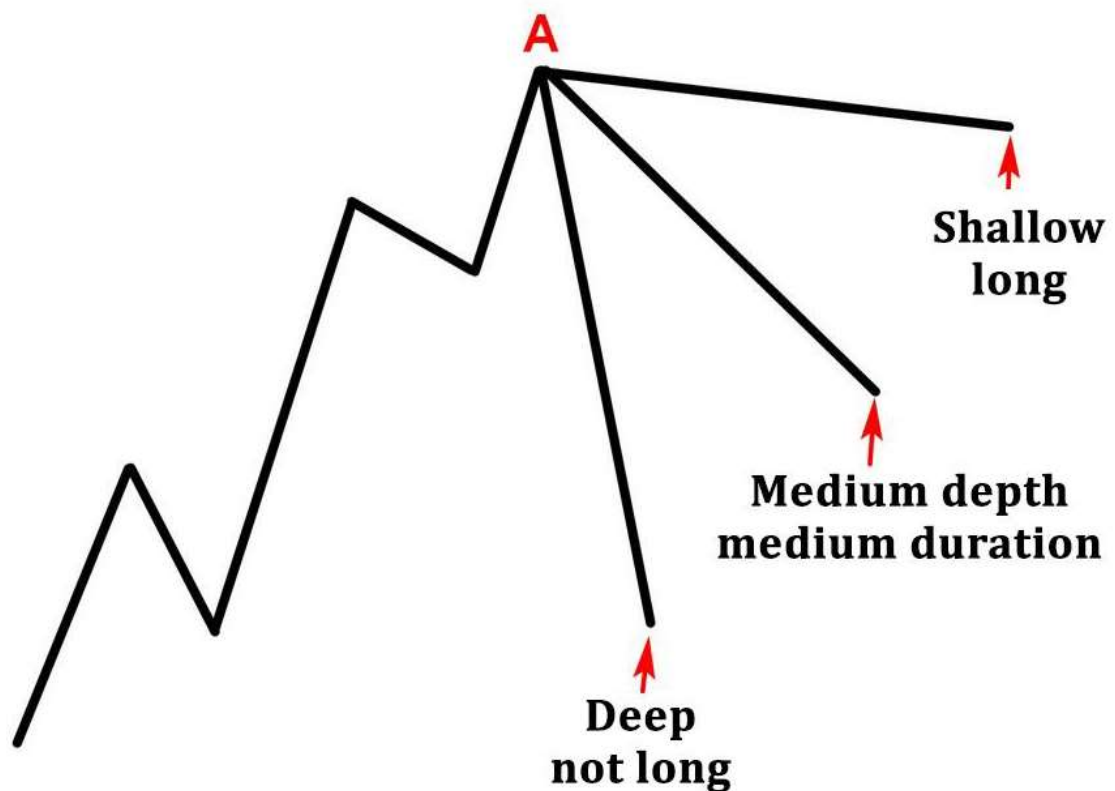
درباره من: من یک تحلیلگر و معامله گر مستقل هستم

3. شیب در برابر روند

نظرات در مورد قواعد و دستورالعمل مطالعاتی:

حتی وقتی که الگوی دابل تری شبیه به یک زیگ زاگ دوگانه نشانه گذاری می شود، ماهیت و محتوای دو موج واقع در آن به طور کامل متفاوت است. تفاوت اصلی ای که وجود دارد این است که زیگ زاگ دوگانه یک حرکت اصلاحی سریع و پرشیب است و این در حالی است که دابل تری یک حرکت اصلاحی کم عمق و افقی است. دابل تری معمولاً تا بیش از ۳۶ درصد روند قبلی حرکت بازگشتی ندارد. همچنین، موج های W و Y در زیگ زاگ دوگانه خود زیگ زاگ یا ترکیبی از آن ها هستند و این در حالی است که موج های W و Y در الگوی دابل تری می تواند هر الگوی اصلاحی ای باشد. استثنایی که در این خصوص وجود دارد این است که موج W نمی تواند مثلث باشد (در مورد مثلث ها بعداً صحبت خواهیم کرد).

دابل تری یک موج اصلاحی بلند است. در مورد موج های اصلاحی الگوی متناوب زیر را در بازار می توان مشاهده کرد: هرچقدر که یک حرکت اصلاحی کم عمق تر باشد بیشتر طول می کشد. همچنین، حالت برعکس نیز صادق است: هر چقدر که حرکت اصلاحی عمیق تر باشد کمتر به طول می انجامد. این مورد در تصویر شماره ی ۴۷ به نمایش درآمده است.



تصویر شماره ی ۴۷

تصویر نشان دهنده ی موج صعودی A و موج اصلاحی آن است. سه نوع از حرکت اصلاحی نزولی در اینجا به نمایش درآمده است. اندازه ی اولین موج حالتی پرشیب اما نه چندان بلند را در زمان رشد نشان می دهد. دومین موج اندازه ای متوسط دارد و بنابراین دوره ی رشد آن نیز طولانی تر است. بالاترین موج اصلاحی نیز بسیار کم عمق و بسیار بلند است.

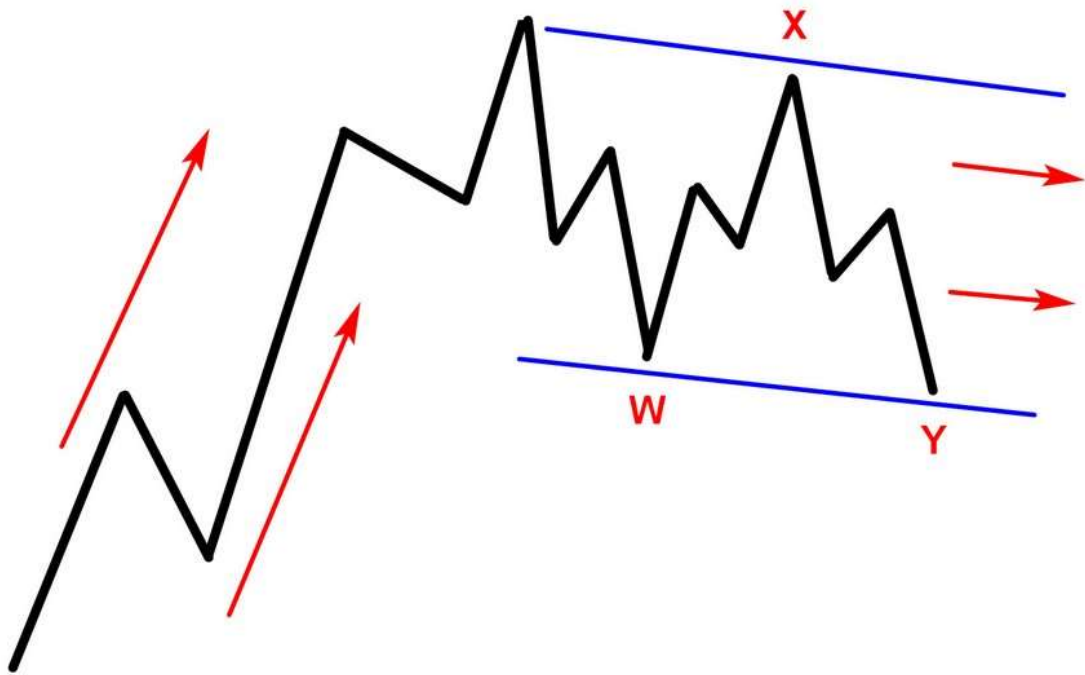
نویسنده

Roman Onegin

هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من: nم درباره

از این مورد می توان در معامله برای پیش بینی اندازه ی موج اصلاحی استفاده کرد. اگر شکل گیری یک حرکت اصلاحی کم عمق را در بازار ببینیم به این معنی است که می توان انتظار داشته باشیم که برای مدتی طولانی رشد آن ادامه داشته باشد. برعکس، هر چقدر که شاخص درون موج اصلاحی سریع تر حرکت اصلاحی داشته باشد موج کوتاه تر خواهد بود و شاخص به نسبت های فیبوناچی بزرگ تری می رسد.

یک عامل دیگر در الگوی دابل تری وجود دارد که می خواهیم به آن اشاره کنم - جهت شیب. دابل تری معمولاً بر خلاف روند قبلی جهت گیری می کند. به طور مثال، اگر بازار در یک روند صعودی در حال حرکت بوده و پس از پایان یافتن روند یک دابل تری شروع به رشد کرده باشد، در این حالت جهت گیری دابل تری به سمت پایین خواهد بود. این وضعیت در تصویر شماره ی ۴۸ به نمایش درآمده است.



تصویر شماره ی ۴۸

شیب الگوی دابل تری با استفاده از شیب خطوط ترسیم شده ما بین نقاط اوج الگو تعیین می شود.

اگر دابل تری بعد از روند نزولی ایجاد شود معمولاً جهت گیری صعودی خواهد داشت.

الگوی دابل تری اغلب در موقعیت موج های چهارم - تکانه-ایمپالس ها شکل می گیرند.

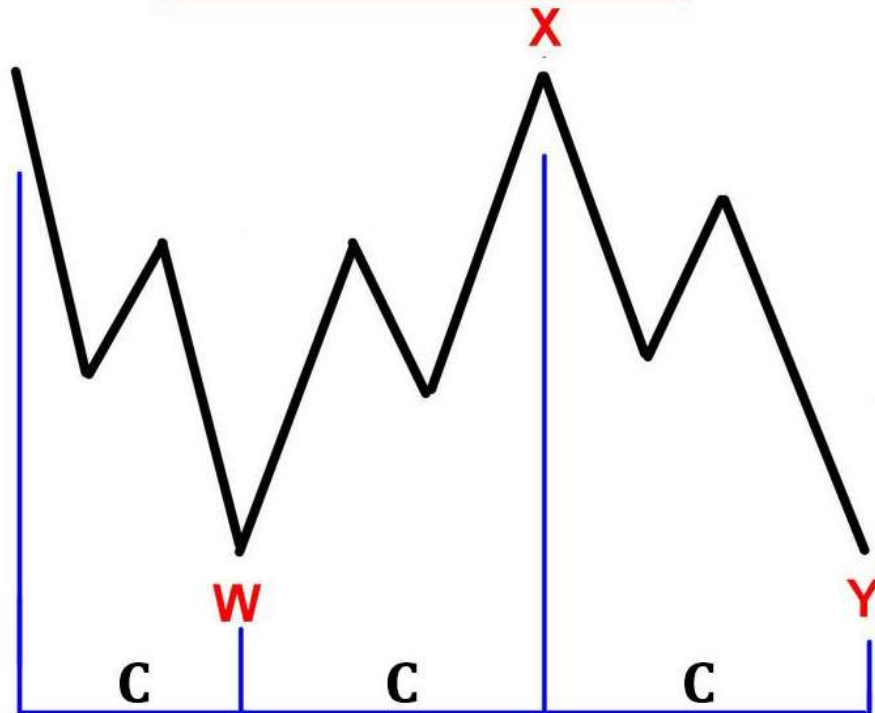
در خصوص قواعد و دستورالعمل مطالعاتی الگوی دابل تری نزولی باید گفت که این موارد شبیه به الگوی صعودی هستند. تصویر دابل تری نزولی در تصویر شماره ی ۴۹ به نمایش درآمده است.

نویسنده

Roman Onegin

درباره من: من یک تحلیلگر و معامله گر مستقل هستم.

DOUBLE THREE



تصویر شماره ی ۴۹

در مرحله ی بعد می خواهیم در مورد الگوی سه موجی سه گانه (تریپل تری) که یک الگوی اصلاحی افقی دیگر است حرف بزنیم.

الگوی تریپل تری

مورد اصلی ای که الگوی تریپل تری را از دابل تری متمایز می کند این است که در دابل تری سه زیر موج W-X-Y وجود دارد و تریپل تری از ۵ زیرموج W-X-Y-XX-Z تشکیل شده است.

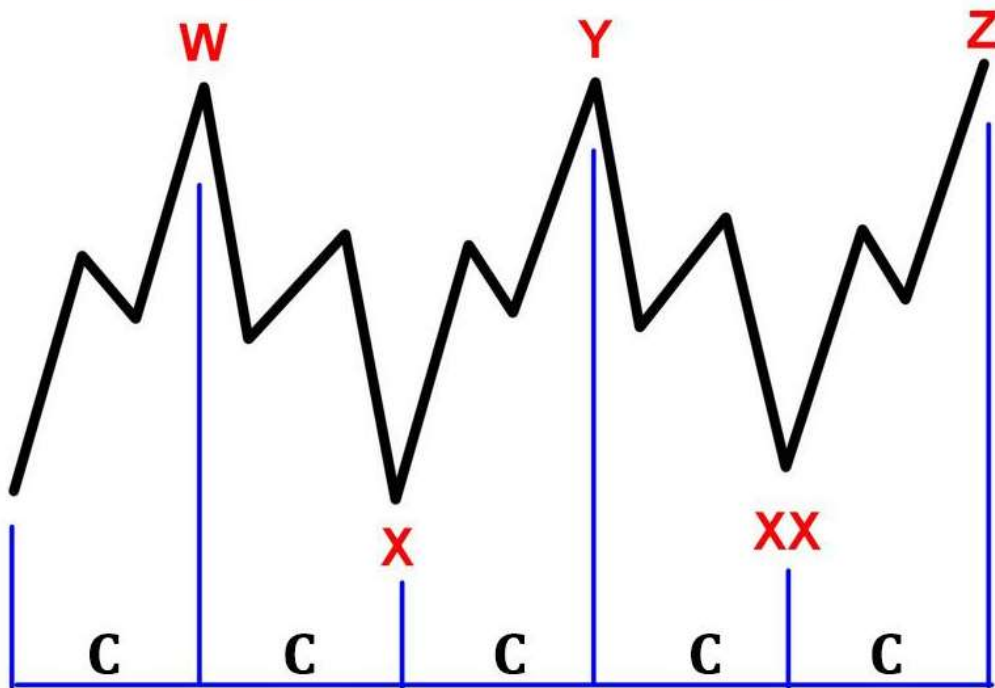
زیرموج های تریپل تری ماهیت اصلاحی دارند و می توانند در قالب هر نوع الگوی اصلاحی ای (به استثنای برخی موارد) شکل بگیرند. تصویر شماره ی ۵۰ ساختار الگوی تریپل تری را نشان می دهد.

نویسنده

Roman Onegin

هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من: n۵m درباره

TRIPLE THREE



تصویر شماره ی ۵۰

می بینیم که این موج از سه زیرموج W و Y و Z تشکیل شده که به یکدیگر از طریق موج پیوندی اصلاحی X و XX متصل شده اند. در پایین قواعد و دستور العمل های مطالعاتی مرتبط با ساختار سه گانه ی تریپل تری را مشاهده می کنید:

قواعد الگوی تریپل تری:

1. از ۵ موج تشکیل شده است
 2. فرمول موج: C-C-C-C-C
 3. موج های W و X و Y مثلث نیستند.
- دستور العمل مطالعاتی الگوی تریپل تری:**

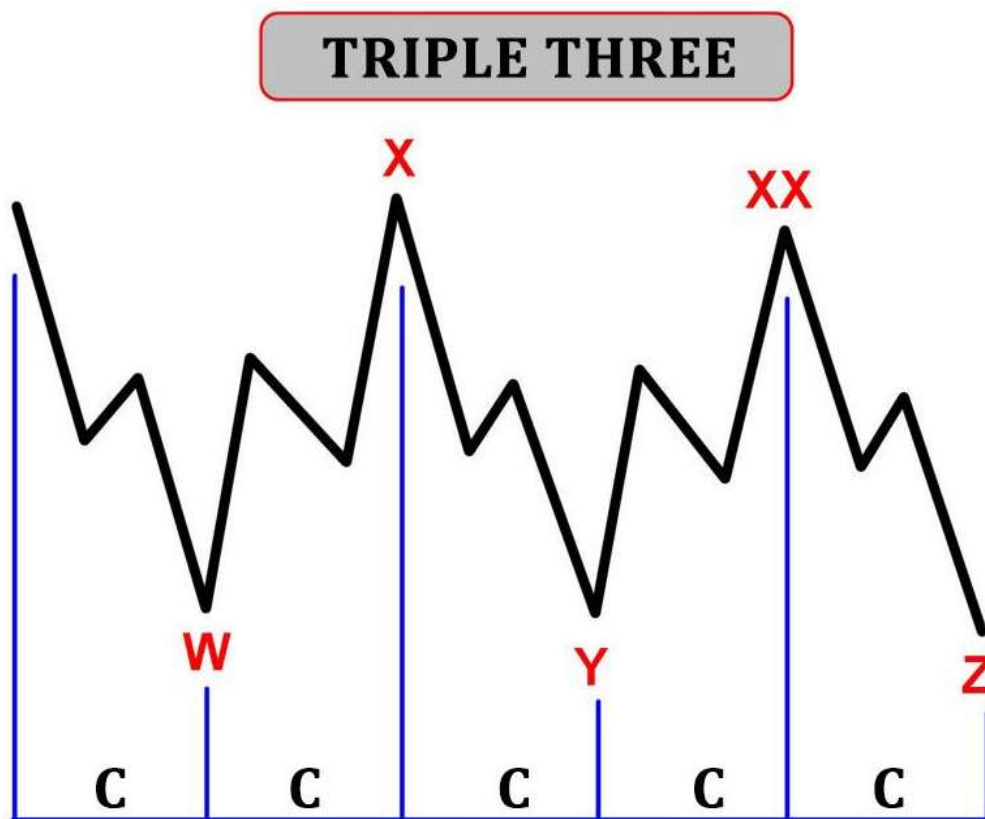
1. حرکت اصلاحی کم شیب
2. حرکت اصلاحی بلند
3. شیب در برابر روند

نویسنده

Roman Onegin

درباره من: من یک تحلیلگر و معامله گر مستقل هستم

دسته قواعد و دستور العمل های مطالعاتی مرتبط با الگوی تریپل تری که در تصویر شماره ی ۵۱ میبینید یکسان است.



تصویر شماره ی ۵۱

نظرات در مورد قواعد و دستور العمل های مطالعاتی:

قواعد و دستور العمل های مطالعاتی الگوی دابل تری و تریپل تری تقریباً یکسان هستند. تنها تفاوتی که وجود دارد اندازه موج ها و این واقعیت است که در الگوی تریپل تری موج های W و X و Y شاید شکل مثلث نداشته باشند. از لحاظ اندازه، تریپل تری همواره در موقعیت موج آخر یا موج یکی مانده به آخر در الگوی سطح سینیور (سطح بلند تر) شکل می گیرد.

همانند دابل تری، الگوی تریپل تری نیز معمولاً یک حرکت اصلاحی کم شیب در روند قبلی است و به بیش از ۳۶ درصد موج قبلی نمی رسد.

الگوی تریپل تری معمولاً یک حرکت اصلاحی بلند مدت است و به این معنی است که زمانی که این موج در حال شکل گیری است، از قدرت بازار برای شکل دهی به یک ساختار بلند کناری و نه برای پرشیب تر کردن حرکت استفاده می شود. شاخص زمانی الگوی تریپل تری را ایجاد می کند که یک حرکت اصلاحی کناری در قالب دابل تری ایجاد شده باشد اما به اندازه ی کافی طولانی نشده باشد. حرکت شاخص همچنان قدرت دارد تا یک موج اصلاحی را ایجاد کند، پس بخش سوم ساختار شروع به شکل گیری می کند. این همان حالتی است که الگوی تریپل تری ایجاد می گردد.

بر اساس سومین دستور العمل مطالعاتی، الگوی تریپل تری یک شیب مرتبط با روند دارای جهت مخالف (کانترترند) دارد. این بدین معنی است که اگر روند ما صعودی باشد به احتمال زیاد ساختار تریپل تری به سمت پایین متمایل خواهد شد.

نویسنده

Roman Onegin

هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من: am درباره

بر عکس: این حالت نیز صادق است. این ویژگی خاص ساختار تریپل تری را به یاد داشته باشید زیرا شناسایی آن را در چارت آسان تر می کند.

همچنین، مایلیم اضافه کنم که ساختار داخلی تریپل تری معمولاً پیچیده است. برخی بخش های ساختار تریپل تری گاهی وقت ها می توانند خود دارای ساختار تریپل تری باشند و به همین دلیل است که فهم این الگو سخت است زیرا بازار عملاً از نظر قواعد شکل گیری نامحدود است.

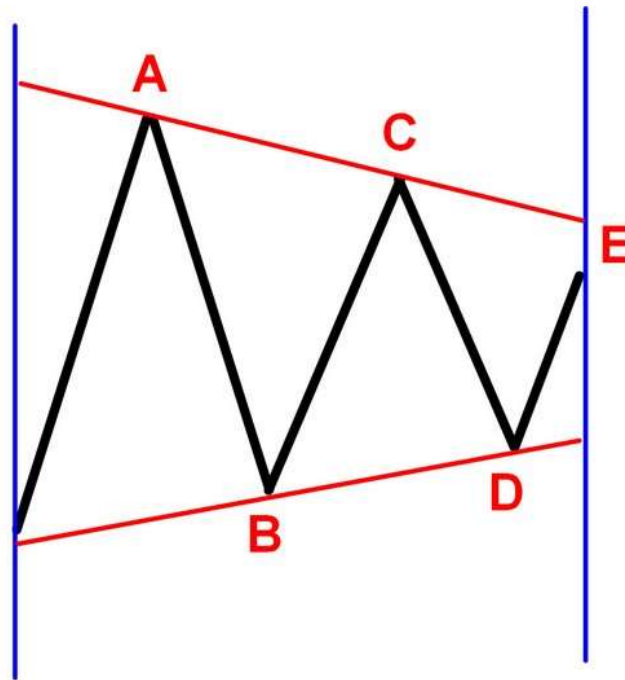
بنابراین اگر این الگو را در چارت شناسایی کردید بهتر است از بازار دور بمانید تا زمانی که به پایان برسد، و یا اینکه به سراغ سایر سطوح موجی بروید (این یعنی تریپل تری را به روندهای کوچک تری تقسیم کنید یا بر عکس، ذره بین در چارت را دورتر کنید تا تریپل تری شبیه به یک حرکت اصلاحی کوچک درون یک روند بزرگ تر به نظر برسد).

مثلث افقی

بسیاری از افراد آنچه که مثلث های معمولی در تحلیل تکنیکال شبیه به آن هستند را می دانند. اگرچه، تحلیل موجی توصیف جزیی تری از چگونگی شکل گیری این موج ها و محل شکل گیری آن ها به دست می دهند. ایجاد شدن مثلث معمولاً با یک موقعیت معاملاتی خوب ارتباط دارد زیرا تشخیص این الگو در چارت قیمتی آسان است و پس از به پایان رسیدن آن بازار معمولاً در یک جهت مشابه با جهتی که قبل از ایجاد شدن الگو داشت حرکتی شتابان دارد. استفاده از این ویژگی خاص به هنگام معامله آسان است.

تمامی مثلث ها از ۵ زیرموج تشکیل شده اند که با حروف A, B, C, D و E مشخص شده اند. گونه های مختلفی از این الگوها وجود دارد که هر کدام از آن ها از لحاظ شیب ایجاد خطوط مولد با دیگری متفاوت هستند. بنابراین، پیش از شروع بررسی مثلث هایی که در چارت می توانیم پیدا کنیم می خواهیم نوع ترسیم خطوط مولد (Generating lines) را یاد بگیریم.

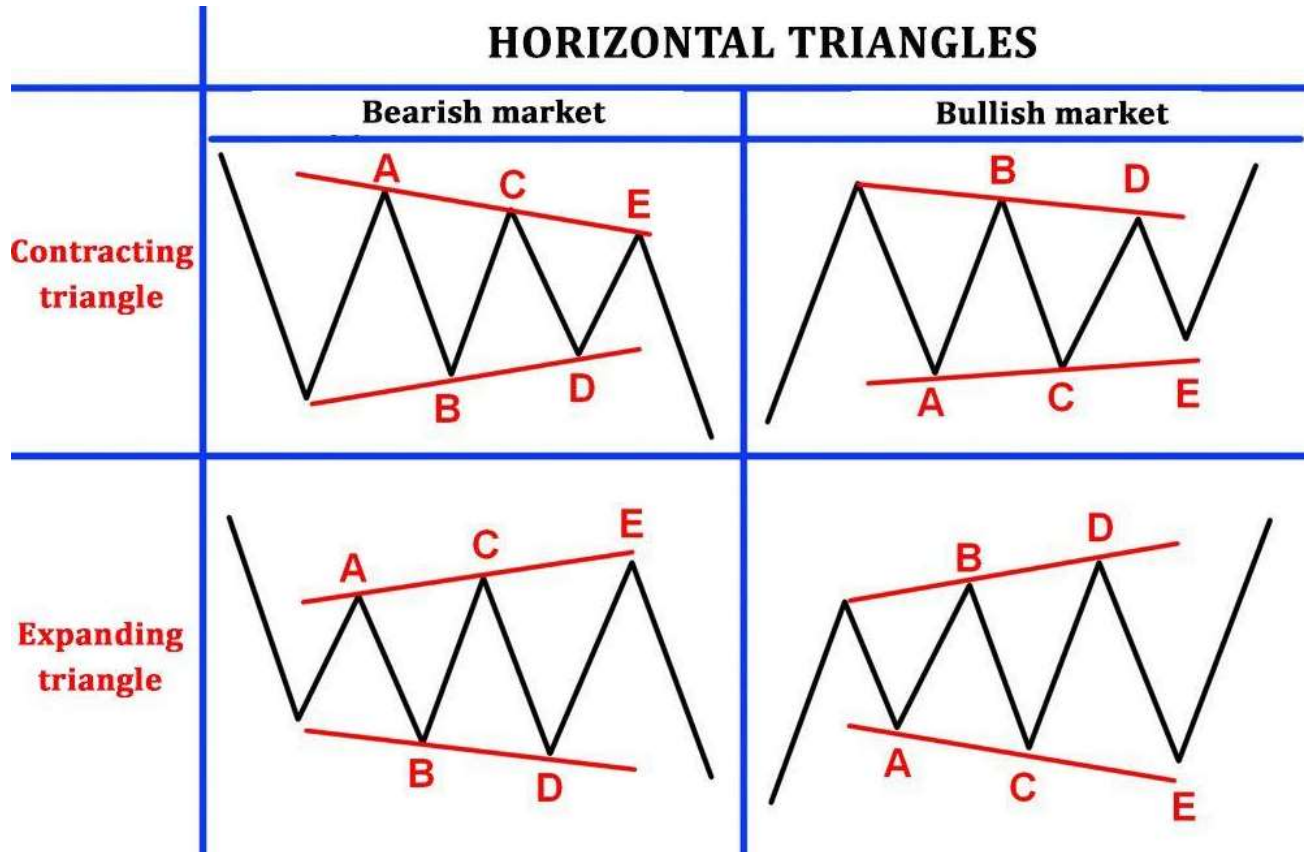
برای فهم نوع رسم شدن خطوط مولد می خواهیم مثلث متشکل از زیرموج های A-B-C-D-E (تصویر شماره ۵۲) را بکشیم و خطوط مولد را از ابتدا تا انتهای الگو از نقاط اوج موج A و C و همچنین نقاط اوج B و D ترسیم کنیم.



الگوریتم برای رسم کردن خطوط مولد در تمامی انواع مثلث استفاده می شود.

حالا که یاد گرفتیم خطوط مولد را رسم کنیم می توانیم به سراغ دسته بندی مثلث ها برویم. مثلث ها می توانند افقی و یا مورب باشند. در این بخش از مقاله می خواهیم مثلث های افقی را ارزیابی کنیم.

مثلث های افقی می توانند ماهیت جمع شونده و یا انبساطی داشته باشند. اگر در یک مثلث جمع شونده خطوط مولد را به سمت جلو گسترش دهیم این خطوط جمع می شوند. تصویر شماره ی ۵۳ نشانگر یک مثلث جمع شونده ی افقی در یک بازار نزولی و صعودی است.



تصویر شماره ی ۵۳

می بینیم که خط مولد بالایی چنین مثلثی به سمت پایین تمایل پیدا کرده و این در حالی است که خط مولد پایینی جهت گیری به سمت بالا دارد. این خطوط منقبض یا کوچک می شوند و به همین دلیل به آن ها "جمع شونده" می گویند.

بخش پایینی تصویر شماره ی ۵۳ نشان دهنده ی برخی مثال های مثلث افقی انبساطی در یک بازار صعودی و نزولی است. می بینیم که خط مولد بالایی چنین مثلثی به سمت پایین تمایل پیدا کرده و این در حالی است که خط مولد پایینی جهت گیری نزولی دارد و این به معنی آن است که خطوط از هم واگرایی پیدا می کنند.

یک لحظه ی مهم: یکی از خطوط مولد مثلث جمع شونده یا انبساطی می تواند افقی باشد.

حال بیایید قواعد مثلث های افقی را بررسی کنیم. با یکی از محبوب ترین انواع مثلث افقی شروع خواهیم کرد - مثلث جمع شونده (انقباضی) افقی:

قواعد مثلث جمع شونده ی افقی:

1. از ۵ موج تشکیل شده است
2. فرمول موجی: C-C-C-C-C
3. موج B می تواند هر اندازه ای داشته باشد

نویسنده

Roman Onegin

درباره من: من یک تحلیلگر و معامله گر مستقل هستم

4. موج C > موج B

5. موج D > موج C

6. موج E > موج D

7. می توان آن را در موقعیت موج یکی مانده به آخر یا موج پایانی در الگوی سطح سینیور (بلند مدت) مشاهده کرد.

دستورالعمل مطالعاتی مثلث جمع شونده ی افقی:

1. حرکت اصلاحی کم عمق

2. حرکت اصلاحی بلند

نظرات در مورد قواعد و دستورالعمل های معاملاتی مثلث افقی جمع شونده:

مثلث جمع شونده ی افقی از ۵ موج که دارای ماهیت اصلاحی هستند تشکیل شده است. اگرچه، برخی مشاهدات را باید در این رابطه بیان کرد. حداقل ۳ موج از ۵ موج در این مثلث ماهیت زیگ زاگی دارند و در واقع الگوی موجی ساده هستند. حداقل یکی از این موج های ساختار اصلاحی پیچیده مثل الگوی دابل تری یا تریپل تری دارند.

بر اساس سومین قاعده، موج B می تواند هر اندازه ای داشته باشد. این بدین معنا است که موج B می تواند بزرگتر یا کوچک تر از موج A باشد. اگر موج B بزرگ تر از موج A باشد، چنین مثلثی را مثلث "فعال" یا "جاری" (رانینگ) می نامند. قاعده ی ۴ و ۵ و ۶ اندازه ی موج را در نسبت با دیگری معین می کنند.

هفتمین قاعده بیان می دارد که یک مثلث می تواند تنها در موقعیت موج یکی مانده به آخر یا آخر در الگوی سطح سینیور (سطح موجی بالاتر) ایجاد شود و باید آن را اینگونه تفسیر کرد: مثلث نمی تواند در موقعیت دومین موج در یک ایمپالس (تکانه) ایجاد شود زیرا موج 2 موج یکی مانده به آخر یا آخر در یک ایمپالس-تکانه نیست اما می تواند در موقعیت چهارمین موج در یک تکانه-ایمپالس ایجاد شود زیرا موج 4 همان موج یکی مانده به آخر است. به همین شکل، مثلث می تواند در موقعیت موج B در یک زیگ زاگ، موج B در یک ساختار افقی (فلت)، موج X در زیگ زاگ دوگانه، و یا در موقعیت موج های X و Y در ساختار دابل تری ایجاد گردد. همچنین، آن را می توان در موقعیت موج های XX و Z در الگوی تریپل تری یا در موقعیت موج های D و E در یک مثلث یافت.

در خصوص دستورالعمل های مطالعاتی این نظر را می توان مطرح کرد:

مثلث همیشه یک حرکت اصلاحی کم شیب در روند قبلی است و اندازه ی آن به ندرت به سطح ۳۶ درصد فیبوناچی موج قبلی می رسد. از آنجا که مثلث یک حرکت اصلاحی کم شیب است، بازار همچنان قدرت حرکتی بالایی دارد و لازم دارد تا این قدرت حرکتی را در جایی از چارت به منصفه ظهور برساند. بنابراین، این قدرت حرکتی خود را در قالب یک حرکت اصلاحی بلند نشان می دهد و به همین دلیل است که مثلث ها همواره موج های اصلاحی بلند هستند.

موارد زیر قواعد شکل گیری مثلث افقی انبساطی هستند:

1. از ۵ موج تشکیل شده است

2. فرمول موجی: C-C-C-C-C

3. اندازه ی موج B هر مقداری می تواند باشد

نویسنده

Roman Onegin

هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من: am درباره

4. موج C < موج B

5. موج D < موج C

6. می توان آن را در موقعیت موج یکی مانده به آخر یا آخر در ساختارهای سه گانه یا مثلث مشاهده کرد.

دستور العمل مطالعاتی مثلث افقی انبساطی:

1. حرکت اصلاحی کم عمق

2. حرکت اصلاحی بلند

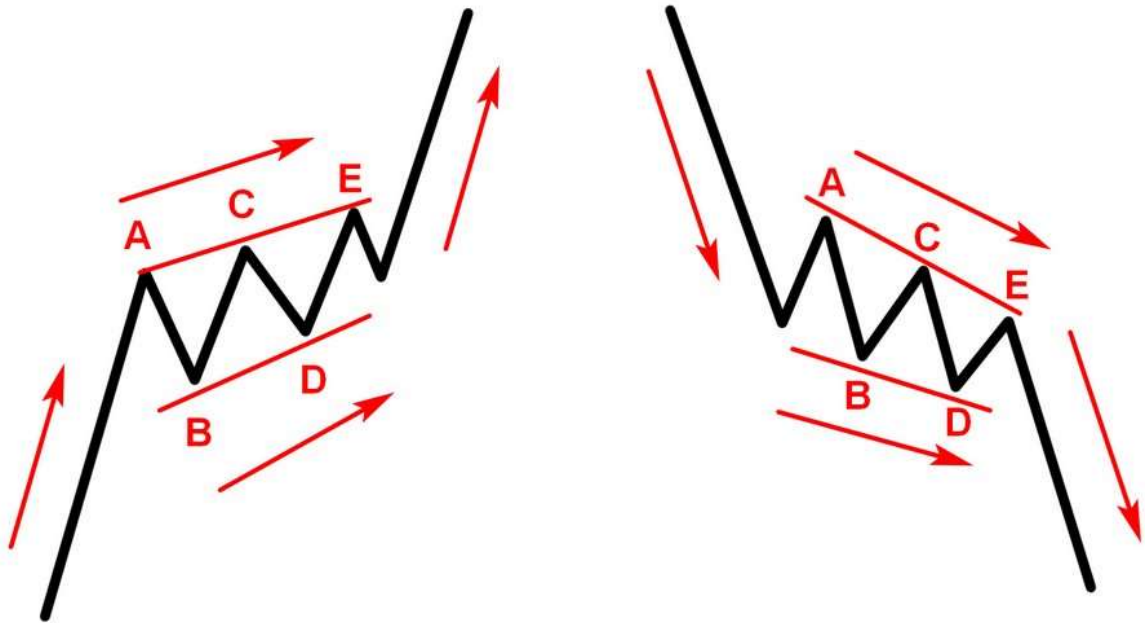
اساسا قواعدی که برای مثلث های جمع شونده و انبساطی وجود دارد شبیه به هم هستند. تفاوت کلیدی ای که وجود دارد در اندازه ی موج ها است که در نقاط ۳ و ۴ و ۵ مشاهده می شود. سایر قواعد، دستور العمل ها، و موقعیت های این الگوها شبیه به هم هستند.

مثلث مورب

در تاریخچه ی تحلیل امواج الیوت، این الگو مدتی نه چندان طولانی پیش کشف شد. حدود ۱۰ سال پیش، متخصصان روسی تحلیل تکنیکال این الگو را کشف و در یکی از انجمن های محبوب خود منتشر کردند. سپس دمیتری ووزنی نویسنده ی کتاب "کد الیوت" تعدادی مقاله را منتشر کرد که به این الگو اختصاص داشت و در مورد این موضوع با رابرت پرچتر ۰ یکی از توانا ترین محققان تحلیل امواج الیوت و نویسنده ی کتاب "اصل امواج الیوت" همکاری داشت. پرچتر الگوی جدید را پذیرفت و اینگونه شد که "مثلث مورب" نام گرفت.

مثلث مورب از لحاظ شیب خطوط مولد خود متفاوت از مثلث افقی است. هر دوی این مثلث ها به طرفی یکسان (بالا یا پایین) جهت گیری می کنند.

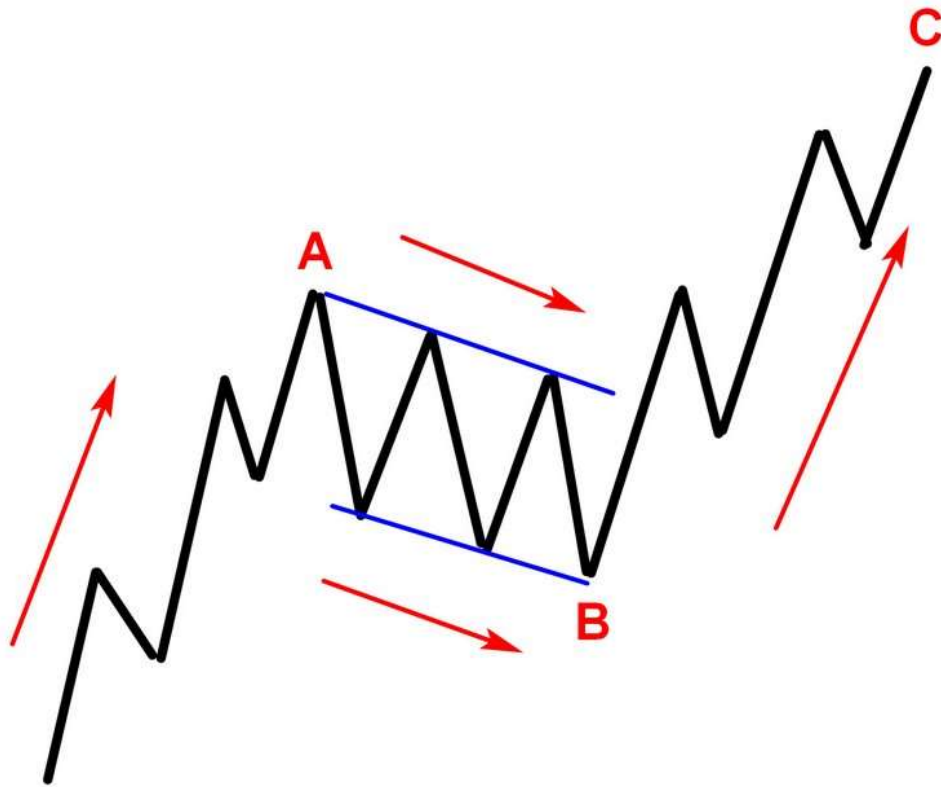
تصویر شماره ی ۵۴ نشان دهنده ی مثلث مورب در بازار صعودی و نزولی است.



تصویر شماره ی ۵۴

موقعیتی بسیار مهم برای یادآوری وجود دارد: خطوط مولد مثلث مورب همواره به جهت روند غالب متمایل هستند. اگر روند صعودی باشد، خطوط مولد نمی توانند نزولی باشند و برعکس، اگر روند نزولی باشد خطوط مولد مثلث مورب نمی توانند به سمت بالا متمایل باشند.

در پایین مثالی را مشاهده می کنید. می خواهیم یک زیگ زاگ صعودی را ترسیم کنیم که موج B در آن شبیه به مثلث مورب است (به تصویر شماره ی ۵۵ نگاه کنید).



تصویر شماره ی ۵۵

می بینیم که روند حالت صعودی دارد و این در حالی است که خطوط مولد آن به سمت پایین جهت گیری کرده اند. اگر چنین الگویی را مثلث A-B-C-D-E نامگذاری کنیم این یک اشتباه خواهد بود. الگویی که یک حرکت اصلاحی افقی متشکل از ۵ زیرموج را تشکیل می دهد و بر خلاف روند متمایل شده یک الگوی تریپل تری است و بنابراین باید با حروف W-X-Y-XX-Z مشخص گردد.

لطفا اطلاعات بالا را به یاد داشته باشید زیرا بسیاری از معامله گران اغلب به اشتباه الگوهای شیب دار را به عنوان مثلث نشانه گذاری می کنند.

در قدم بعدی می خواهیم بفهمیم که چرا مثلث های مورب در بازار به نمایش در می آیند. این اتفاق معمولاً زمانی می افتد که نیروهای صعودی یا نزولی بسیار قوی هستند و به یک مثلث افقی معمولی اجازه ی شکل گیری نمی دهند و به جای آن، الگوی را به جهتی که روند در آن قرار دارد سوق می دهند. در این موارد وقتی چنین مثلثی شکل می گیرد بازار در همان جهت موافقی که پیش از شکل گیری مثلث در حال حرکت بوده حرکت می کند. طبیعتاً از این ویژگی می توان و باید در معامله استفاده کرد.

حال می خواهیم قواعد و دستورالعمل های مطالعاتی مثلث های مورب را بررسی کنیم.

قواعد مثلث مورب:

1. از ۵ موج تشکیل شده است

2. فرمول موجی: C-C-C-C-C

نویسنده

Roman Onegin

درباره من: من یک تحلیلگر و معامله گر مستقل هستم

3. موج C > موج B

4. موج D < موج C

5. موج E > موج D

6. خطوط مولد همواره به جهتی که روند در آن قرار دارد سوق پیدا می کنند

7. می توان آن را در موقعیت موج یکی مانده به آخر در الگوی سطح سینیور پیدا کرد.

نظرات در مورد قواعد مثلث مورب:

مورد اصلی ای که مثلث مورب را از مثلث افقی متمایز می کند اندازه ی موج ها است که قواعد شماره ی ۳ و ۴ و ۵ در مورد آن ها است. همچنین، دو خط مولد در مثلث مورب همواره به سویی که روند به آن جهت گیری کرده سوق پیدا می کند و این دقیقا برخلاف مثلث های افقی است. تفاوت دیگری که وجود دارد این است که مثلث مورب تنها در موقعیت موج یکی مانده به آخر در الگوی سطح سینیور ایجاد می شود و این در حالی است که مثلث افقی می تواند در موقعیت موج آخر در ساختار موجی دابل تری/تریپل تری و در مثلث ها ایجاد شود.

سه نوع از موج های دارای ماهیت جنبشی و هفت نوع از انواع موج های اصلاحی را تا کنون مطالعه کرده ایم. حالا می توانیم بگوییم که با قواعد هر الگوی موجی ای که در تحلیل امواج الیوت در بازار فارکس می تواند پدید آید آشنا هستیم.

موج های الیوت و نسبت اعداد فیبوناچی

همانطور که در بخش ۵ این مقاله به آن اشاره داشتیم، توالی فیبوناچی کمک می کند تا اندازه ی موج های در تحلیل امواج الیوت را پیش بینی کنیم. حالا می خواهیم به برخی از ترتیب های آماری اشاره کنم که به معامله گران کمک می کنند پیش بینی های دقیق تری را در خصوص نقطه ی پایانی امواج طرح کنند.

به هنگام پیش بینی اندازه ی موج ها باید ساختار درونی، طول، و اندازه ی موج ها را مدنظر قرار دهیم.

هر موج را تنها زمانی می توان به طور کامل پایان یافته تلقی کرد که:

1. حاوی تعدادی از زیرموج های سطح جونیور باشد که قواعد تحلیلی حاکم بر آن ها به این تعداد اشاره کرده باشد.

2. طول دوره ی شکل گیری آن ها از لحاظ شکلی در متناسب با سایر زیرموج ها و اندازه ی الگو باشد. به طور مثال، اگر موج 2 که در حال شکل گیری است یک ایمپالس باشد پس نباید بیش از حد در نسبت با موج 1 کوتاه یا بلند باشد. هر چقدر که یک حرکت اصلاحی عمیق تر باشد کمتر باقی می ماند. فهم کامل این نکته با تجربه حاصل می شود و مشاهده ی چارت های بازار و نسبت های موجی به شما کمک می کند تا مهارت انجام پیش بینی های دقیق را به دست آورید.

3. اندازه ی یک موج معمولا با نسبت های موجود در توالی فیبوناچی ارتباط دارد. به همین دلیل است که خطوط فیبوناچی ابزاری قدرتمند در پیش بینی اندازه ی موج ها و تعیین سطوح قرار گیری دستورات معاملاتی هستند.

موج های جنبشی

موج های جنبشی. تکانه-ایمپالس:

نویسنده

Roman Onegin

هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من: am درباره

1. موج ۲ معمولا ۵۰ درصد و ۶۱.۸ درصد، و ۷۶.۴ درصد موج ۱ است.
2. موج ۳ معمولا ۱۶۱.۸ درصد، ۲۰۰ درصد، ۲۶۱.۸ درصد، ۳۲۳.۶ درصد، و ۴۲۳.۶ درصد موج ۱ است.
3. موج ۴ معمولا ۱۴.۶ درصد، ۲۳.۶ درصد، و ۳۸.۲ درصد موج ۳ است اما بیش از ۵۰ درصد موج ۳ نیست.
4. موج ۵ معمولا ۶۱.۸ درصد، ۷۶.۴ درصد، ۱۰۰ درصد، ۱۲۳.۶ درصد، ۱۶۱.۸ درصد موج ۱ و همچنین ۳۸.۲ درصد، ۵۰ درصد، ۷۶.۴ درصد، و ۱۰۰ درصد موج ۳ است.

موج های جنبشی. دیاگونال پیشرو:

1. موج ۲ معمولا ۵۰ درصد، ۶۱.۸ درصد، ۷۶.۴ درصد موج ۱ است.
2. موج ۳ معمولا ۵۰ درصد، ۶۱.۸ درصد، ۷۶.۴ درصد، ۱۰۰ درصد، و ۱۶۱.۸ درصد موج ۱ است.
3. موج ۴ معمولا ۳۸.۲ درصد، ۵۰ درصد، ۶۱.۸ درصد، ۷۶.۴ درصد موج ۳ است.
4. اگر موج ۳ کوچک تر از موج ۱ باشد، موج ۵ معمولا ۳۸.۲ درصد، ۵۰ درصد، ۶۱.۸ درصد موج ۱ خواهد بود. همچنین، اگر موج ۳ بزرگتر از موج ۱ باشد، موج ۵ معادل ۷۶.۴ درصد، ۱۰۰ درصد، ۱۶۱.۸ درصد موج ۱ است.
5. اگر موج ۳ کوچکتر از موج ۱ باشد، آنگاه موج ۵ معمولا ۳۸.۲ درصد، ۵۰ درصد، ۶۱.۸ درصد موج ۳ خواهد بود. همچنین، اگر موج ۳ بزرگتر از موج ۱ باشد، آنگاه موج ۵ معادل ۷۶.۴ درصد، ۱۰۰ درصد، ۱۶۱.۸ درصد موج ۳ خواهد بود.

موج های جنبشی - دیاگونال پایانی:

1. موج ۲ معمولا ۵۰ درصد، ۶۱.۸ درصد، ۷۶ درصد موج ۱ است.
2. موج ۳ معمولا ۶۱.۸ درصد، ۷۶.۴ درصد، ۱۰۰ درصد، ۱۶۱.۸ درصد موج ۱ است.
3. موج ۴ معمولا ۳۸.۲ درصد، ۵۰ درصد، ۶۱.۸ درصد، ۷۶.۴ درصد موج ۳ است
4. اگر موج ۳ کوچکتر از موج ۱ باشد آنگاه موج ۵ معمولا ۳۸.۲ درصد، ۵۰ درصد، ۶۱.۸ درصد موج ۱ است. همچنین، اگر موج ۳ بزرگتر از موج ۱ باشد، موج ۵ معادل ۷۶.۴ درصد، ۱۰۰ درصد، ۱۶۱.۸ درصد موج ۱ خواهد بود.
5. اگر موج ۳ کوچکتر از موج ۱ باشد، آنگاه موج ۵ معمولا ۳۸.۲ درصد، ۵۰ درصد، و ۶۱ درصد موج ۳ خواهد بود. همچنین، اگر موج ۳ بزرگتر از موج ۱ باشد، موج ۵ معادل ۷۶.۴ درصد، ۱۰۰ درصد، ۱۶۱.۸ درصد موج ۳ خواهد بود.

موج های اصلاحی - زیگ زاگ:

1. موج B معمولا ۵۰ درصد، ۶۱.۸ درصد، و ۷۶.۴ درصد موج A خواهد بود.
2. موج C معمولا معادل ۶۱.۸ درصد، ۷۶.۴ درصد، ۱۰۰ درصد، ۱۶۱.۸ درصد، و ۲۰۰ درصد موج A خواهد بود.

موج های اصلاحی: موج افقی (فلت)

نویسنده

Roman Onegin

درباره من: من یک تحلیلگر و معامله گر مستقل هستم

1. موج A معمولا و تقریبا برابر با موج B است.

2. موج C معمولا ۷۶.۴ درصد، ۱۰۰ درصد، ۱۶۱.۸ درصد موج B است.

موج های اصلاحی - زیگ زاگ های دوگانه و سه گانه:

1. موج Y معمولا ۶۱.۸ درصد، ۷۶.۴ درصد، ۱۰۰ درصد، ۱۶۱.۸ درصد موج W است.

2. موج Z معمولا ۶۱.۸ درصد، ۷۶.۴ درصد، ۱۰۰ درصد، ۱۶۱.۸ درصد موج های W و Y خواهد بود.

3. موج های X و XX معمولا ۵۰ درصد، ۶۱.۸ درصد، ۷۶.۴ درصد موج های W و Y خواهد بود.

موج های اصلاحی: الگوهای دابل تری و تریپل تری

از آنجا که الگوهای دابل تری و تریپل تری الگوهایی افقی (فلت) هستند، موج ها معمولا تمایل به هم اندازه بودن دارند. خطوط مولد یک الگو می تواند نشانگر اندازه ی تقریبی موج ها باشند:

موج های اصلاحی: مثلث جمع شونده ی افقی

هر موج بعدی معادل ۶۱.۸ درصد یا ۷۶.۴ درصد موج قبلی است.

موج های اصلاحی: مثلث افقی انبساطی

هر موج بعدی معادل ۱۲۳.۶ درصد یا ۱۶۱.۸ درصد موج قبلی است.

موج های اصلاحی: مثلث مورب

1. موج های B و D معمولا به ترتیب ۱۲۳.۶ درصد یا ۱۶۱.۸ درصد موج های A و C خواهند بود.

2. موج های C و E معمولا ۶۱.۸ درصد یا ۷۶.۴ درصد موج های B و D خواهند بود.

الگوریتم شناسایی الگوهای موجی در چارت

هر معامله گری که امواج الیوت را تحلیل می کند باید بداند که چگونه موج ها را در چارت شناسایی کند. ساز و کار پایین در این خصوص نقش کمی دارد:

به هنگام شناسایی کردن نوع موج همواره گزینه ی ساده تر را انتخاب کنید. این بدین معنی است که اگر یک موج را بتوان یک زیگ زاگ ساده یا زیگ زاگ دوگانه شناسایی کرد، زیگ زاگ ساده را انتخاب کنید. معامله گران مبتدی همیشه الگوهای پیچیده را برای خود ترسیم می کنند و این انجام دادن یک پیش بینی صحیح و کسب سود را سخت تر می کند. چیزی که مورد نیاز است حداکثر میزان سادگی است. فقط قواعد موج ها و دستورالعمل های معاملاتی آن ها را به یاد داشته باشید. اگر تمایل به ساده سازی ترسیم الگوها دارید اما می بینید که بعضی از قواعد و دستورالعمل های معاملاتی به همین دلیل رعایت نمی شوند، این بدین معنی است که به یک حد مشخصی دست یافته اید و الگو را نمی توانید از چیزی که هست ساده تر کنید. در این رابطه، باید گزینه ای پیدا کنید که از همه آسان تر، همخوان تر، و در نوعی از تناسب باشد که تمامی قواعد موجی و دستورالعمل های مطالعاتی آن ها را تحت پوشش خود قرار بدهد.

نویسنده

Roman Onegin

هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من: nام درباره

تمامی موج های چارت را می توان به دو نوع درجه بندی کرد:

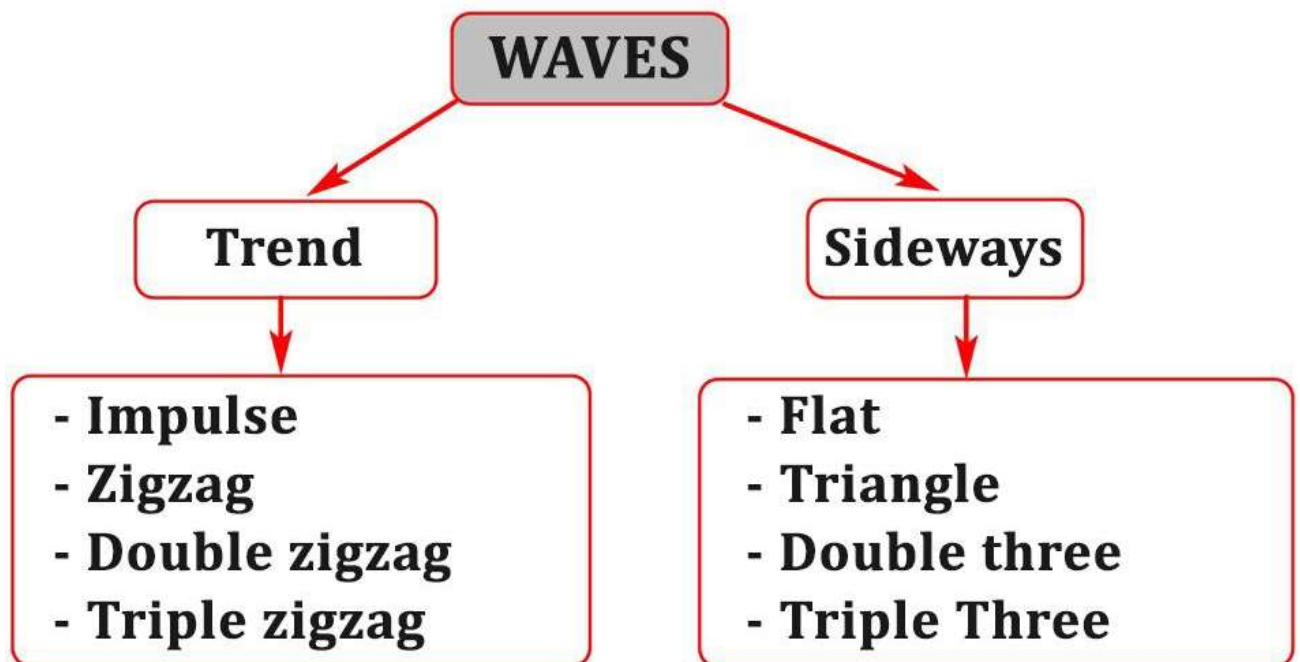
- موج های روندی
- موج ها یا حرکات افقی (سایدوی)

اگر شاهد شکل گیری یک موج هستید (یعنی وقتی که شاخص به سمت بالا یا پایین جهت گیری کرده)، می توانید این نتیجه گیری را داشته باشید که یک تکانه-ایمپالس، یک زیگ زاگ، یا یک زیگ زاگ دوگانه در حال شکل گیری است.

اگر یک موج افقی در حال شکل گیری است، این بدین معنا است که با یک فلت، یک الگوی دابل/تریپل تری، و یا یک مثلث رو به رو هستیم.

زمانی که یک موج را دارای حالت روندی یا افقی (فلت) تفسیر کردید لازم است که آسان ترین راه را برای ترسیم آن پیدا کنید.

تصویر شماره ی ۵۶ دسته بندی موج ها را بر اساس رشد جهت دار آن ها (حرکت روندی یا افقی-فلت) و همچنین درجه ی پیچیدگی آن ها (از ساده به پیچیده) نشان می دهد.



تصویر شماره ی ۵۶.

در پایین ۲ مثال را در خصوص چگونگی استفاده از ساز و کار مطرح شده مشاهده می کنید.

مثال شماره ی ۱

فرض کنید بخشی از روند در حال شکل گیری را می بینیم. در وهله ی اول، با نگاهی به بخش سمت چپ تصویر می بینیم که به احتمال زیاد آن قسمت یا یک تکانه-ایمپالس، یا یک زیگ زاگ، و یا یک زیگ زاگ دوگانه/سه گانه خواهد بود.

نویسنده

Roman Onegin

درباره من: من یک تحلیلگر و معامله گر مستقل هستم.

بررسی کنید که موج تحت بررسی را می توان به عنوان یک تکانه-ایمپالس تفسیر کرد یا خیر. اگر پاسخ منفی بود، ببینید که آیا این موج ساختار زیگ زاگی دارد یا خیر. باز هم اگر پاسخ منفی بود، از خود بپرسید که آیا این موج می تواند یک زیگ زاگ دوگانه باشد؟ در اینجا فرض کنید که اینگونه است، پس احتمالاً پاسخ صحیح را پیدا کرده اید.

مثال شماره ۲

شاهد شکل گیری یک بخش افقی (فلت) هستیم. این بدین معنی است ساختار می تواند حالت افقی، مثلثی، و یا دابل/تریپل تری داشته باشد. در وهله ی اول قابلیت فلت بودن را بررسی می کنیم. اگر موج ساختار فلت را نداشت بررسی می کنیم که آیا مثلث است یا خیر. در مثالی که داریم ساختاری که با آن مواجه هستیم حالت مثلثی دارد، پس به جواب درست پیدا کرده ایم.

این ساز و کار قطعاً ساده سازی شده بوده و در عمل ممکن است پیچیده تر باشد، مخصوصاً با توجه به اینکه جایگزین هایی هم می تواند وجود داشته باشد. اما در عین حال باید دانست چیره شدن بر بخش عملی تحلیل موجی الیوت و یادگرفتن چگونگی آسان شناسایی کردن موج ها بدون دانستن نظریه و قواعد موجی غیر ممکن خواهد بود.

در مرحله ی بعد می خواهیم برخی از توصیه ها را در مورد چگونگی مطالعه ی بخش عملی تحلیل موج الیوت بررسی کنیم.

پیشنهاد برای مطالعه ی بخش عملی تحلیل امواج الیوت

پس از آموزش دادن مبانی امواج الیوت به چندین دانشجو، نویسنده ی این مقاله در مورد چگونگی سازماندهی فرآیند تمرین دادن کسب تجربه کرده است.

برای مسلط شدن به بخش نظری تحلیل امواج الیوت باید قواعد حاکم بر موج ها را متوجه شد و آن ها را حفظ کرد. مقاله ها، ویدیوهای آموزشی و کتاب هایی که در مورد تحلیل امواج الیوت نوشته شده کمی خوب در این زمینه هستند.

اگرچه، افرادی که از قبل نظریه ها را یاد گرفته اند هم ممکن است کماکان در تشخیص امواج با مشکل مواجه شوند. صحبت شخصی که در این وضعیت قرار گرفته اینگونه است "قواعد را می دانم، اما همچنان به هنگام نگاه کردن به چارت های بازار حس می کنم گیج شده ام".

آسان ترین و سریع ترین راه چیره شدن به بخش عملی تحلیل امواج الیوت پیدا کردن یک متخصص است.

وقتی شروع به دست و پنجه نرم کردن با این موضوع می کنید داشتن یک مربی صلاحیت دار در کنار خود خوب است. بهترین حالت آموزش دیدن زمانی است که تلاش دارید موج ها را خودتان شناسایی کنید و در کنار آن مربی شما به فعالیت هایتان جهت داده و از شما سوالات انگیزشی بپرسد.

در مرحله ی بعدی، وقتی که مهارت های عملی در تشخیص موج ها کسب کرده باشید، این نوع از تمرین دیدن بهتر است: زمانی که در بخش هایی از چارت با اشاره ی مربی خود موج ها را شناسایی می کنید، باید به شکلی فعال همخوانی تشخیص خود را با قواعد موج ها بررسی کنید و سعی کنید که ساده ترین جواب را بیابید. به بیانی دیگر، لازم است که ارتباطات عصبی جدیدی را در مغز خود ایجاد کنید. مورد بعدی ای که خیلی اهمیت دارد این است که تحلیل های شما باید توسط مربی ای که دارید بررسی شود. لازم است که مربی به شما بگوید که کدام بخش ها را درست و کدامیک را اشتباه تشخیص داده اید. افزون بر این، مربی باید مستقیماً به شما توضیح بدهد که کدامیک از شناسایی هایی که در مورد تطبیق با قواعد موجی، دستورالعمل های مطالعاتی، یا نسبت های موجی انجام داده اید اشتباه بوده و سپس شما را به سمت پاسخ صحیح هدایت کند.

کار کردن بر اساس چنین ساز و کاری به شما امکان مطالعه ی کامل اصول تحلیل امواج الیوت را در سریع ترین زمان ممکن می دهد.

نویسنده

Roman Onegin

هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من: am درباره

نویسنده ی این مطلب بر روی یک برنامه ی خاص با هدف چیره شدن بر تحلیل عملی امواج الیوت کار کرده و تعداد زیادی از معامله گران موفق ذیل ساختارهای تعریف شده برای این برنامه آموزش دیده اند.

اگر سوالی دارید یا مایل هستید که در این برنامه ی عملی ثبت نام کنید می توانید به من ایمیل زده یا از طریق شبکه های اجتماعی با من ارتباط برقرار کنید.

معامله با استفاده نظریه ی امواج الیوت

حال می خواهم مثالی در مورد معامله با استفاده از تحلیل امواج الیوت بزنم. در وهله ی اول چارت قیمتی را با استفاده از نظریه ی موج الیوت بررسی می کنیم. از چارت پایین مشخص است که بازار در حال شکل دهی به زیگ زاگ نزولی [A]-[B]-[C] است و تا کنون موج های [A] و [B] از درون به پایان رسیده اند. موج [B] یک زیگ زاگ بوده که ساختار آن کاملا مشخص است بنابراین می توان نتیجه گرفت که تکانه-ایمپالس [C] قاعدتا باید شروع به شکل گیری کرده باشد.

اگر فروض مطرح شده صحیح باشند ایمپالس-تکانه ی کاهشی (1) که با رنگ آبی مشخص شده قاعدتا باید شکل بگیرد. بنابراین، پس از به پایان رسیدن موج (1) حرکت اصلاحی صعودی (2) رشد خواهد کرد و انتظار می رود که به معادل ۵۰ درصد تا ۷۶.۴ درصد ایمپالس (1) برسد. بنابراین، می توانیم دستور حد فروش یا sell limit را در سطح ۵۰ درصد موج (1) قرار دهیم. افزون بر این، اگر قیمت دقیقا به سطح تعیین شده برسد و فوراً درون ایمپالس (3) حرکتی نزولی داشته باشد می توانیم دستور معاملاتی معلق را کمی پایین تر برای امن تر بودن قرار دهیم.



وضعیته بعدی به شرح زیر است:

نویسنده

Roman Onegin

درباره من: من یک تحلیلگر و معامله گر مستقل هستم



فرض مطرح شده تایید شده و متوجه سناریوی حرکتی می شویم. دستور حد فروش را در سطحی قرار می دهیم که انتظار می رود در آن موج (2) به معادل 50 درصد ایمپالس-تکانه ی (1) برسد. دستور حد ضرر یا استاپ لاس را می توان در سطحی قرار داد که موج (1) در آن شروع شده بود. حد سود نیز بر اساس ایمپالس-تکانه ی نزولی [A] با استفاده از نسبت های فیبوناچی تعریف می شود.



در چارت بالا می بینید که بازار همچنان بر اساس سناریوی مورد انتظار با شکل دهی به ایمپالس-تکانه ی [C] حرکت می کند. معامله ی فروش را در سطح 1.2114 باز کرده ایم زیرا موج (2) به معادل نسبت فیبوناچی 50% موج (1) رسیده است. این سطح دقیقاً یک سطح ورودی در مناسب ترین جای ممکن است.

نویسنده

Roman Onegin

هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من:نm درباره



موج های [A] و [C] اغلب در زیگ زاگ ها تمایل به برابر شدن دارند. اگرچه، در موردی که با آن مواجه هستیم، تنها موج 3 در [C] در حال رشد است و موج [C] پیشتر به معادل ۱۰۰ درصد موج [A] رسیده است. بنابراین، ایمپالس-تکانه ی [C] قاعدتا باید بزرگتر از تکانه-ایمپالس [A] باشد و حداقل به نسبت فیبوناچی 123.6% (سطح بعدی) برسد. به همین دلیل است که حد سود در سطح 123.6% موج [A] قرار داده می شود.

حال می خواهیم ببینیم که شرایط به چه نحو پیش خواهد رفت و چه الگویی در نهایت شکل می گیرد.



نویسنده

Roman Onegin

درباره من: من یک تحلیلگر و معامله گر مستقل هستم

می بینیم که شاخص به دقت سناریوی مورد انتظار را به جلو برده است. موج [C] باعث به پایان رسیدن زیگ زاگ کاهشی [-B]-[A] شده و معامله ی پیشنهادی با سوددهی همراه بوده است. معامله ی فروش در سطحی وارد شده که با خط بالای سبز مشخص شده و در خط پایینی سبز شاهد خارج شدن از معامله هستیم. سود به دست آمده بسیار بزرگ است و در چارت به نمایش درآمده است (سود).

راهبردهای معاملاتی امواج الیوت

دو راهبرد معاملاتی عمده در خصوص امواج الیوت وجود دارد: راهبرد معاملاتی مبتنی بر دنبال کردن روند و معامله بر اساس معکوس شدن روند.

راهبرد معاملاتی مبتنی بر معکوس شدن حرکت روند مستلزم شناسایی نقاط پیووت است.

شما پیشتر باید نقاط محوری (پیووت) را بر اساس پیش بینی بازار تعریف کنید. اگر متوجه شدید که یک موج یا به اتمام رسیده و یا در آستانه ی پایان یافتن است می توانید با هدف کسب سود از حرکت قیمت و در جهتی مخالف جهت روند قبلی وارد معامله شوید.

همانطور که از نامش نیز پیدا است، در راهبردهای معاملاتی مبتنی بر دنبال کردن روند لازم است که روند را در بازار شناسایی کرده و درون آن به معامله بپردازیم. به طور مثال، فرض کنید مشخص کرده ایم که یکی از قوی ترین موج های تکانه ای یعنی موج 3 شروع به شکل گیری کرده است و بدین ترتیب در جهت روند (معامله ی خرید در روند صعودی) وارد معامله می شویم.

معامله گران اغلب این دو راهبرد را بر اساس وضعیت بازار با یکدیگر ترکیب می کنند.

امواج الیوت در معاملات روزانه

نظریه ی امواج الیوت به شکلی عالی در تایم فریم های کوتاه مدت برای معاملات روزانه کاربرد دارند. معامله گران از تایم فریم های ۵ تا ۳۰ دقیقه ای اغلب برای تحلیل چارت قیمتی در یک روز استفاده می کنند. اگرچه، لازم است در نظر داشته باشید که موج ها در تایم فریم های دقیقه ای اغلب پیچیده بوده و ساختاری تغییر یافته دارند. به همین دلیل است که تنها تحلیلگران پیشرفته می توانند با موفقیت الگوهای موجی را در تایم فریم های پایین تر از M5 مشخص کنند. به غیر از این مورد باید گفت که معاملات روزانه اشتراکات زیادی با معاملات میان مدت و بلند مدت دارد.

پیش بینی بر اساس الگوهای موجی

از لحاظ آماری، ایمپالس-تکانه ها به وفور در چارت ها ایجاد می شوند. با توجه به اینکه زیرموج های تکانه ای سریع ترین و قدرتمند ترین الگوهای موجی الیوت هستند، معامله درون یک موج تکانه ای موثرترین راه برای کسب سود از معامله است.

دومین موج متداول در بازار زیگ زاگ است. زیگ زاگ نیز برای معامله مناسب است اما باید دانست که زیگ زاگ ویژگی های خاص خود را دارد زیرا ماهیتش اصلاحی است پس معامله درون یک زیگ زاگ معمولاً فرایندی پیچیده تر از معامله درون یک ایمپالس-تکانه دارد. اگرچه، بسیاری از معامله گران از این الگو برای کسب سود استفاده می کنند.

می توان با معامله بر اساس سایر انواع موج نیز سود کسب کرد، اما معامله گران با تجربه تر در این حالت به موفقیت بیشتری می رسند.

من بر اساس امواج الیوت به شکل روزانه و برای بازار رمزارز تحلیل می نویسم. همکار من آقای الکس گئوتا نیز تحلیل هفتگی جفت های ارزی اصلی را منتشر می کند.

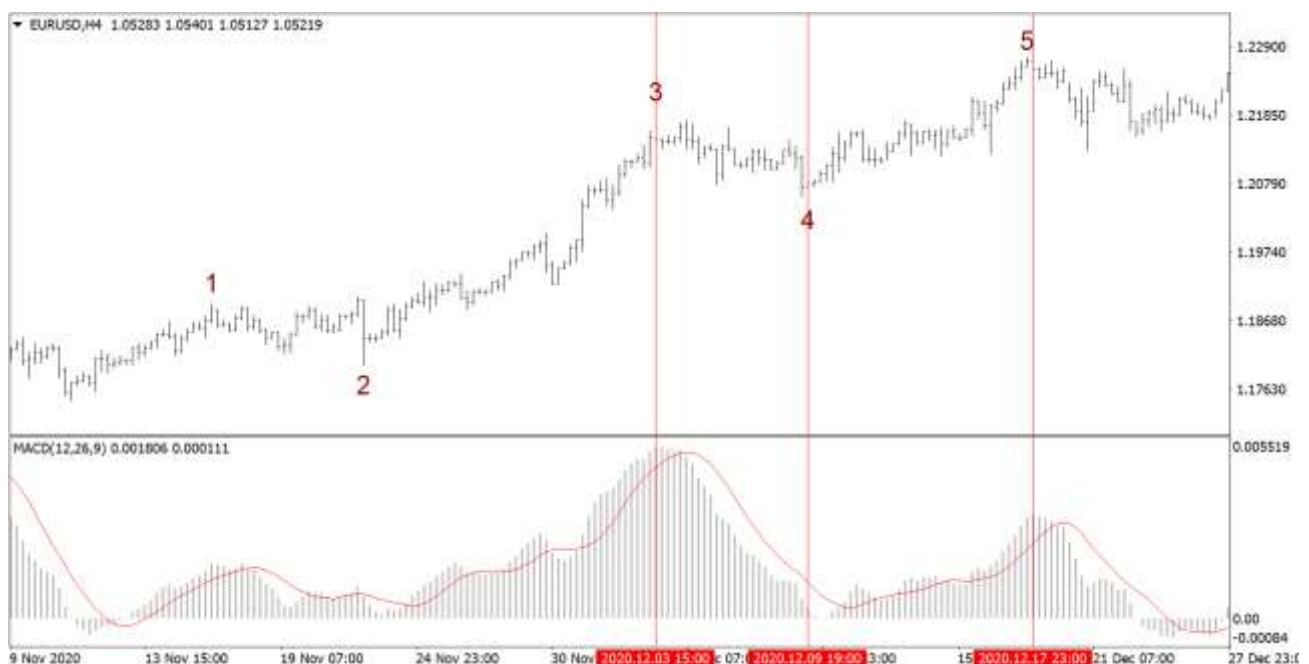
اندیکاتورهای موج الیوت

برای مشخص ساختن صحیح ساختار امواج الیوت باید بدانیم که قواعد و دستور العمل های مطالعاتی تحلیل موجی چیست و باید قادر باشیم تا دانش خود را به شکل عملی در یک چارت واقعی پیاده کنیم. برخی معامله گران از اندیکاتورها برای تایید الگوهای موجی ای که در چارت تعریف می شود استفاده می کنند.

اندیکاتور MACD

اندیکاتور MACD در بین معامله گران بسیار محبوب است اما معمولاً در تحلیل تکنیکال کلاسیک مورد استفاده قرار می گیرد. اگرچه، تحلیلگران امواج الیوت استفاده از آن را برای تایید الگوهای موجی مورد نظر قرار می دهند. به طور مثال، بیل ویلیامز توصیه کرده که از اندیکاتور **MACD** با پارامترهایی خاص به عنوان یک ابزار تکمیلی جهت شناسایی ساختارهای موجی استفاده شود.

اندیکاتور MACD می تواند کمک به شناسایی بخش پایانی موج-ایمپالس 3 بکند. سومین موج معمولاً نشانگر قوی ترین بخش یک روند است و حرکت شاخص در این حالت در سریع ترین حالت ممکن قرار دارد. به همین دلیل است که خوانش عددی بسیار قوی در اندیکاتور MACD اغلب با نقطه ی پایانی موج 3 ارتباط دارد.



در تصویر بالا می بینید که بالاترین عدد اندیکاتور MACD مصادف با نقطه ی اوج قیمتی ای است که ایمپالس-موج 3 آن را ایجاد کرده است.

در قدم بعدی خطوط اندیکاتور در پایان موج 4 (خط وسطی عمودی و قرمز) به صفر رسیده اند.

لحظه ی جالب دیگری که قابل توجه است را خط عمودی سمت راست مشخص کرده است. در این خط قیمت درون موج 5 صعود بیشتری کرده و یک نقطه ی اوج جدید را ثبت کرده است، و این در حالی است که خطوط MACD نیز نشان دهنده ی نقطه ی اوج هستند اما نقطه ی اوج نامبرده از نقطه ی اوجی که در پایان تکانه-ایمپالس 3 ثبت شده پایین تر هستند. بنابراین، اندیکاتور MACD می تواند پایان امواج 3 و 4 و 5 را در یک ایمپالس مشخص کند.

نویسنده

Roman Onegin

درباره من: من یک تحلیلگر و معامله گر مستقل هستم

اوسیلاتور موج الیوت

اوسیلاتور موج الیوت در واقع یک اندیکاتور است که تفاوت بین دو میانگین حرکتی ساده را اندازه می گیرد. اوسیلاتور EWO شبیه به اندیکاتور MACD است اما پارامترهای متفاوتی دارد. همچنین، خط سیگنالی در چارت EWO وجود ندارد. می دانیم که اندیکاتور MACD بر اساس تفاوت دو میانگین حرکتی محاسبه می شود. اوسیلاتور موج الیوت تفاوت بین بازه ۵ روزه و ۳۵ روزه ی میانگین حرکتی ساده (SMA) را بر اساس نقطه ی بسته شدن هر یک از کندل استیک ها اندازه گیری می کند.



در چارت بالا می بینید که EWO شبیه به MACD است و در حقیقت این دو یکی هستند، تنها تفاوتی که وجود دارد این است که پارامترهای EWO را نمی توان تغییر داد و بازه های میانگین حرکتی همواره عدد ۵ و ۳۵ را نشان می دهند و برای تایید کردن ساختار موج در مناسب ترین حالت قرار دارند.

این را نیز می توانم اضافه کنم که الگوی ۵ موجی در اینجا با یک واگرایی به پایان می رسد که با خطوط مشکی در چارت به نمایش در می آید. ویژگی های تکنیکال EWO مثل MACD هستند.

من در اینجا اندیکاتورهایی را توصیف کرده ام که از به شکل سنتی برای تایید الگوهای یافت شده در چارت مورد استفاده قرار می گیرند. چندین بار تلاش شده تا اندیکاتورهایی در قالب نرم افزار توسعه پیدا کنند که به شکلی مستقل بتوانند موج ها را در چارت ترسیم کنند. اگرچه، هیچ گاه تا به حال به اندیکاتورهایی بر نخورده ام که بر اساس قواعد موجی و دستورالعمل های مطالعاتی آن ها موج ها را ترسیم کنند. استفاده از اندیکاتورهای تکنیکال به عنوان ابزارهایی اضافی برای تایید الگوهای موجی ای که پیدا می کنید ایده ی خوبی است.

اندیکاتور موج شمار الیوت (پروفت)

اندیکاتور موج شمار الیوت برای کمک دادن جهت انجام تحلیل موجی و همانطور که توسعه دهندگان آن گفته اند، برای پیش بینی حرکت بعدی قیمت بر اساس موج های از پیش شکل گرفته مورد استفاده قرار می گیرد. من در مورد این اندیکاتور بیشتر تحقیق کرده ام و نظرم این است که در معامله کردن کمکی نمی کند بلکه باعث گیج شدن معامله گر می شود.

نویسنده

Roman Onegin

هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من: am درباره

اندیکاتور WATL

اندیکاتور WATL نقاط اوج و کف را تعریف می کند و مانند اندیکاتورهای فراکتالی به خوبی خطوط روند را ترسیم می کند. البته باید اشاره کنم که هیچ کدام از عملکردهای این اندیکاتور با تحلیل موجی تناسب ندارد و نمی توانم استفاده از آن را توصیه کنم.

چگونگی خوانش چارت امواج الیوت

اگر می خواهید امواج الیوت را مطالعه کنید باید یاد بگیرید که چگونه موج ها را در چارت نشانه گذاری کنید.

اگر می خواهید معلوم کنید که کدام موج در حال حاضر شکل می گیرد باید موج ها را در چارت معین کنید. برای انجام این کار، از راهنمای گام به گام زیر بهره بگیرید:

1. پیشنهاد می شود که نشانه گذاری را از بلند ترین تایم فریم در دسترس شروع کنید. بهتر است تمامی داده های تاریخی در دسترس را مطالعه کنید تا بدین ترتیب معلوم کنید کدام الگو از لحاظ تحلیل تکنیکال در حال شکل گیری است و تا کجا به پایان رسیده است.
2. الگوی بزرگتر را شناسایی کرده و با حروف یا اعداد یک سطح موجی خاص آن را نشانه گذاری کنید. ترجیح با سطوح موجی سطح سینیور مثل سطوح چرخه ای یا ابرچرخه ای (سوپر سیکل ها) است.
3. به سراغ تایم فریم های کوتاه مدت تر بروید و زیرموج های الگوی بزرگ تر را با حروف یا اعداد جدید یک سطح موجی که پایین تر است نامگذاری کنید.
4. به همین شکل می توانید به تایم فریم های پایین تر بروید. به طور مثال می توان به تایم فریم های H4 و H1 اشاره کرد. در این نقطه متوجه تصویر کلی اینکه چه چیزی در چارت در حال شکل گیری است خواهید شد تا بتوانید بر اساس تعریف فعلی موج یک پیش بینی انجام دهید.

نکات کلیدی استفاده از امواج الیوت

نکات کلیدی ای در مورد معامله ی فارکس با استفاده از امواج الیوت وجود دارد:

- نشانه گذاری موج ها را با طولانی مدت ترین تایم فریمی که در دسترس است شروع کنید؛
- از ساده ترین شکل نشانه گذاری استفاده کنید؛
- اطمینان حاصل کنید که تمامی قواعد و دستورالعمل های مطالعاتی تحلیل موجی محقق شده است. اگر قاعده ای رعایت نشده باشد الگوی موجی ممکن است به درستی تعریف نشود؛
- موج ها اغلب تمایل به پایان یافتن در نقاط انتهایی دارند. البته کوتاه شدن موج ها نیز اتفاق می افتد اما این اتفاق کمتر متداول است؛
- ترتیب نشانه گذاری و توالی درجات موجی را دنبال کنید. منظم بودن نشانه گذاری منجر به نظم معامله می شود و این معامله ی سودده تضمین می کند.

واژه نامه ی نظریه ی امواج الیوت

نویسنده

Roman Onegin

درباره من: من یک تحلیلگر و معامله گر مستقل هستم

اصطلاح	تعریف
نظریه ی امواج الیوت	تحلیل موج الیوت روشی محبوب بوده که از آن برای بررسی دقیق بازارهای مالی استفاده می شود. تحلیل موجی توسط آقای رالف نلسون الیوت ایجاد شده است. وی پس از ۹ سال تحقیق پیاپی در بازارهای مالی و در سال ۱۹۳۸ کتاب خود که قاعده ی موج نام داشت را منتشر کرد. بر اساس نظریه ی موج الیوت، فضای هیجانی سرمایه گذاران و وضعیت روانی آن ها روندهای بازار را شکل می دهند. آقای الیوت متوجه شد که بیشتر معامله گران به شکل قابل پیش بینی رفتار می کنند و چارت قیمتی الگوهای تکراری را ترسیم می کند. الیوت تمامی انواع موج هایی که در بازار ایجاد می شوند را توصیف و دسته بندی کرد. اگر انواع موج و قواعد رشد آن ها را می دانید آنگاه می توانید حرکات آتی بازار را پیش بینی کرده و وارد یک معامله ی سودده بشوید.
موج	موج بخشی از حرکت قیمت از یک جهت به جهت دیگر است.
موج کنشی	موج کنشی یا جنبشی به موجی اشاره دارد که به همان جهت موجی که یک درجه در سطح بالاتر قرار دارد به حرکت در می آید.
موج واکنشی	موج واکنشی یا موج دارای جهت مخالف (کانترترند) موجی است که به جهت مخالف موجی که یک درجه در سطح بالاتر قرار دارد به حرکت در می آید.
حالت جنبشی (موج های جنبشی)	موج هایی که در حالت جنبشی رشد می کنند همواره از ۵ زیرموج تشکیل می شوند.
حالت اصلاحی (موج های اصلاحی)	موج های دارای حالت اصلاحی به موج هایی می گویند که از ۳ موج یا چندین بخش ۳ موجی تشکیل شده اند. این امکان وجود دارد که دو یا سه بخش وجود داشته باشد و یک موج پیوندی آن ها را به هم متصل کند.
تکانه-ایمپالس	ایمپالس-تکانه متداول ترین نوع از امواج است. هرگونه ساختار اصلاحی را می توان به ایمپالس-تکانه تقسیم کرد، پس موج های تکانه ای را می توان یک ساختار ساده دانست. هر موج با هر درجه ای از پیچیدگی از این ساختار ساده یعنی ایمپالس-تکانه تشکیل شده است.
دیاگونال پیشرو (گوه)	دیاگونال پیشرو یک الگوی موجی است که بعد از آن اغلب یک حرکت قیمتی قوی ایجاد می شود. دیاگونال های پیشرو در موقعیت موج ۱ درون موج های تکانه ای و یا در موقعیت موج A در یک زیگ زاگ ساده ایجاد می شود.

اصطلاح	تعریف
کوتاه شدگی موج	کوتاه شدگی زمانی ایجاد می شود که پنجمین موج یک تکانه به پایان سومین موج نمی رسد و یا از آن عبور نمی کند.
دیاگونال پایانی	دیاگونال پایانی در چارت به معنی این است که روند جاری به اشباع رسیده و انتظار می رود که یک حرکت اصلاحی و یا یک روند مخالف ایجاد شود. دیاگونال پایانی در موقعیت موج 5 درون یک تکانه و یا در موقعیت موج C در زیگ زاگ ساده ایجاد می شود.
زیگ زاگ	زیگ زاگ ها تقریبا به تناوبی یکسان در مقایسه با تکانه ها ایجاد می شوند. تمامی موج های اصلاحی را می توان به زیگ زاگ تقسیم کرد که از تکانه تشکیل شده اند. زیگ زاگ از ۳ موج تشکیل شده و با حروف نشانه گذاری می شود.
حرکت اصلاحی پرشیب	حرکت اصلاحی پرشیب از ۵۰ درصد موج قبلی فراتر می رود.
حرکت اصلاحی کم شیب	حرکت اصلاحی کم شیب به معادل کمتر از ۵۰ درصد دنباله ی بازگشتی موج قبلی می رسد.
رکت افقی (فلت)	حرکت اصلاحی مثل یک زیگ زاگ یک الگوی موجی ساده است که از ۳ موج تشکیل می شود.
حرکت افقی باقاعده	در یک حرکت افقی (فلت) با قاعده تمامی موج های تقریبا با هم برابر هستند.
حرکت افقی (فلت) انبساطی	در یک حرکت افقی انبساطی، هر موج بعدی بزرگتر از موج قبلی است. این الگو زمانی ایجاد می شود که نیروی خریداران و فروشندگان در بازار تقریبا برابر باشد و قیمت بالا و پایین برود و نوسانات افزایش پیدا کند. بنابراین، هر موج بعدی بزرگتر از موج قبلی خواهد بود.
حرکت افقی جاری (رانینگ))	در یک حرکت افقی جاری، موج B بزرگتر از موج A، و موج C کوچکتر از موج B است. حرکت افقی جاری معمولا در بازاری ایجاد می شود که یا خریداران و یا فروشندگان غلبه دارند و موج نمی تواند به حالت خنثی (سایدوی) رشد کند.

نویسنده

Roman Onegin

درباره من: من یک تحلیلگر و معامله گر مستقل هستم

اصطلاح	تعریف
زیگ زاگ دوگانه	زیگ زاگ دوگانه از دو بخش تشکیل شده که با یک موج پیوندی به هم متصل شده اند. اولین زیگ زاگ با حرف W مشخص شده و دومین زیگ زاگ با حرف Y نشانه گذاری شده است. دو موج نامبرده با موج پیوندی X به یکدیگر متصل شده اند.
زیگ زاگ سه گانه	زیگ زاگ سه گانه از سه زیگ زاگی که با موج های پیوندی به هم وصل شده اند تشکیل شده است.
دابل تری	دابل تری از دو ساختار سه موجی که با یک موج پیوندی اصلاحی به یکدیگر متصل شده اند تشکیل شده است. ساختار موجی سه تایی (تری) نوعی از انواع موج است که در وضعیت اصلاحی ایجاد می شود. اولین ساختار سه موجی با حروف W و دومین ساختار با حرف Y مشخص می شود. این دو موج به وسیله ی موج پیوندی X به یکدیگر متصل می گردند. ساختار دابل تری یک حرکت اصلاحی خنثی (سایدوی) است.
تریپل تری	تفاوت اصلی بین تریپل تری و دابل تری این است که دابل تری از سه زیرموج W-X-Y و تریپل تری از ۵ زیرموج W-X-Y-XX-Z تشکیل شده است.
مثلث افقی	تمامی مثلث های افقی از ۵ زیرموج تشکیل شده اند و با حروف A و B و C و D و E نشانه گذاری شده اند. چندین نوع مثلث وجود دارد و هر یک از لحاظ شیب خطوط تشکیل دهنده با یکدیگر متفاوت هستند.
مثلث جمع شونده ی افقی	خطوط تشکیل دهنده در یک مثلث جمع شونده در صورت ترسیم با یکدیگر همگرایی پیدا می کنند.
مثلث افقی انبساطی	در یک مثلث انبساطی خط تشکیل دهنده ی بالایی به سمت بالا و خط تشکیل دهنده ی پایینی به سمت پایین جهت گیری می کند. خطوط نسبت به هم واگرایی پیدا می کنند.
مثلث مورب	در مثلث مورب بر خلاف مثلث افقی هر دو خط تشکیل دهنده در یک جهت (بالا یا پایین) هستند.

انتقاد به نظریه ی امواج الیوت

عیب اصلی نظریه امواج الیوت پیچیدگی آن است. در این نظریه تعداد زیادی از قواعد مختلف و راهنمای مطالعاتی وجود دارد و زمان و تلاش زیادی برای مطالعه ی همه ی آن ها مورد نیاز است، اما فرآیند مطالعه چندان سخت نیست.

نویسنده

Roman Onegin

هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من: am درباره

به طور گسترده این باور در بین معامله گران مبتدی وجود دارد که تحلیل موجی یک روش شخصی است. این بدین دلیل است که معامله گران مختلف الگوهای موجی متفاوتی را در ابتدا شناسایی می کنند. اگرچه، معامله گران باتجربه می توانند یک تحلیل واضح و نوعی تر ارائه دهند و تحلیلگران مختلف ساختار موجی مشابهی را مد نظر قرار می دهند. نمی گویم که این یک نکته ی منفی است زیرا در صورتی که تجربه ی کافی کسب کرده باشید مورد نامبرده حل می شود. نظریه ی امواج الیوت یک نظریه ی جهان شمول است که در بازار سهام، بازار فارکس، بازار کالاهای اساسی و یا بازار رمزارز کارامدی دارد.

نتایج بحث: مزایا و معایب امواج الیوت

مزایای استفاده از امواج الیوت	معایب استفاده از امواج الیوت
نظریه ای پیچیده است	فهمی کامل از وضعیت فعلی بازار به دست می دهد و نقطه ی شروع آن از تایم فریم بلند تر و نقطه ی پایان آن چارت دقیقه ای است.
در بخش های ابتدایی مطالعه ی موج ها، تحلیل ها نسبتاً شخصی به نظر می رسند.	بر خلاف استفاده از اندیکاتورها تاخیر زمانی ندارد و می توانید با دقت نقطه ی شروع روند را شناسایی کنید

برای فهمی عمیق تر از موضوع، پیشنهاد می کنم کتاب های زیر را که در مورد امواج الیوت نوشته شده و از لحاظ بین المللی تایید شده اند مطالعه کنید:

- کتاب ۱ نوشته ی آقای "Dmitry Vozny:"Elliott Code: wave analysis of the forex market"
 - کتاب ۲ نوشته ی آقای "Alfred Frost:"Elliott Code: wave analysis of the forex market"
- تحلیل موج الیوت با موفقیت در معاملات بازار سهام، فارکس، رمزارزها، یا سایر ابزارهای مالی استفاده شده است.

امیدوارم راهنمای جامع من در مورد امواج الیوت برای شما مفید بوده باشد. اگر سوالی دارید لطفاً در بخش نظرات در پایین آن را بنویسید! خوشحال می شوم بتوانم پاسخ و توضیحات بیشتری بدهم!

آرزو می کنم در معاملات خود موفق باشید!

پرسش های متداول امواج الیوت

موج الیوت شماره ی 1 را چگونه شناسایی کنیم؟

اولین موج همواره در بخش ابتدایی روندهای جدید و یا حرکت های اصلاحی ایجاد می شود. برای شناسایی موج 1 باید نقطه ی پایانی موج قبلی را شناسایی کنید. مطالعه ی ساختار داخلی موج احتمالی اول و حصول اطمینان از اینکه که یک تکانه-ایمپالس واقعی است حائز اهمیت است.

از اندیکاتور موج الیوت چگونه استفاده کنیم؟

تا کنون به اندیکاتوری بر نخورده ام که بتواند امواج الیوت را در چارت ترسیم کند. اگرچه، چندین اندیکاتور تکنیکال وجود دارد که به تحلیلگران موجی کمک می کند تا الگوهای موجی در چارت را تایید کنند. به طور مثال، می توان از MACD یا اوسیلاتور موج الیوت (اوسیلاتور اصلاح شده ی MACD) استفاده کرد. در برخی موارد، معامله گران می توانند از RSI یا استوکستیک استفاده کنند و بدین ترتیب تحلیل تکنیکال را با تحلیل موج الیوت ترکیب نمایند.

چرا امواج الیوت کارا هستند؟

چارت های قیمتی نشان دهنده ی تعامل شرکت کنندگان در بازار هستند. به بیانی دیگر، چارت قیمتی تحت تاثیر اکثریت معامله گران قرار می گیرد. یک معامله گر خاص ممکن است به شکلی غیرمنتظره رفتار کند اما اکثریت بازار در قالب یکسانی رفتار می کنند. به همین دلیل است که چارت قیمتی همواره یکی از 10 نوع موج که مورد بررسی قرار گرفت و شرح داده شد را به نمایش می گذارد. تنها به این دلیل که اکثریت بازار همواره بر اساس الگوهای خاص رفتار می کنند می توان گفت که موج الیوت کارآمد است.

موج الیوت را چگونه اعمال کنیم؟

در وهله ی اول باید نوع موجی که در حال شکل گیری است را معین کنید و مشخص سازید که تا چه حدی به پایان رسیده است. پس از آن با استفاده از قواعد و دستور العمل های مطالعاتی نظریه ی موج الیوت پیش بینی خود را بر اساس نقطه ی پایانی موج فعلی مطرح می کنید.

چرخه ی موج الیوت چیست؟

یک الگوی چرخه ی موجی از یک موج جنبشی و یک موج اصلاحی تشکیل شده است. یک موج جنبشی یک الگوی 5 موجی است که با اعداد 1-2-3-4-5 مشخص شده و از سویی دیگر، موج اصلاحی از سه موج تشکیل شده که با حروف A-B-C مشخص شده اند. بنابراین، یک چرخه ی کامل روندهای جنبشی و اصلاحی مجموعاً 8 موج در بر دارند.

تحلیل موج الیوت شامل چه مواردی است؟

تحلیل موج الیوت انواع مختلف موجی که در چارت شکل می گیرد را مورد مطالعه قرار می دهد. 10 نوع موج وجود دارد که مورد بررسی قرار داده شد. تحلیل موجی یک روش کارآمد است زیرا الگوهای موجی یکسان در بخش های مختلف چارت پدید می آیند.

از اندیکاتور موج الیوت چگونه استفاده کنیم؟

از اندیکاتورهای موج الیوت برای تایید نشانه گذاری موج ها استفاده می شود. اندیکاتورهای الیوت اغلب به معنی اندیکاتورهای تکنیکال متداول با پارامترهایی که برای سازگاری با امواج الیوت بهینه سازی شده اند هستند.

اوسیلاتور موج الیوت چیست؟

نویسنده

Roman Onegin

هستم مستقل گر معامله و تحلیلگر یک من: am درباره

اوسیلاتور موج الیوت یک اندیکاتور تکنیکال و در واقع همان MACD است که پارامترهای میانگین حرکتی (MA) آن تثبیت شده (۵ و ۳۵) و خط سیگنال در آن وجود ندارد. از این اندیکاتور برای شناسایی نقاط پایانی موج های 3 و 4 و 5 در یک تکانه استفاده می شود.

آیا موج الیوت مناسب معاملات روزانه است؟

تحلیل موج الیوت به شکلی عالی در معاملات روزانه کار می کند. از تایم فریم های ۵ دقیقه ای تا ۱ ساعته برای تحلیل استفاده می شود.

موج الیوت را در چارت چگونه شناسایی کنیم؟

برای شناسایی امواج الیوت در چارت، در وهله ی اول باید الگوی موجی ای که در طولانی ترین تایم فریم موجود وجود دارد را تعریف کنید و سپس به شکل تدریجی به سراغ تایم فریم های کوتاه مدت تر رفته و موج های کوچک تر را نشانه گذاری کنید.

موج های الیوت را چگونه ترسیم کنیم؟

لازم است که موج های الیوت را در بلندمدت ترین تایم فریم ها ترسیم کنید و به سراغ تایم فریم های کوتاه تر بروید. این کار را تا جایی ادامه دهید که به تایم فریمی که می خواهید در آن معامله کنید رسیده باشید. این کار تنها از طریق داشتن فهمی کلی تر از وضعیت بازار قابل انجام است.